

بسم الله الرحمن الرحيم



اسلام و پژوهش های روان شناختی

فصل نامه علمی - ترویجی

سال دوم، شماره چهارم، پیاپی ۴، بهار ۱۳۹۵

مدیر مسئول: دکتر محمدجواد زارعان
جانشین سردبیر: عباس علی هراتیان

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
سردبیر: دکتر محمدرضا احمدی
مدیر اجرایی: هادی ارشاد حسینی

دورنگار: ۰۲۵۳۳۹۲۲۳۳۹
صندوق پستی: ۳۷۱۳۷۱۵۵۴۵
کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پست الکترونیکی: ipr@ueae.ir
پایگاه اینترنتی: ipr.ueae.ir
نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دانشیار، دانشگاه تهران
فاضل حوزوی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
فاضل حوزوی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
استاد تمام، دانشگاه بقیه الله عجل الله تعالی فرجه
فاضل حوزوی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
فاضل حوزوی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته
فاضل حوزوی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دکتر هادی بهرامی احسان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد زارعان
آیت الله سیدمحمد غروی راد
دکتر علی فتحی آشتیانی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد کاویانی ارانی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمود نودری

براساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۲۰۲ به تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ درجه علمی
فصل نامه از علمی-تخصصی به علمی-ترویجی ارتقا یافت.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارایه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و ... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسایل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشند. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی و ایمیل پژوهشگر/ پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- مقدمه: بیان مسأله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند.
- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آن‌ها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع شده است. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

- کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی). عنوان کتاب، شماره جلد، نام و نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.
- مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، سال / دوره، شماره، صفحات.
- پایان نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان پایان نامه، پایان نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.
- گزارش: نام سازمان (سال انتشار). «نام گزارش».
- اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.
- ضمائم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.
۲. مقاله باید با نرم افزار Word Microsoft، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و به وسیله پایگاه اینترنتی و پست الکترونیکی، برای فصلنامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.
۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان سازی می‌شود.
- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

فهرست مطالب

۷	مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی	نجیب‌الله نوری / علی عسگری / رحیم نارویی نصرتی / محمدصادق شجاعی
۳۷	بررسی تجربی مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان	محمود نوذری / مجتبی حیدری / علی عسگری / سیدمحمدرضا موسوی نسب
۵۵	اثر بخشی آموزش خوش بینی بر میزان افسردگی و رضایت از زندگی زنان در آستانه طلاق	میرمجید سعیدی / محمود گلزاری / احمد برجلی / آتوسا صادق پور
۷۱	ساخت آزمون اولیه صبر بر معصیت	حسین امیری / محمدرضا احمدی / رحیم میردریگوندی
۸۵	نقش میانجی صفت حرص در رابطه بین صفات تکبر و حسادت	حسین رضائیان / سیدعباس ساطوریان / عباس علی هراتیان / سیدمهدی حسینی مطلق
۹۹	مقایسه تأثیر آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی و معنویت درمانی بر تعارضات زناشویی	صدیقه احمدی / شیماسادات برقی / زهره عباسی
۱۱۳	ملخص المقالات	

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵، ص ۷ - ۲۶

مؤلفه های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی

Process and Structural Components of religious Identity Based on Islamic Sources

✍ **نجیب الله نوری** / دکتری روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی عسگری / استادیار روان شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی

رحیم نارویی نصرتی / استادیار روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدصادق شجاعی / استادیار روان شناسی، جامعه المصطفی العالمیه

Najibullah Nuri / PhD of Psychology, IKI.

noori1351@gmail.com

Ali Askari / Assistant Professor of Educational Psychology, KHU.

Rahim Narooie Nusrati / Assistant Professor of Psychology, IKI.

Muhammad Sadiq Shojaie / Assistant Professor of Psychology, MIU.

ABSTRACT

The present research aims at identifying the componential structure and process components of religious identity in Islamic sources. To discover the components, the methods of content analysis and linguistic semantic were used in a two-stage process. The content validity of the components was confirmed by some experts in seminary sciences who were specialized in psychology or educational sciences. The findings showed that five components (inquiry, integration, commitment, vigilance, and self-care) can be introduced as the process components for religious identity.

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی ساختار مؤلفه ای و مؤلفه های فرایندی هویت دینی از منابع اسلامی است. برای کشف مؤلفه ها از روش تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی در یک طرح دو مرحله ای استفاده شد. روایی محتوایی مؤلفه ها، توسط کارشناسان علوم حوزوی که در روان شناسی یا علوم تربیتی تخصص داشتند، تأیید شد. یافته ها نشان داد که پنج مؤلفه جست و جویی، یکپارچه سازی، تعهد، هشیاری و خودپایی را می توان مؤلفه های فرایندی هویت

Besides, based on the findings of the research, seven components including beliefs, values, goals, orientations, characteristics, abilities, and vulnerabilities are considered as structural components of religious identity.

KEYWORDS: Component Structure, Religious Identity, Process Component, Structural Component, Islamic Sources.

دینی معرفی کرد. همچنین بر پایه یافته‌های این پژوهش هفت مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، صفات، توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها مؤلفه‌های ساختاری هویت دینی به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: ساختار مؤلفه‌ای، هویت دینی، مؤلفه فرایندی، مؤلفه ساختاری، منابع اسلامی.

مقدمه

هویت، یکی از سازه‌های مهم است که فیلسوفان از آن برای تبیین ماهیت انسان و گسترش جهانی‌سازی (همک، ^۱ ۲۰۱۰)، سیاستمداران برای حفظ انسجام مردم و جهت‌دادن به اندیشه‌ها (برنشتاین، ^۲ ۲۰۰۵)، روان‌شناسان به منظور یافتن معنای زندگی و سلامت روان (واترمن، ^۳ ۲۰۱۱)، جامعه‌شناسان برای تبیین نقش‌های اجتماعی، مردم‌شناسان به منظور شناخت فرهنگ‌های مختلف (سرپ ^۴ و استریکر، ^۴ ۲۰۱۱) و دینداران برای حفظ دینداری مردم استفاده می‌کنند.

نظریه‌پردازان و پژوهشگران هر کدام به تناسب دیدگاه خود تعریف خاصی از هویت ارائه داده‌اند. بر پایه تعریف اریکسون ^۵ (۱۹۶۸) هویت عبارت است از: ادراک همسانی و تداوم خود در فضا و زمان به این معنا که فرد در موقعیت‌های مختلف و در طول زمان انسجام و یکپارچگی داشته باشد. از نظر ماریس ^۶ (۱۹۹۳)، هویت یک سازمان‌یافتگی پویا از کشنده‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه فردی است. برزونسکی ^۷ (۲۰۱۱)، هویت را یک ساخت شناختی یا «تئوری خود» می‌داند که از مفروضه‌ها، فرضیه‌ها، باورها و روان‌بنه‌ها تشکیل یافته و چارچوب مرجع برای انتخاب و تفسیر اطلاعات مربوط به خود را فراهم می‌سازد.

همان‌گونه که در تعریف‌های فوق مشاهده می‌شود، ماهیت هویت از اجزایی مانند باورها، ارزش‌ها و مفروضه‌ها تشکیل می‌شود. اما شکل دادن این عناصر در یک ساخت واحد، نیاز به فرایندهای روان‌شناختی دارد. بنابراین، هویت از دو نوع مؤلفه فرایندی و ساختاری تشکیل یافته است. مؤلفه‌های فرایندی به «چگونگی» هویت مربوط می‌شود و مکانیزم‌های روان‌شناختی هستند که اجزای هویت را به هم پیوند می‌زنند. مؤلفه‌های ساختاری به «چیستی» هویت مربوط می‌شود و متشکل از عناصر اجزایی است که ساختار آن را به وجود می‌آورد.

1. Hamack, P.L.

2. Bernstein.

3. Serpe, R.T.

4. Stryker, S.

5. Erikson, H.

6. Marcia, J.

7. Berzonesky, M.

8. self-theory

در بخش مؤلفه‌های فرایندی دو مؤلفه فرایندی «جست‌وجوگری»^۱ و «تعهد»^۲ توسط مارسیا (۱۹۶۶) مطرح شد. جست‌وجوگری به معنای رفتار حل مسئله به منظور استخراج اطلاعات درباره خود یا محیط اشاره دارد تا فرد بتواند درباره انتخاب‌های مهم زندگی تصمیم بگیرد (گروتونت،^۳ ۱۹۸۷). به بیان دیگر، فرد بتواند گزینه‌های متعدد را درباره یک انتخاب ترتیب دهد (مارسیا، ۱۹۸۰). مؤلفه تعهد به معنای عمل انتخاب یک یا چند گزینه از میان گزینه‌های مختلف، و همچنین به معنای پذیرش مجموعه‌ای از ایده‌آل‌ها، و پایبندی، قصد یا تداوم یک هویت. به بیان دیگر، «تعهد» یعنی تبعیت از مجموعه‌ای اهداف، ارزش‌ها و باورها (مارسیا، ۱۹۸۹).

اما بوسما^۴ (۱۹۸۵)، لویکس^۵ و همکاران (۲۰۰۸) و کروستی^۶ و همکاران (۲۰۰۷) جست‌وجوگری را متشکل از دو مؤلفه «جست‌وجو در گستره» و «جست‌وجو در عمق»، و تعهد را شامل دو مؤلفه «ساخت تعهد» و «هماندسازی با تعهد» دانستند. جست‌وجوگر در گستره پیش از انتخاب تعهد و برای شکل دادن و ایجاد آن صورت می‌گیرد اما «جست‌وجو در عمق» پس از انتخاب آن و برای ارزیابی تعهد فعلی صورت می‌گیرد. جست‌وجو در عمق به صورت گردآوری اطلاعات و صحبت با دیگران درباره تعهد فعلی انجام می‌شود. «ساخت تعهد» به انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های مختلف مربوط می‌شود. «هماندسازی با تعهد» به ارزیابی تعهد پس از انتخاب آن برمی‌گردد یعنی فرد تعهد انتخاب شده را با احساس درونی خود تلفیق^۷ می‌سازد همانندسازی با تعهد به میزان اطمینان و قاطعیت فرد به تعهد انتخاب شده مربوط می‌شود و اینکه تعهد برگزیده تا چه اندازه با استانداردها و آرزوهای فرد هماهنگ است (شوارتز، لویکس و کروستی، ۲۰۱۴).

گروتونت (۱۹۸۷) توجه خود را بر فرایندهای مرتبط با جست‌وجوگری متمرکز ساخت و اموری مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، ژرف‌نگری و جهت‌گیری‌هایی مانند سرسختی، مسامحه‌کاری، رغبت و بی‌رغبتی را در فرایند جست‌وجوگری مطرح کرد. کرپل من^۸ و لامکه^۹ (۱۹۹۷) بازخورد اجتماعی، سازگاری و عدم سازگاری هویت‌ها را فرایندهای سوق‌دهنده یا مانع جست‌وجوگری دانست. کرتینز^{۱۰} (۱۹۹۹)، به فرایندهای انتخاب، خودمهارگری، مسئولیت‌پذیری و یکپارچگی در شکل‌دهی هویت توجه کرد. واترمن^{۱۱} (۱۹۸۲) مؤلفه فرایندی «معنایایی فردی» را مطرح کرده است. بر اساس این مؤلفه، هویت فرد زمانی تحقق می‌یابد که نیروی درونی خود را کشف کند و هویت خود را بر پایه آن تحقق بخشد به گونه‌ای که آن هویت برای او معنای فردی داشته باشد. این مجموعه به عنوان مؤلفه‌ها یا زیر مؤلفه‌های فرایندی هویت مطرح شده است.

1. exploration.

2. commitment.

3. Grotevant, H. D.

4. Bosma, H. A.

5. Luycks, K.

6. Crosti, A.

7. incorporating.

8. Kerpelman, J. L.

9. Lamke, L. K.

10. Kurtiniz, W. M.

11. Waterman, A.

درباره مؤلفه‌های ساختاری هویت که به ماهیت و چیستی آن مربوط می‌شود، اموری مختلفی مطرح شده است؛ برای نمونه، از نظر اریکسون (۱۹۶۸)، باورهای اساسی و بنیادی فرد درباره خود اجزای تشکیل‌دهنده «هویت من» و اهداف، ارزش‌ها، باورها، ترجیحات و انتخاب‌ها اجزای تشکیل‌دهنده «هویت فردی» به شمار می‌رود. جیمز (۱۹۸۰) خود مادی، خود اجتماعی و خود معنوی را اجزای تشکیل‌دهنده خود مفعولی (هویت) می‌داند. مارسیا (۱۹۸۰) باورها، کشاننده‌ها، توانایی‌ها و تاریخچه فردی، و برزونسکی (۲۰۱۱) مفروضه‌ها، فرضیه‌ها، باورها و روان‌بنه‌ها را اجزای تشکیل‌دهنده هویت می‌داند. واترمن (۲۰۱۴) ارزش‌ها، اهداف و رفتارها، مک‌آدامز (۲۰۱۱) نقش‌ها و صفات، و اسمیتز^۱ (۲۰۰۹) انتظارات، هنجارها و استانداردها را از اجزای سازنده هویت می‌داند.

مؤلفه‌های فرایندی و محتوایی که تاکنون مطرح شد، مربوط به هویت به معنای کلی آن است. اما در زمینه هویت دینی با رویکرد روان‌شناسی، پژوهشی توسط کراسکیان موجهاری (۱۳۸۱) بر پایه مدل نظری مارسیا و مبتنی بر مؤلفه‌های جست‌وجوگری و تعهد انجام شده است. در این پژوهش، هویت دینی در پنج حالت منع‌شده، دیررس، موفق، کلیشه‌ای و آشفته مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری شده است.

پژوهش دیگر بر پایه مدل مارسیا توسط بل^۲ (۲۰۰۹) انجام شده است که با تکیه بر دو مؤلفه فرایندی جست‌وجوگری و تعهد و مؤلفه‌های ساختاری مانند اعتقادات دینی، ایمان‌های دینی، چه کسی بودن، سبک زندگی دینی، سنت‌های دینی و پذیرش کلیت دین به مفهوم‌سازی و سنجش هویت دینی پرداخته است.

لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳)، هویت دینی را شامل پنج مؤلفه ساختاری اعتقادی، عملکردی، اخلاقی، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه دینی می‌داند. آخوندی (۱۳۸۳)، هویت دینی را مرکب از دو بخش پایبندی نظری و عملی به دین می‌داند. پایبندی نظری از چهار مؤلفه تشکیل شده است: ۱. علاقه‌مندی به اسلام و مذهب؛ ۲. مهم دانستن آگاهی از تاریخ اسلام؛ ۳. احساس رنج از مخدوش شدن اسلام؛ ۴. باور به جایگاه والای اسلام در میان مکاتب دیگر. پایبندی عملی شامل سه مؤلفه است: عضویت و مشارکت در گروه‌ها و مراسم و مناسک مذهبی؛ پایبندی به مقررات و احکام اسلامی و تلاش برای فراگیری متون مذهبی؛ و آشنایی با مروجان دین.

حبی و همکاران (۱۳۸۷) هویت دینی را در قالب پایبندی به برخی از آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی معنا کرده است. حجاب، بخشش، توکل، توجه به رزق حلال، وفای به عهد، توجه به بیت‌المال، صبر در برابر مصائب و انجام دادن تکالیف را از شاخص‌های هویت دینی معرفی کرده است. احسانی (۱۳۹۴)، درباره شاخص‌های رفتاری هویت دینی در بُعد اجتماعی از منظر قرآن کریم پژوهش انجام

داده است. امر به معروف و نهی از منکر، صداقت، اعتدال و میانه‌روی، انفاق، امانتداری و حجاب اسلامی به عنوان شاخص‌های مثبت حداقلی؛ اخوت دینی، تعاون بر خیر و نیکی، تواضع و مشورت به مثابه شاخص‌های مثبت حداکثری؛ همچنین ظلم و ستم، نفاق و فحشاء در زمره شاخص‌های منفی حداقلی و غیبت، دشنام و استهزاء از شاخص‌های سلبی حداکثری هویت دینی در بعد اجتماعی از منظر قرآن معرفی شده است.

مرور پژوهش‌های هویت دینی نشان می‌دهد که برخی از آنها بر مبنای مدل نظری مارسیا انجام شده است و مفهوم‌سازی خاصی از هویت به معنای دینی آن انجام نشده است. برخی پژوهش‌ها پایبندی نظری و عملی یا صرفاً پایبندی عملی به آموزه‌های دین اسلام را ماهیت هویت دینی دانسته‌اند. در این پژوهش‌ها، به مؤلفه‌های فرایندی هویت توجه نشده است و گویا تنها پایبندی (تعهد) را مؤلفه مؤثر در هویت دینی در نظر گرفته‌اند. اگر پایبندی تنها مؤلفه مؤثر در فرایند هویت‌یابی باشد، می‌توان همه این پژوهش‌ها را متأثر از نظریه مارسیا دانست؛ زیرا او تعهد را به صورت جدی در بحث هویت مطرح ساخت. علاوه بر آن، در پژوهش‌های انجام شده مفهوم‌سازی نظری از هویت دینی ارائه نشده است. اما این پژوهش، بر پایه مفهوم‌سازی نظری هویت در منابع اسلامی انجام شده است (نوری، عسکری، نارویی‌نصرتی و شجاعی، ۱۳۹۵). در این مفهوم‌سازی، «معرفت نفس» به عنوان معادل مفهومی هویت مطرح شده است و مؤلفه‌های ساختاری آن از منابع دینی به دست آمده است. از این‌رو، پژوهش حاضر به منظور درک ماهیت و ساختار هویت دینی، به این دو پرسش پاسخ می‌دهد که مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی چیست؟ و مؤلفه‌های ساختاری هویت بر پایه منابع اسلامی از چه عناصری تشکیل شده است؟

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش‌های تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی استفاده شد. تحلیل محتوا دربر گیرندهٔ تحلیل محتوای یک سخنرانی، پیام، مقاله، عقاید، احساسات و نظرهاست (جعفری‌هرندی، نصر و میرشاه‌جعفری، ۱۳۸۷) و کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و کلیه اجزای مطرح شده در قالب یک متن بررسی شود (شعبانی، ۱۳۸۰). روش معناشناسی زبانی برای فهم معنا در مطالعات زبانی به کار می‌رود، و بر دو شیوه تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی ساخت‌گرا استوار است (لیونز^۱، ۲۰۰۹).

تحلیل مؤلفه‌ای به ارتباط بین مفاهیم از طریق مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد و معناشناسی ساخت‌گرا از طریق هم‌معنایی (دو واژه برای یک معنا)، چندمعنایی (چند معنا برای یک واژه)، تقابل معنایی (واژه‌های متضاد)، حوزه واژگانی (تشکیل یک حوزه معنایی به دلیل جنبه‌های مشترک)، انتقال واژگانی (گرفتن معنای واژه‌های دیگر در اثر هم‌نشینی با آنها)، هم‌آیی معنایی (رابطه معنایی واژه‌ها در سطح جمله) و شمول معنایی (فراگیر بودن معنای یک واژه نسبت به واژه دیگر) امکان فهم و انتقال معنا را فراهم می‌سازد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳).

بر پایه این دو روش، مفاهیم مرتبط با هویت (با توجه به معادل مفهومی معرفت نفس) از منابع اسلامی در چهار مرحله مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله نخست، مفاهیم مرتبط گردآوری شد. برای نمونه مفاهیم تعقل، تدبر، تفکر، سؤال، تحقیق در اصول دین، کسب علم و تفقه در دین گردآوری شد. در مرحله دوم، معنا و تعریف هر یک از این مفاهیم از لغت‌نامه‌ها، منابع اسلامی و آثار دانشمندان مشخص شد. در مرحله سوم، مفاهیم گردآوری شده با توجه با قرابت معنایی کنار هم قرار گرفتند و از مجموع آنها یک مؤلفه استخراج گردید. در مرحله چهارم، مؤلفه به دست آمده همراه با مفاهیم تشکیل‌دهنده آن در اختیار کارشناسان علوم حوزوی و روان‌شناسی یا علوم تربیتی قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا دیدگاه خود را دربارهٔ روایی محتوایی مؤلفه‌ها در یک مقیاس ۱ تا ۱۰ مشخص نمایند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارشناسان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارشناسان (n=۹)

متغیر	تعداد	درصد	متغیر	تعداد	درصد
رتبه علمی	رشته تحصیلی				
دانشیار	۲	۲۲/۲	روان‌شناسی	۷	۷۷/۸
استادیار	۷	۷۷/۸	علوم تربیتی	۲	۲۲/۲
تحصیلات حوزوی	تحصیل دانشگاهی				
خارج	۹	۱۰۰	دکتری	۹	۱۰۰

داده‌های مربوط به روایی محتوایی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد و از مشخصه‌های آمار توصیفی به منظور بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارشناسان، و نیز متغیرهای مورد مطالعه استفاده شد. ضریب اعتبار پرسش‌نامه از طریق ضریب همبستگی درون طبقه‌ای و نیز فرمول کلی آلفای کرونباخ برآورد شد.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش، برای پاسخ به این پرسش که مؤلفه‌های فرایندی هویت چیست و هویت چگونه شکل

می‌گیرد، به این نتیجه دست یافته است که هویت بر پایه منابع اسلامی متکی بر پنج مؤلفه فرایندی است. تعریف این مؤلفه‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی بر پایه منابع اسلامی

ردیف	مؤلفه	تعریف
۱	جست‌وجوگری	کاوش، بررسی و تحقیق در مسائل مربوط به هویت از طریق مطالعه، پرسش‌گری، گفت‌وگو و تفکر درباره عناصر هویت
۲	یکپارچه‌سازی	تلاش شناختی فرد جهت ایجاد همخوانی و هماهنگی بین عناصر هویت به گونه‌ای که باورها، ارزش‌ها و اهداف فرد با یکدیگر در یک ساخت واحد با هم متحد شود
۳	تعهد	میزان پذیرش، پایبندی و سرمایه‌گذاری فرد بر عناصر یک هویت
۴	هشیاری	توجه و آگاهی نسبت به اجزای هویت به گونه‌ای که فرد هدف‌ها، باورها، ارزش‌ها، توانمندی‌ها و آسیب‌های خویش را از یاد نبرد و نسبت به آنها غافل نشود
۵	خودپایی	خودپایی به تلاش عملی و مداوم فرد جهت تحقق هویت اشاره دارد که بر پایه آن فرد به مراقبت، نظارت، کنترل، جهت‌بخشی و تنظیم خویش بپردازد

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نخستین مؤلفه فرایندی برای شکل‌دهی هویت جست‌وجوگری است. هر فردی که بخواهد به هویت منسجم، پایدار و سازمان‌یافته دست یابد، نیازمند جست‌وجو، کاوش، تفحص، تفکر و تعقل در زمینه عناصر هویت است. مؤلفه دوم یکپارچه‌سازی است، یعنی پس از جست‌وجوگری لازم است فرد عناصر هویت را با یکدیگر، یکپارچه و منسجم نماید و تعارض‌های آنها را برطرف سازد. برای نمونه، بین عقاید دینی و باورهای اجتماعی و خانوادگی فرد و همچنین بین رفتارها و باورهای او تعارض نباشد. برای شکل دادن هویت یکپارچه برطرف ساختن این ناهمخوانی‌ها ضروری به نظر می‌رسد. مؤلفه سوم، تعهد است که بر پایه آن فرد پس از جست‌وجو و بررسی و برطرف کردن تضادها و تعارض‌ها نسبت به باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی پایبندی، تعهد، پذیرش، تسلیم و التزام نشان دهد. مؤلفه چهارم، به یک هشیاری نسبتاً مداوم اشاره دارد به این معنا که فرد در موقعیت‌های مختلف و در طول زمان، باورها، ارزش‌ها و اهداف خود را از یاد نبرد؛ زیرا اگر فرد اهداف خود را فراموش کند یا باورهای خود در موقعیت‌های مختلف از یاد ببرد. نمی‌تواند نسبت به آن هویت پایدار باشد. بر پایه مؤلفه پنجم، فرد در عمل به تحقق خود در چارچوب آن هویت اقدام کند یعنی پیوسته با تلاش و کوشش آن هویت را در خود متحقق سازد و آن را درونی‌سازی نموده و شکل دهد.

به منظور اطمینان از روایی محتوایی، مؤلفه‌ها در قالب یک فرم سنجش در اختیار کارشناسان علوم حوزوی و روان‌شناسی قرار گرفت و از آنان خواسته شد، با توجه به مفاهیم ارائه شده از منابع

اسلامی میزان مناسبیت این مؤلفه‌ها را در یک مقیاس ده درجه‌ای مشخص سازند. نتایج نظر کارشناسان در جدول ۳ مطرح شده است.

جدول ۳. روایی محتوایی مؤلفه‌های فرایندی						
ردیف	مؤلفه	میانگین	میان	کمینه	بیشینه	CVR CVI
۱	جست‌وجوگری	۸/۴۴	۹	۶	۱۰	۰/۷۸ ۰/۸۸
۲	یکپارچه‌سازی	۷/۷۸	۸	۴	۱۰	۰/۷۸ ۰/۸۸
۳	تعهد	۹/۶۷	۱۰	۹	۱۰	۰/۱۰۰ ۰/۱۰۰
۴	هشیاری	۸/۳۳	۹	۵	۱۰	۰/۱۰۰ ۰/۱۰۰
۵	خودپایی	۹/۰۰	۱۰	۷	۱۰	۰/۷۸ ۰/۸۸

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، پنج مؤلفه فرایندی هویت از دیدگاه کارشناسان مورد تأیید قرار گرفته است. نمره میانه ۸ تا ۱۰ نشان می‌دهد که بیشتر کارشناسان این مؤلفه‌ها را تأیید کرده‌اند. «ضریب نسبی روایی محتوا (CVR)» و «شاخص روایی محتوا (CVI)» برای هر مؤلفه محاسبه شد. از آنجاکه تمامی ۹ کارشناس به دو مؤلفه تعهد و هشیاری نمره بالای هشت داده بودند، ضریب‌های مذکور برابر با ۰/۱۰۰ به دست آمد. اما در سه مؤلفه جست‌وجوگری، یکپارچه‌سازی و خودپایی ۸ کارشناس از میان ۹ نفر نمره بالای هشت داده بودند، از این‌رو شاخص روایی محتوایی در آنها برابر با ۰/۸۸ و ضریب نسبی روایی محتوا برابر با ۰/۷۸ به دست آمد که با ضریب موجود در جدول استاندارد برابر است. ضریب استاندارد در جدول CVR برای ۹ داور برابر با ۰/۷۸ است، پس روایی محتوایی این مؤلفه‌ها تأیید می‌شود.

پرسش دوم این پژوهش، این است که مؤلفه‌های ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی چیست؟ به بیان دیگر، زمانی که از جست‌وجوگری، تعهد و هشیاری صحبت می‌کنیم، این پرسش به وجود می‌آید که فرد برای شکل دادن هویت خود چه چیزی را جست‌وجو کند، به چه عنصری متعهد شود و چه مقوله‌ای را در هشیاری خود حفظ کند. این عناصر و مؤلفه‌ها که جست‌وجو و تعهد در مورد آنها انجام می‌شود، مؤلفه‌های ساختاری هویت نامیده می‌شوند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت دینی از هفت مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، صفات، توانمندی‌ها و نقاط ضعف تشکیل شده است. این مؤلفه‌ها به ماهیت و چیستی هویت دینی مربوط می‌شود. عناوین و تعریف‌های مؤلفه‌های ساختاری در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. مؤلفه‌های ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی

ردیف	مؤلفه	تعریف
۱	باورها	گزاره‌های مورد قبول فرد درباره خود، خدا و جهان که در الهیات با عنوان عقاید شناخته می‌شود
۲	ارزش‌ها	معیارها و اصولی که اعمال فرد بر پایه آنها به صورت خوب و بد یا باید و نباید ارزشیابی می‌گردد
۳	اهداف	آرمان‌ها و نتایجی که پیش از فعالیت مد نظر قرار می‌گیرد و اعمال فرد برای رسیدن به آن سوق داده می‌شود
۴	گرایش‌ها	کشش‌ها، امیال، انگیزه‌ها و هیجان‌های فردی و نوعی
۵	صفات	صفات اخلاقی مثبت و منفی و صفات نوعی و عمومی فرد
۶	توانمندی‌ها	درک توانایی‌ها و ظرفیت‌های نوعی، مهارت‌ها، دانش و استعدادها و ویژه فرد
۷	آسیب‌پذیری‌ها	کاستی‌های موجود در خلقت انسان، ضعف‌های او در برابر خداوند، رشد ناپافتگی اخلاقی، ضعف‌های فیزیکی، مهارتی، دانشی و رفتاری فرد

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، ساختار هویت دینی از هفت عنصر اساسی شکل می‌یابد. نخستین مؤلفه باورها است، تا زمانی که باورها عقاید فرد یا گروه مشخص نشود نمی‌توان به هویت او پی برد. مؤلفه دوم، ارزش‌ها است که باید‌ها و نبایدهای زندگی فرد را شکل می‌دهد بدون شناخت ارزش‌ها نمی‌توان هویت فرد را شناخت. مؤلفه سوم اهداف است، تا زمانی که هدف خلقت از نظر فرد، اهداف کوتاه و بلندمدت زندگی او روشن نشود، هویت او نامشخص خواهد بود. مؤلفه چهارم گرایش‌ها است، که بر پایه تمایل‌ها، انگیزه‌ها و هیجان‌های فرد روشن می‌شود بدون روشن شدن آنها نمی‌توان هویت او را شناخت. مؤلفه پنجم، صفات و ویژگی‌های فرد است. این ویژگی‌ها چه عمومی باشد یا اخلاقی، نشان‌دهنده هویت فرد خواهد بود. مؤلفه ششم و هفتم، نقاط قوت و ضعف فرد است که نقش اساسی در شناخت هویت فرد دارد.

به منظور اطمینان از روایی محتوایی، این مؤلفه‌ها به همراه مستندات دینی آنها به صورت یک پرسش‌نامه در اختیار کارشناسان حوزوی و روان‌شناسی یا علوم تربیتی قرار گرفت تا دیدگاه خود را در یک مقیاس ده درجه‌ای مشخص سازند. نظر کارشناسان در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. مشخصه‌های آمار توصیفی درجه‌بندی متخصصان برای میزان مناسبت مؤلفه‌های هویت دینی

ردیف	مؤلفه	میانگین	میان	کمینه	بیشینه	CVR	CVI
۱	باورها	۹/۶۷	۱۰	۹	۱۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
۲	ارزش‌ها	۹/۳۳	۱۰	۸	۱۰	۰/۸۷	۰/۸۸
۳	اهداف	۸/۸۹	۹	۶	۱۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
۴	گرایش‌ها	۸/۶۷	۹	۷	۱۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
۵	صفات	۸/۵۶	۹	۷	۱۰	۰/۸۷	۰/۸۸
۶	توانمندی‌ها	۷/۵۶	۸	۲	۹	۰/۸۷	۰/۸۸
۷	آسیب‌پذیری‌ها	۷/۷۸	۸	۴	۱۰	۰/۸۷	۰/۸۸

با توجه به جدول ۵، بر پایه نظر متخصصان و با در نظر گرفتن نمره میانه، هفت مؤلفه ساختاری هویت دینی نمره لازم را کسب کرده‌اند. ضریب نسبی روایی محتوا نشان می‌دهد که همگی مؤلفه‌ها ضریب $0/78$ یا بزرگتر به دست آورده است. این عدد با ضریب موجود در جدول استاندارد CVR یعنی $0/78$ برابر است. همچنین نمره شاخص روایی محتوا نیز در حد قابل قبول است. از این رو روایی محتوایی این مؤلفه‌ها تأیید می‌شود.

ضریب همبستگی درون طبقه‌ای در این درجه‌بندی برابر با $0/32$ به دست آمده است که نشان می‌دهد همگونی نمره‌ها در یک درجه‌بندی کننده از نظر آماری معنادار است. ضریب اعتبار اندازه‌های متوسط برابر با $0/88$ و از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد بین متخصصان حاضر سطح قابل قبولی از همگونی درونی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، به منظور دستیابی به ساختار هویت دینی بر پایه منابع اسلامی به پنج مؤلفه فرایندی و هفت مؤلفه ساختاری دست یافته است. شواهد متعددی در منابع اسلامی نقش این مؤلفه‌ها را در شکل دادن به هویت دینی نشان می‌دهد. در زیر شواهد مربوط به هر مؤلفه از منابع اسلامی ارائه شده است.

مؤلفه جست‌وجوگری به معنای کاوش، بررسی و تحقیق در مسائل مربوط به هویت است. جست‌وجوگری شامل مطالعه، تحقیق، پرسش‌گری، گفت‌وگو و تفکر درباره هویت است. فردی که هویت خود را شکل می‌دهد، نخست در زمینه باورهای پذیرفته و باورهای مخالف آن به تحقیق و جست‌وجو می‌پردازد. قرآن کریم به افراد دستور می‌دهد که برای رفع تردیدهای خود در مورد حقانیت دین از اهل ذکر سؤال کنید (نحل: ۴۳). یعنی سؤال کردن در مورد انتخاب دین و شکل دادن هویت دینی وارد شده است. قرآن دستور می‌دهد اگر نمی‌دانید از اهل اطلاع بپرسید (انبیاء: ۷). در زمینه مسائل دینی، بهترین مصداق «اهل ذکر» اهل بیت علیهم‌السلام پیامبرند و روایات زیادی از طریق شیعه و سنی به این مضمون وارد شده که در جلد سوم ملحقات احقاق الحق، صفحه ۴۸۲ به بعد نقل شده است. طبری، ابن کثیر و آلوسی نیز در تفاسیرشان، ذیل این آیه، اهل ذکر را اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی کرده‌اند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶ ص ۳۹۸). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «سؤال مناسب نصف علم است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲۴). امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «علم خرائتی دارد که کلید آنها پرسیدن است، پس بپرسید رحمت خدا شامل حال شما می‌شود، زیرا چهار شخص اجر دارد؛ سؤال کننده، گوینده، شنونده و دوست‌دار آنها»

(مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۶). امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مردم هلاک می‌شوند، به دلیل اینکه نمی‌پرسند. علم قفلی دارد که کلید آن سؤال کردن است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۸).

کسب اطلاعات از طریق آموزش نیز جست‌وجوگری گفته می‌شود. در منابع دینی، آموختن مسائل دینی را واجب می‌داند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۰). شواهد متعدد در منابع دینی وجود دارد که آموختن مسائل دینی و تفقه در آن را لازم می‌داند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «کمال دین در کسب علم و عمل به آن است و آموختن علم واجب‌تر از به دست آوردن مال است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۰). همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بالاترین کمال تفقه در دین است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۱). امام صادق علیه السلام: «هر کس در مورد دین تفقه نکند، اعرابی است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۱). همچنین امام صادق علیه السلام: «نجات به دست نمی‌آید مگر با طاعت و طاعت حاصل نمی‌شود مگر با علم و علم به دست نمی‌آید مگر با آموختن» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله: «کسی که یک ساعت خواری آموختن را تحمل نمی‌کند، باید تا ابد خواری چهل را تحمل کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۷). پرسیده شد، ای فرزند عبدالمطلب چه چیزی علم را افزایش می‌دهد، گفت آموختن (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۸). هر چند این توصیه‌ها عمومی است اما از باب پیاده کردن معنای کلی در مصداق جزئی می‌توانیم در بحث هویت و بخصوص هویت دینی از آنها استفاده کنیم. از مجموع این آموزه‌ها و آموزه‌های دیگر در زمینه تأمل، تفکر و تعقل به این نتیجه می‌رسیم که جست‌وجوگری یکی از مؤلفه‌های فرایندی جهت شکل‌دادن به هویت است.

یافته این پژوهش، با دیدگاه‌های روان‌شناسان مختلف هماهنگ است. زیرا جست‌وجوگری برای نخستین بار توسط مارسیا (۱۹۶۶) به عنوان یک مؤلفه فرایندی مطرح شد و نظریه‌پردازان و پژوهشگران دیگر (برای نمونه برزونسکی، ۱۹۸۷؛ گروتونت،^۱ ۱۹۸۷؛ بوسما،^۲ ۱۹۸۵؛ کروستی^۳ و همکاران، ۲۰۰۷؛ لویکس، شوارتز^۴ و همکاران، ۲۰۰۸، دوران و همکاران، ۱۳۹۰) آن را به عنوان یک مؤلفه فرایندی پذیرفته‌اند.

مؤلفه یکپارچه‌سازی به تلاش شناختی فرد جهت ایجاد همخوانی و هماهنگی بین «عناصر خود» اشاره دارد. بر پایه یکپارچه‌سازی، فرد باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، توانمندی‌ها، آسیب‌پذیری‌ها، هدف‌ها، امور فطری و تلاش‌های خود را با یکدیگر مورد بازبینی قرار می‌دهد و آنها را در یک ساخت واحد با هم تلفیق می‌کند. در منابع اسلامی تأکید شده است که گفتار و رفتار فرد هماهنگ باشد. قرآن

کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنانی می‌گویید که بدان عمل نمی‌کنید» (صف: ۲). این نشان می‌دهد که بین گفته‌ها و رفتارهای فرد باید هماهنگی وجود داشته باشد تا هویت دینی در او شکل گیرد. همچنین قرآن کریم بنی‌اسرائیل را به خاطر پذیرش برخی آموزه‌های دین و انکار برخی دیگر مورد سرزنش قرار می‌دهد، «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ» (بقره: ۸۵). این نشان می‌دهد که برای داشتن هویت دینی هماهنگی باورها و عدم تضاد بین آنها ضروری است.

علاوه بر آن، در منابع اسلامی بر هماهنگی علم و عمل بسیار تأکید شده است؛ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «عالمی که برخلاف علمش عمل کند، به نادان سرگشته‌ای می‌ماند که از مستی نادانی‌اش به هوش نیاید، بلکه حجت بر چنین عالمی بزرگتر است و حسرتش بیشتر باشد و در پیشگاه خداوند، بیشتر سرزنش شود» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خ ۱۱۰). این گونه روایات نشان می‌دهد که اگر اطلاعات و دانش فرد در زمینه هویت به عمل منتهی نشود یا به بیان دیگر، علم و عمل تبدیل به یک ساخت واحد نشود، هویت شکل نمی‌گیرد. اضافه بر آموزه‌های ذکر شده، در منابع اسلامی تأکید شده است که رفتارهای سری و علنی فرد هماهنگ و همونا باشد. همچنین امام علی علیه السلام فرمودند: «احْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ، وَيُسْتَحَى مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ»؛ از هر کاری که در نهان انجام می‌شود و در آشکار از انجام آن شرم می‌شود، دوری کن (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۹). این نشان می‌دهد که کارهای مخفیانه و پشت‌پرده فرد نباید با کارهای آشکار و علنی او در تضاد و تعارض باشد. از مجموع این آموزه‌ها، می‌توان به این نتیجه رسید که ایجاد هماهنگی بین جنبه‌های مختلف هویت دینی یکی از مؤلفه‌های آن به شمار می‌رود. به گونه‌ای که تمام عناصر هویت در یک ساخت واحد منسجم و هماهنگ شود در این صورت می‌توان گفت هویت دینی در فرد شکل گرفته است.

با اینکه اریکسون (۱۹۶۸) هویت را ترکیب همانندسازی‌های گذشته با اهداف و ارزش‌های آینده دانست و مارسیا (۱۹۸۰) هویت را سازمان‌یافتگی معنا کرد و برزونسکی (۲۰۱۱) هویت تئوری و تعریف خود تعریف کرد، اما فرایند یکپارچه‌سازی به عنوان یک مؤلفه در پژوهش‌های آنان مطرح نشده است. از این نظر یافته این پژوهش، با یافته‌های دیگر تفاوت دارد.

مؤلفه تعهد به میزان پذیرش، پایبندی و سرمایه‌گذاری فرد بر یک هویت اشاره دارد. پس از آنکه فرد در مراحل قبلی به جست‌وجو در زمینه هویت پرداخت و اطلاعات لازم را به دست آورد و سپس بخش‌های مختلف هویت را یکپارچه ساخت از تناقض و تضاد خارج شد، به مرحله پایبندی می‌رسد. مؤلفه تعهد را می‌توان از آموزه «ایمان» در مفاهیم دینی به دست آورد. هویت دینی زمانی در فرد

شکل می‌گیرد که نسبت به باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی ایمان داشته باشد.

ایمان را به معنای تصدیق و راست شمردن (شهیدثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۰)، اذعان و قبول (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰)، اقرار و تسلیم (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۴)، عقدالقلب (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۲؛ ج ۶۵ ص ۲۹۱)، معرفه‌القلب (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، صفحات ۲۲۸، ۳۵۶، ۳۶۶ و ج ۶۵ ص ۲۷۳) و تصدیق بالقلب (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۵ ص ۲۷۳) یا تصدیق بالجنان (محدثنوری، ج ۱۱، ص ۱۴۳)، اقرار، معرفت، عقد، رضا، تسلیم، ذکر، تفکر و انقیاد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۶ ص ۷۳؛ ج ۹۰، ص ۴۹)، در روایت دیگر شش جزء اقرار، معرفت، تصدیق، تسلیم، عقد و رضا برای بخش قلبی ایمان ذکر شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۹). اما در شش روایت دیگر، پنج جزء اقرار، معرفت، عقد، رضا و تسلیم به عنوان اجزای قلبی ایمان ذکر شده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۶۴؛ محدثنوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۶ ص ۲۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵۷؛ تمیمی‌مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴).

بنابراین، زمانی هویت دینی در فرد شکل می‌گیرد که آموزه‌های دینی را تصدیق کند و نزول آنها را از طرف خداوند راست بداند و آنها را در قلب و درون خود بپذیرد و قبول کند و نسبت به انجام آنها تسلیم باشد. یافته این پژوهش، در مورد تعهد با یافته‌های دیگر هماهنگ است و تعهد به عنوان یک مؤلفه فرایندی توسط ماریسا (۱۹۶۶) مطرح شد و صاحب‌نظران و محققان مختلف از جمله برزونسکی (۱۹۸۷)، گروتونت (۱۹۸۷) بوسما (۱۹۸۵)، کروستی و همکاران (۲۰۰۷)، لویکس، شوارتز و همکاران (۲۰۰۸) و دوران و همکاران (۱۳۹۰) آن را به عنوان یک مؤلفه فرایندی پذیرفته‌اند.

مؤلفه هشیماری به توجه، آگاهی و عدم غفلت فرد نسبت به اجزای هویت اشاره دارد. بر پایه این مؤلفه، فرد نسبت به هدف‌ها، باورها، ارزش‌ها، توانمندی‌ها، آسیب‌پذیری و صفات خویش هشیار است و آنها را از یاد نمی‌برد و غافل نمی‌شود. این مؤلفه از اصطلاحات علم حضوری به خود، فراموش نکردن خود (حشر: ۱۹)، غافل نشدن از خود (اعراف: ۲۰۵)، یاد خدا و فراموش نکردن خالق خود (احزاب: ۴۱)، به خاطر داشتن مرگ (آل عمران: ۱۸۵) یاد آخرت (کلینی، ۱۳۶۵)، معرفت شهودی به کمال و گرایش‌های فطری (مصباح، ۱۳۹۱)، اطلاع‌یافتن از استعدادها و توانایی‌ها (طباطبائی، ۱۴۱۷ق)، توجه به عیب‌ها و کاستی‌های خود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷) و به یاد داشتن نعمت‌ها و امکانات (مائده: ۱۱؛ فاطر: ۳) اقتباس شده است. یافته این پژوهش با تحقیقات دیگر متفاوت است؛

زیرا هشیاری نسبت به عناصر هویت در نظریات و پژوهش‌های دیگر به عنوان یک مؤلفه مطرح نشده است. اما بر پایه منابع اسلامی و تأکید زیاد بر ذکر و عدم غفلت می‌توان آن را به عنوان یک مؤلفه فرایندی در نظر گرفت.

مؤلفه خودپایی به تلاش عملی و مداوم فرد جهت تحقق خود اشاره دارد که بر پایه آن فرد به مراقبت، نظارت، کنترل، جهت‌بخشی و تنظیم خویش می‌پردازد. در منابع اسلامی، آموزه‌های تزکیه نفس (شمس: ۹)، جهاد نفس (کلینی، ۱۳۶۵) ریاضت نفس (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.)، محاسبه نفس (صدوق، ۱۴۱۳ق.) به این مؤلفه مربوط می‌شود و در چارچوب معرفت نفس از اصطلاحات زیر اقتباس شده است؛ شکوفایی استعدادها (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۷)، تحقق خویش (مولوی، ۱۳۹۲)، خودسازی (مصباح، ۱۳۸۲)، تزکیه نفس (طبرسی، ۱۳۷۲)، تهذیب نفس (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.)، ریاضت نفس (موسوی خمینی، ۱۳۷۸)، افزایش مرتبه وجودی (محدث بندرریگی، ۱۳۷۶)، دیدن حقیقت و رسیدن به ذات حق (ملکی تبریزی، ۱۳۷۸). یافته این پژوهش با تحقیقات دیگر متفاوت است به این معنا که هر چند مفهوم خودنظم‌بخشی در روان‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است، اما به عنوان یک مؤلفه هویت دینی به آن توجه نشده است. اما تأکید منابع اسلامی بر تذکیه و تهذیب و نقش آن در هویت دینی ایجاب می‌کند که به عنوان یک مؤلفه در نظر گرفته شود.

مؤلفه‌های ساختاری هویت دینی: مؤلفه‌های ساختاری محتوا و ماهیت هویت دینی را شکل می‌دهد و عناصری در نظر گرفته می‌شود که مؤلفه‌های فرایندی در جهت ساختاربخشی و انسجام‌سازی آنها عمل می‌کند. شواهد موجود در منابع اسلامی برای هر کدام از مؤلفه‌های ساختاری ارائه شده است.

مؤلفه باورها به گزاره‌های مورد قبول فرد درباره خود، خدا و جهان اشاره دارد. چنین گزاره‌هایی که در الهیات با عنوان عقاید شناخته می‌شود، اگر با پذیرش مبتنی بر شناخت و گرایش عاطفی همراه گردد، باور نامیده می‌شود. باور به خدای واحد (عنکبوت: ۴۶)، جهان هدفمند (مؤمنون: ۱۱۵)، زندگی پس از مرگ (شوری: ۲۰)، رسالت پیامبر (فتح: ۲۹)، مسئول بودن انسان (نساء: ۱۱۱)، باور به حقانیت دین (روم: ۳۰)، جهان کشت‌گاه آخرت (مجلسی، ۱۴۰۴ق.) و انواع باورهای دینی می‌توانند هویت‌های مختلف را رقم زنند. این یافته با نظریات و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است؛ زیرا اریکسون (۱۹۶۸)، مارسیا (۱۹۸۰)، برزونسکی (۱۹۸۹، ۲۰۱۱)، واترمن (۲۰۱۴)، مک‌آدامز (۱۹۸۵، ۲۰۱۱)، بل (۲۰۰۹)، سوول (۲۰۱۰)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، ویگنولز و همکاران (۲۰۱۱) باورها را از مؤلفه‌های ساختاری هویت شمرده‌اند.

مؤلفه ارزش‌ها به معیارها، استانداردها و اصولی اشاره دارد که اعمال فرد بر پایه آنها و به صورت خوب و بد یا باید و نباید ارزشیابی می‌شود. مؤلفه ارزش‌ها، از اهمیت ارزش‌های اخلاقی در اسلام، تعبیرهای حسن خلق (کلینی، ۱۳۶۵)، خلق عظیم (قلم: ۴)، مکارم اخلاق (کلینی، ۱۳۶۵)، ملکات فاضله و رذیله، حالات پسندیده و ناپسند و حسن و قبح عقلی اقتباس شده است. افراد بر پایه میزان برخورداری از ارزش‌های اخلاقی در سطوح مختلف هویت دینی قرار می‌گیرند و همچنین بر حسب اینکه ارزش‌های خود را از دین بگیرد یا از منابع دیگر هویت متفاوت پیدا می‌کنند. این یافته با نظریات و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است؛ زیرا اریکسون (۱۹۶۸)، مارسیا (۱۹۸۰)، سول (۱۹۹۹)، چک و همکاران (۲۰۰۲)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، اسمیتز^۱ (۲۰۰۹)، سوول (۲۰۱۰)، هاردی و کارلو (۲۰۱۱)، مک‌آدامز (۲۰۱۱)، برزونسکی (۲۰۱۱) و واترمن (۲۰۱۴) ارزش‌ها را از مؤلفه‌های هویت دانسته‌اند.

مؤلفه اهداف، به ایده‌ها، آرمان‌ها و نتایجی اشاره دارد که فرد پیش از انجام فعالیت آن را در نظر می‌گیرد و اعمال خویش را در جهت رسیدن به آن سوق می‌دهد. در منابع اسلامی موارد زیر به عنوان هدف خلقت در نظر گرفته شده است: پرستش (ذاریات: ۵۶)، امتحان و آزمایش افراد از نظر اعمال (ملک: ۲)، احاطه قدرت و علم خداوند (طلاق: ۱۲)، مختلف بودن افراد (هود: ۱۱۹)، همچنین یافتن هدف با عنوان کدام سو (الی‌این) (صدرالمতألهین، ۱۹۸۱)، مقصد (موصول)، به چه منظوری (لأی‌شیء هاهنا) و حرکت به سوی چیزی (و الی ما هو صایر آلیه)، (کلینی، ۱۳۶۵)، محل بازگشت خود (ماتعود آلیه) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق.) در منابع مطرح شده است. افرادی که هدف زندگی خود را مطابق دین انتخاب می‌کنند هویت متفاوت از دیگران دارند. همچنین، میزان هماهنگی اهداف فرد با آموزه‌های دینی سطوح مختلف هویت دینی را رقم می‌زند. این یافته با دیدگاه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی هماهنگ است. برای نمونه اریکسون (۱۹۶۸)، مارسیا (۱۹۸۰)، سول (۱۹۹۹)، چک و همکاران (۲۰۰۲)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، اسمیتز (۲۰۰۹)، برزونسکی (۲۰۱۱)، مک‌آدامز (۲۰۱۱)، هاردی و کارلو (۲۰۱۱) و واترمن (۲۰۱۴) اهداف را یکی از مؤلفه‌های ساختاری هویت در نظر گرفته‌اند.

مؤلفه گرایش‌ها، به کشش‌ها، امیال، انگیزه‌ها و هیجان‌های فردی و نوعی اشاره دارد. نوع گرایش‌های فرد مثل محبت به اموال یا محبت خدا (توبه: ۲۴)، علاقه به افراد مؤمن (کلینی، ۱۳۶۵)، میل به مشرکین (آل عمران: ۲۸)، ترس از خدا یا ترس از مردم (احزاب: ۳۹)، هیجانات، امیال فطری، غریز، احساسات، عواطف، انگیزه‌ها، نیازها، خواست‌ها، کشش‌های درونی در تعیین هویت فرد نقش

دارند. گرایش‌های فرد می‌تواند هویت دینی را از غیردینی و سطوح مختلف هویت دینی را متمایز سازد. این یافته با پژوهش‌های روان‌شناسی همخوانی دارد، زیرا مارسیا (۱۹۸۰)، سول (۱۹۹۹)، چک و همکاران (۲۰۰۲)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، ویگنولز و همکاران (۲۰۱۱)، مک‌آدامز (۲۰۱۱) و بل (۲۰۱۳) از گرایش‌ها به عنوان یک مؤلفه ساختاری هویت نام برده‌اند.

مؤلفه صفات به ویژگی‌های اخلاقی مثبت و منفی و صفات عمومی فرد اشاره دارد. در منابع اسلامی هویت ایمانی دارای صفاتی (مؤمنون: ۱۰-۱)، و هویت تقوایی مشتمل بر صفاتی (سیدرضی، ۱۳۷۲) معرفی شده‌اند که متفاوت از صفات منافقین (توبه: ۶۷) و کافرین هستند (نحل: ۱۰۷-۱۰۴). هویت این گروه‌ها بر پایه ویژگی‌ها و صفات آنها متمایز شده است. کلیدواژه‌های ملکات فاضله و رذیله و صفات نفسانی به ویژگی‌های پایدار اشاره دارند. صفات مختلف می‌توانند هویت‌های مختلف را شکل دهند. بر پایه میزان همخوانی صفات افراد با آموزه‌های دینی سطوح مختلف هویت دینی شکل می‌گیرد. این یافته با اندیشه‌های ویلیام جیمز (۱۸۹۰)، چک و همکاران (۲۰۰۲)، روزر و همکاران (۲۰۰۶)، اسمیتز (۲۰۰۹) و مک‌آدامز (۱۹۸۵، ۲۰۱۱) همخوانی دارد.

مؤلفه توانمندی‌ها به درک توانایی‌ها و ظرفیت‌های نوعی، مهارت‌ها، دانش و استعدادها ویژه فرد اشاره دارد. این مؤلفه از آموزه‌های ناظر به کمال‌پذیری نامحدود انسان و توانایی رسیدن به فرشتگان (بقره: ۳۱)، مراتب عقل (مجلسی، ۱۴۰۵ق)، قرار داشتن عالم بزرگتر در درون انسان (مجلسی، ۱۴۰۶ق)، در نظر گرفتن انسان‌ها به صورت معادن (کلینی، ۱۳۶۵)، قوای نفس، استعدادها و رسالت انبیاء به عنوان شکوفاسازی استعدادهای انسان، اقتباس شده است. افراد بر اساس میزان آگاهی و شکوفایی استعدادهای خود در سطوح مختلف هویت دینی قرار می‌گیرند و هویت دینی از غیردینی متمایز می‌شود. این یافته با دیدگاه‌ها و پژوهش‌های دیگر همخوانی ندارد و در پژوهش‌های دیگر، توانمندی‌ها به عنوان یک مؤلفه مطرح نشده است.

مؤلفه آسیب‌پذیری، به آگاهی از کاستی‌های موجود در خلقت انسان، ضعف‌های او در برابر خداوند، رشد نیافتگی اخلاقی، ضعف‌های فیزیکی، مهارتی، دانشی و رفتاری اشاره دارد. این مؤلفه، از آموزه‌های خلقت ضعیف انسان (نساء: ۲۸)، آسیب‌پذیری انسان در برابر هوس‌ها و شهوات (نساء: ۲۷)، آسیب‌پذیری انسان در برابر شیطان (مائده: ۹۱)، فراموشکاری، بیماری، مرگ، ناتوانی در مدیریت افکار، بی‌اطلاعی از ضررها و منافع خود، وابستگی وجودی، فقر محض، وجود تهی، کاستی‌ها، نقص‌ها، عیب‌ها، «نفس فانیه» که طعم مرگ را می‌چشد، رذایل نفسانی، اخلاق ناپسند، ملکات مذموم اقتباس شده است. بر

اساس میزان وجود این ضعف‌ها در افراد، سطوح مختلف هویت دینی بروز می‌کند و هویت دینی از غیردینی متمایز می‌شود. این یافته با پژوهش‌های دیگر تفاوت دارد و آسیب‌پذیری به عنوان یک مؤلفه مطرح نشده است. در نهایت، این پژوهش ساختار هویت دینی را بر پایه شواهد نظری نشان می‌دهد.

محدودیت‌های پژوهش: این مؤلفه به صورت نظری مطرح شده است و عملیاتی نشده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی با استفاده از یک پرسش‌نامه، این مؤلفه‌ها به صورت عملیاتی سنجیده شود. این مؤلفه‌ها از منابع اسلامی استخراج شده است و معلوم نیست که آیا این ساختار برای بزرگسالان است، یا برای نوجوانان نیز همین ساختار صادق است. پیشنهاد می‌شود این ساختار برای محدوده‌های سنی مختلف ارزیابی شود.

منابع

قرآن کریم.

- احسانی، محمد (۱۳۹۴)، شاخصه‌های رفتاری هویت دینی در بعد اجتماعی از منظر قرآن، پایان‌نامه دکتری رشته قرآن و علوم تربیتی، قم: جامعة المصطفی العالمیه.
- آخوندی، محمدباقر (۱۳۸۳)، هویت ملی - مذهبی جوانان، قم: بوستان کتاب.
- تمیمی‌امدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفری هرندی، رضا؛ نصر، احمدرضا و میرشاه جعفری، سیدابراهیم (۱۳۸۷)، «تحلیل محتوا روش پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۵، ص ۳۳-۵۸.
- حبی، محمدباقر؛ کرمی‌نیا، رضا؛ مجدیان، محمد و باصری، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی شاخص‌های هویت‌یابی دینی و ملی در گروه از جوانان شهر تهران»، مجله علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ۷۳، ص ۳۵-۹.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل‌الشیعۀ، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- دوران، بهناز؛ آزادفلاح، پرویز؛ فتحی‌آشتیانی، علی و رضاپور، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی مدل شش بعدی فرایند شکل‌گیری هویت»، روان‌شناسی، شماره ۵۹، ص ۳۰۲-۳۱۸.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
- سیدرضی، محمدبن حسین (۱۳۷۲)، نهج‌البلاغه، بی‌جا: بنیاد نهج‌البلاغه.
- شجاعی، محمداصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره ۱۵، ص ۷-۳۸.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۰)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت.
- شهیدثانی، زین‌الدین‌علی‌بن‌احمد (۹۵۴ق، ۱۴۰۹ق)، حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد و العدالة، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صدوق، محمدبن بابویه (۱۴۱۳ق)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.
- فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین.
- قزائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز نشر درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کراسکیان موجدباری، ادیس (۱۳۸۱)، تدوین و هنجاریابی پرسش‌نامه هویت دینی برای دانش‌آموزان دوره دبیرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحیده (۱۳۸۳الف)، «سنجش رابطه هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان ایران با نگرش آنان به جهانی شدن»، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، شماره ۴۰، ص ۱۰-۱۳.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۵ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- محدث بندری، ابراهیم (۱۳۷۶)، ترجمه المراقبات، تهران: اخلاق.
- محدث نوری (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۲)، خودشناسی برای خودسازی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
- ملکی تبریزی، میرزاواد آقا (۱۳۷۸)، أسرار الصلاة، تهران: پیام آزادی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، شرح چهل حدیث، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۷)، «خودشناسی در دیدگاه مولوی»، نوشته بخشیعلی قنبری، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۳۵، ص ۵۸-۶۴.
- نوری، نجیب‌الله؛ عسگری، علی؛ نارویی نصرتی، رحیم و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۵)، «ساختار مفهومی هویت بر پایه منابع اسلامی»، روان‌شناسی و دین، شماره ۳۶، ص ۲۴-۳۵.
- Bell, M. David (2009). Religious identity; Conceptualization and measurement of the religious self, (A dissertation Doctor of Philosophy), Emory University.
- Bell, N. J. (2013). Dialogic processes of self-transformation: The sample case of eating disorder recovery. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 13, 46-72.
- Bernstein, M. (2005). Identity politics. *Annual Review of Sociology*, 31, 47-74.
- Berzonsky, M. D. (2011). A social-cognitive perspective on identity construction. . In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 267-283). New York: Springer.
- Berzonsky, M. D. (1988). Self-theorists, identity status, and social cognition. In D. K. Lapsley & F. C. Power (Eds.), *Self, ego, and identity: Integrative approaches* (pp. 243-262). New York: Springer.
- Bosma, H. A. (1985). *Identity development in adolescence: Coping with commitments*. Groningen, The Netherlands: University of Groningen Press.
- Cheek, Jonathan, Shannon Smith & Linda Tropp (2002). Relational identity orientation; a fourth scale for the AIQ. (Annual Meeting), February 2002, Savannah, GA.
- Crocetti, E.; Rubini, M.; & Meeus, W. (2007) Capturing the dynamics of identity formation in various ethnic groups: Development and validation of a Three-Dimensional Model. *Journal of Adolescence*, doi:10.1016.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Grotevant, H. D. (1987). Toward a process model of identity formation. *Journal of Adolescent Research*, 2, 203-222.
- Hammack, P. L. (2010). Identity as burden or benefit? Youth, historical narrative, and the legacy of political conflict, *Human Development*, 53, 173-201.
- Hardy, S. A. and G. Carlo (2011). Moral Identity, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, New York: Springer.
- James, W. (1890). *The principles of psychology*. New York: Henry Holt.
- James, William (1985). *Psychology, the briefer course* (G. Allport Ed.) south Bend, IN: university of Ntere Dame press. (original published 1892).
- Kerpelman, J. L., & Lamke, L. K. (1997). Anticipation of future identities: Acontrol theory approach to identity development within serious dating relationships. *Personal Relationships*, 4, 47- 62.
- Kurtines, W. M. (1999). Aco - const ructivist perspective on human behavior and development. Manuscript submitted for publication.
- Luyckx .K.; Schwartz, S. J.; Berzonsky, M. D; Soenens, B.; Vansteenkiste, M.; & Goossens, L.

- (2008) Capturing ruminative exploration: Extending the Four-Dimensional Model of Identity Formation in late adolescence. *Journal of Research in Personality* 42, (1), 58- 82.
- Lyons, John (2009). *Linguistic Semantics: An Introduction*, Cambridge University Press, First published in 1981.
- Marcia, J. E. (1989). Identity diffusion differentiated. In M.A. Luszcz & T. Nettelbeck (Eds.), *Psychological development: Perspectives across the life-span* (pp. 123–137). Dordrecht, the Netherlands: Elsevier.
- Marcia, J. E. (1993). The ego identity status approach to ego identity. In J. E. Marcia, A. S. Waterman, D. R. Matteson, S. L. Archer, & J. L. Orlofsky (Eds.), *Ego identity: A handbook for psychosocial research* (pp. 1–21). New York: Springer-Verlag.
- Marcia, James, E. (1966). Development and validation of ego identity status, *Journal of personality and social psychology*, 3, 5, 551-558.
- Marcia, James, E. (1980). "Identity in adolescent" the chapter five in Adver, J. (1980). *Handbook of adolescent*, New York.
- McAdams, D. P. (1985). *Power, intimacy, and the life story: Personological inquiries into identity*, Homewood, IL: Dorsey Press.
- McAdams, D. P. (2011). *Narrative Identity*, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, New York: Springer.
- Roeser, R. W., S. C. Peck, and N. S. Nasir. (2006). Self and identity processes in school motivation, learning, and achievement. In P. A. Alexander, P. R. Pintrich, and P. H. Winne, eds. *Handbook of educational psychology*, 2nd ed., 391–424. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Seol, Kyoung, OK (2010). *Religious identity as a mediator between religious socialization from parents, peers, and mentors and psychological well-being and adjustment among Korean American adolescents*, A Dissertation for the degree of doctor of philosophy, Richard M. Lee, Ph.D. Adviser, submitted to the faculty of the Graduate school of the university of Minnesota.
- Schwartz, S.J., Koen Luyckx, and Elisabetta Crocetti (2014). What Have We Learned Since Schwartz (2001): A Reappraisal of the Field of Identity Development, in McLean, K.C. and M Syed (2014). *The Oxford Handbook of Identity Development*, first published, New York, Oxford University Press.
- Serpe R. T. and Stryker S. (2011) The Symbolic Interactionist Perspective and Identity Theory, in S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 267–283). New York: Springer.
- Seul, Jeffrey R. (1999) Ours Is the Way of God': Religion, Identity, and Intergroup Conflict, *Journal of Peace Research*, 36, 5, 553-569.
- Vignoles, V.L., S. J. Schwartz, and K. Luyckx (2011). Introduction: Toward an Integrative View of Identity, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, New York: Springer.
- Waterman A.S (2011) Eudaimonic Identity Theory: Identity as Self-Discovery, in: S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*. New York: Springer.
- Waterman A.S (2014). Identity as Internal Processes: How the "I" Comes to Define the "Me", in McLean, K.C. and M Syed, *The Oxford Handbook of Identity Development*, first published, New York, Oxford University Press.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۷ - ۵۴

بررسی تجربی مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان

Empirical Investigation of Stages of Evolution in Belief in God in Children and Juveniles

✍ محمود نوذری / استادیار علوم تربیتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مجتبی حیدری / دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

علی عسگری / استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی

سیدمحمدرضا موسوی‌نسب / استادیار علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

Mahmud Nowdhari / Assistant Professor of Educational Sciences, RIHU.

mnowzari@rihu.ac.ir

Mujtaba Heydari / PhD of Psychology, IKI.

Ali Askari / Assistant Professor of Educational Psychology, KHU.

Sayyid Muhammad Reza Musawi-Nasab / Assistant Professor of Educational Sciences, IKI.

ABSTRACT

The present research aims at an empirical investigation of the stages of evolution in belief in God in children and juveniles based on Nowdhari's theoretical research (2012) and was conducted through a cross-sectional method. The components of belief in God in this research are as follows: knowing God, knowing the meaning system, faith emotion and faith commitment. The research data were gathered through clinical method and a

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تجربی مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان بر مبنای پژوهش نظری نوذری (۱۳۸۹) و با روش مقطعی انجام شده است. مؤلفه‌های ایمان به خدا در پژوهش حاضر عبارتند از: شناخت خدا، شناخت نظام معنایی، عاطفه ایمانی و التزام ایمانی. داده‌های پژوهش بر پایه روش بالینی و از طریق مصاحبه انفرادی نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۹۸ دانش‌آموز

semi-constructed individual interview with 198 seven to seventeen years old students (males and females) in Qom selected through random classification, and were scored by five experts. The data were investigated through Analysis of Variance (ANOVA). The findings showed that as one's age increases, his level of belief in God also increases. Besides, based on the obtained results, the course of evolution in belief in God in children and juveniles has the following stages: undifferentiated sense of faith, learned conceptual faith, first-level abstract faith, complete abstract faith.

KEYWORDS: Stage, Evolution, Belief in God, Childhood and Adolescence.

(دختر و پسر) ۷ تا ۱۷ ساله شهر قم- که به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند- گردآوری و توسط پنج کارشناس نمره‌گذاری شدند. داده‌ها با روش تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سن، سطح ایمان به خدا نیز افزایش و دگرگونی می‌یابد. همچنین بر پایه نتایج به دست آمده، روند تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان دارای مراحل ذیل است: ایمان حسی نامتمایز، ایمان مفهومی آموخته شده، ایمان انتزاعی سطح اول، ایمان انتزاعی کامل. **کلید واژه‌ها:** مرحله، تحول، ایمان به خدا، کودکی و نوجوانی.

مقدمه

ایمان به خدا از مهم‌ترین و اساسی‌ترین سازه‌های دینی در ادیان توحیدی و چارچوب دینداری شمرده می‌شود. ایمان به خدا، گام نخست برای ورود به یک دین توحیدی است و آثار متعددی بر آن مترتب می‌گردد. بر اساس منابع اسلامی، ایمان به خدا موجب برکنار ماندن از رفتارهای ناپسند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۱۴)، قبولی اعمال نیک (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۶)، آرامش دل (فتح: ۴)، برخورداری از رحمت پروردگار (حدید: ۲۸)، محبت در قلوب افراد (مریم: ۹۶)، اُبَهِت در دل دیگران (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۹)، طهارت نفس و برخورداری از نور معنوی (حدید: ۲۸)، تعالی درجات (فتح: ۴؛ توبه: ۱۲۴)، دور شدن از دوزخ (انعام: ۴۸)، و ورود به بهشت (مؤمنون: ۱۰-۱۱) است. به اعتقاد شهید مطهری ایمان به خدا پایه همه مقدسات، ضامن حاکمیت اراده بر امیال انسان، پشتوانه اخلاق و عدالت، عامل ارزش یافتن عمل، شرط قبولی اعمال و مافوق همه امور است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۳، ص ۵۱۷).

در منابع اسلامی، ایمان از زوایای مختلف معنای ایمان و لزوم آن، ارکان، تعلقات و درجات ایمان، ویژگی‌های مؤمنان، عوامل افزایش و نقصان، آثار و پیامدهای ایمان و مانند آنها در تفاسیر و کتب روایی و منابع دیگر، مورد توجه قرار گرفته است. فیلسوفان، متکلمان، مفسران و محدثان بسیار

هر یک با نگاه خاصی تلاش کرده‌اند تا ابعاد مختلف آن را واکاوی کنند و توضیح دهند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۹۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۹، ص ۶۰-۷۵؛ مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ایزوتسو،^۱ ۱۳۸۹، ص ۱۵-۵۴؛ کیرکگور،^۲ ۱۳۸۸، ص ۴۵-۷۰؛ تیلیخ،^۳ ۱۹۵۷، ص ۲۵-۴۵).

در دوره معاصر، ایمان از منظر روان‌شناسی نیز از ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. مباحثی از قبیل: تعریف روان‌شناختی ایمان، ویژگی‌های ایمان، آثار و کارکردهای ایمان و مراحل تحول ایمان، از جمله مباحثی هستند که در روان‌شناسی دین امروز مورد توجه قرار دارند.

ایمان در لغت مصدر باب افعال و از ماده «أَمَن» است. ماده «أَمَن» به معنای ایمن بودن و در مقابل ترس به کار می‌رود و در همه مشتقات مختلف آن به نوعی می‌توان این معنا را باز یافت. گفته می‌شود «بیت آمین» به معنای خانه‌ای است که امن است و نباید از چیزی ترسید. مَأْمَن به معنای مکانی است که امنیت دارد. الأمان به معنای امنیت بخشیدن به کسی است (لسان‌العرب، ذیل ماده امن). خداوند دربارهٔ مشرکان که پناه خواسته‌اند می‌فرماید: «ثُمَّ أُبْلِغَهُ مَأْمَنَهُ» (توبه: ۶) به این معناست که آنها را به جایی برساند که از کشته شدن ایمن باشند.

بنابراین، واژه «ایمان» با توجه به ریشه آن، به معنای تصدیق چیزی یا وثوق به کسی است که توأم با آرامش و سکون باشد. شهید ثانی با نظر به معنای «أَمَن» می‌گوید: حقیقت «أَمَنَ بِهِ» سکون و آرامش نفس است که به علت قبول قول یا امتثال امر کسی به دست می‌آید که در این صورت «باء» سببیه است (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۰). راغب اصفهانی نیز با اشاره به آیه «مَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ» (یوسف: ۱۷) می‌گوید: ایمان تصدیقی است که با آن امنیت باشد (مفردات الفاظ القرآن، ذیل ماده امن).

اما در اصطلاح، متفکران و اندیشمندان از فرقه‌های مختلف کلامی مسلمان معانی گوناگونی برای این واژه ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال برخی همچون اکثر گروه‌های مرجعی چون جهیمیه و صالحیه (اشعری، ۱۹۸۰، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ بغدادی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰۷)، و نیز جمهور متکلمان شیعی از قبیل شیخ مفید (۱۴۱۳ق، ص ۶۹)، سید مرتضی (۱۴۱۱ق، ص ۵۳۶) شیخ طوسی (۱۳۵۸، ص ۶۳۹) خواجه طوسی (۱۳۷۰، ص ۹)، و شهید ثانی (۱۴۰۹ق، ص ۱۷۳-۱۷۴)، ایمان را با علم و معرفت مترادف گرفته‌اند. همچنین برخی مانند شیخ صدوق (۱۳۹۸ق، ص ۲۲۸-۲۲۹) ایمان را به مجموع باور قلبی، اقرار و اطاعت معنا کرده‌اند. چنین تصویری درباره ایمان، به محدثین و اهل سلف نسبت داده شده است (صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

در میان متفکران شیعی، علامه طباطبائی با بررسی آیات قرآن کریم، دیدگاه جدیدی در باب مفهوم ایمان ارائه نمود. از نظر علامه طباطبائی، ایمان، علم به چیزی است همراه با سکون و اطمینان به آن و گره خوردن قلب بر مدلول آن (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۶ و ص ۱۴۵). ایمان به چیزی با مجرد علم به آن چیز حاصل نمی‌شود. آیات قرآن دلالت بر این دارد که ایمان همسان علم نیست. برای نمونه آیات:

۱. «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ» (محمد: ۲۵)؛ کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

۲. «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل: ۱۴)؛ و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، درحالی که در دل به آن یقین داشتند، دلالت دارند بر اینکه علم به خدا می‌تواند با ارتداد، کفر، انکار و گمراهی جمع شود.

بنابراین، علم به چیزی و جزم به اینکه آن چیز حق است، در حصول و اتصاف به ایمان کفایت نمی‌کند، بلکه در کنار آن، گره خوردن قلب بر مدلول آن، به گونه‌ای که عمل را فی‌الجمله در پی داشته باشد نیز، ضروری است (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۵۹).

پس از علامه طباطبائی نیز، رأی او درباره حقیقت ایمان، به وسیله کسانی که به نوبه خود از خوان حکمت متعالیه تغذیه و رشد کرده بودند، شرح و بیان گردید. آیت‌الله مصباح می‌فرمایند: «در ایمان، علاوه بر علم و دانستن، یک عنصر دیگر نیز لازم است و آن عنصر روحی و روانی است که انسان باید حالت تسلیم و پذیرش و انقیاد در برابر حق و التزام به لوازم آن را در خود ایجاد کند. ایمان عبارت است از: علم به اضافه حالت انقیاد درونی در پذیرش لوازم آن علم» (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱). به تعبیر دیگر، ایمان عبارت است از: دل، چیزی را که عقل و ذهن تصدیق کرده، بپذیرد و بخواهد به همه لوازم آن ملتزم شود و تصمیم اجمالی بر انجام لوازم عملی آن بگیرد (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱). همچنین شهید مطهری، ایمان را مرکب از سه جزء می‌داند: ۱. درک و تشخیص و شناخت آن چیز آنچنان که هست؛ ۲. تسلیم در برابر واقعیت آن متناسب با واقعیتش؛ ۳. عشق و محبت به آن چیز (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۰۷).

آنچه به عنوان نتیجه‌گیری در پایان می‌توان ابراز داشت این است که ایمان، پذیرش و تسلیم قلبی و عملی برخاسته از علم به چیزی و به دنبال آن، احساس عاطفی و محبت به آن است. به تعبیر

دیگر، هنگامی که انسان به امری، علم پیدا می‌کند و آن را تصدیق می‌کند، در مواردی، به دلیل ارزشمندی آن چیز و ارتباط آن با سرنوشت و همه وجود انسان، در دل نیز نسبت به آن یک علقه و احساس عاطفی پیدا می‌کند و به تعبیر علامه طباطبائی، قلب آدمی به مدلول آن گره می‌خورد (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۵۹). به دنبال این مرحله، حالت تسلیم و پذیرش و انقیاد در وجود فرد پدیدار می‌شود که او را به سوی تعهد و وفاداری به آن سوق می‌دهد. در این حالت می‌توانیم بگوییم ایمان نسبت به آن چیز، در فرد شکل گرفته است.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که ایمان دارای سه مؤلفه است: ۱. شناخت و معرفت؛ ۲. عاطفه و محبت؛ ۳. تسلیم، التزام و پذیرش.

با مطالعه پژوهش‌های انجام شده درباره ایمان در میان روان‌شناسان غرب، اختلاف و تناقض میان آنها و نگاه دینی به آن را آشکار می‌سازد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها، به اختلاف در تعریف ایمان مربوط می‌شود. برای نمونه، فاولر^۱ (۱۹۸۱، ص ۷۵) آن را دارای واقعیتی بشری و جهان‌شمول می‌داند. از دیدگاه او انسان هنگام تولد فاقد معنایی درباره جهان است و برای زندگی و استمرار آن به یک نظام معنایی نیاز دارد. بدین ترتیب، ایمان راهی است که انسان از طریق آن و با متعهد کردن خود به یک ارزش غایی و فرادست، نظام معنایی خود را می‌سازد. براین اساس، چنین نگاهی به مقوله ایمان، در اکثر دیدگاه‌های معاصر درباره تحول ایمان، مفروض گرفته شده است. در مقابل، از نگاه دینی، ایمان به معنای پذیرش و تصدیق یک امر مربوط به دین الهی است. برخی آن را می‌پذیرند و برخی دیگر، انکار می‌کنند. بنابراین، از نگاه دینی، ایمان یک امر جهان‌شمول قلمداد نمی‌شود.

اختلاف مهم دیگر بین پژوهشگران، به چگونگی تحول ایمان مربوط می‌شود. برای نمونه، فاولر (۱۹۸۱)، ساختار مدل تحول ایمان را با استفاده از هفت بعد (از قبیل: شکل کارکرد منطقی، توانایی ادراک متفاوت دیگران، و جایگاه اقتدار) و در هفت مرحله عملیاتی می‌کند. در مقابل، استرایب^۲ (۲۰۰۱، ص ۱۴۳-۱۵۸) با زیر سؤال بردن تحول شناختی به عنوان مبنا و هدایت‌گر تحول ایمان، و نیز با رد نگاه مرحله‌ای به تحول ایمان، پنج سبک ایمان فاعلی،^۳ ابزاری-متقابل،^۴ دوجانبه،^۵ فردگرایانه-نظام‌دار^۶ و مکالمه‌ای^۷ ارائه می‌کند.

1. Fowler. J.

2. Streib, H.

3. subjective.

4. instrumental-reciprocal.

5. mutual.

6. individuative-systemic.

7. dialogical.

بر پایهٔ فروض روان‌شناسی تحولی، شکل‌گیری ایمان امری تدریجی است، پایه‌های اولیه آن در کودکی ایجاد می‌شود و در نوجوانی می‌توان به فهمی معنادار از آن دست یافت. افزون‌براین، تحول ایمان به منظور دستیابی به مراحل بالاتر برای کسانی که در این راه مجدانه تلاش می‌کنند، استمرار می‌یابد (نوذری، ۱۳۸۹).

همچنین، یکی از عمده‌ترین مسائلی که در زمینه مراحل تحول ایمان وجود دارد، محتوا و گستره سنی این مراحل است. مطالعات مختلف بر اساس مبانی نظری، روش‌های پژوهش و نیز ابزارهایی که برای گردآوری داده‌ها به کار رفته تقسیم‌بندی‌های مختلفی از مراحل تحول ایمان، بر مبنای گستره سنی و نیز بر اساس محتوا ارائه داده است، به گونه‌ای که دریافت یک چارچوب و ساختار کلی را برای مراحل تحول ایمان با دشواری و گاه با تناقض روبه‌رو کرده و مطالعات در حوزه تحول ایمان، دیدگاه‌های متفاوتی را به وجود آورده است. برای نمونه، در طرح ال‌کاینده^۱ (۱۹۷۰) تحول دینی طی مراحل طفولیت، اوائل کودکی، کودکی و نوجوانی، از طریق پدیدار شدن چهار نیاز شناختی (جست‌وجوی بقاء، جست‌وجو به دنبال بازنمایی،^۲ جست‌وجوی رابطه‌ها و جست‌وجوی درک) ترسیم می‌شود که متناظر با هر یک، جنبه‌ای از دین آن نیاز را برآورده می‌سازد. در مقابل، فاولر (۱۹۸۱)، ایمان را واقعیتی بشری و جهان‌شمول در نظر می‌گیرد که از طریق آن، افراد، نظام معنایی خود را می‌سازند. ایمان در دیدگاه فاولر، طی هفت مرحله از ابتدایی‌ترین حالت تا بالاترین وضعیت تحول می‌یابد.

با وجود آنکه در ایران تحقیقات متعددی در زمینه تحول مفاهیم دینی از قبیل خدا (اسکندری، ۱۳۸۶؛ خادمی، ۱۳۶۸) و دعا (موسوی‌نسب، ۱۳۸۹) انجام شده، اما درباره تحول ایمان به خدا با نظر به مفهوم ایمان در منابع اسلامی و در بین کودکان و نوجوانان ایرانی پژوهش تجربی و نظام‌داری انجام نگرفته است. عمده‌ترین مطالعه در ایران در زمینه تبیین تحول ایمان به خدا با توجه به سازوکارهای واسطه‌ای روان‌شناختی، توسط نوذری (۱۳۸۹) و بر اساس تعریف پیش‌گفته از ایمان و مؤلفه‌های آن انجام شده است. بر پایه این مطالعه، ایمان به خدا از تولد تا آغاز جوانی از پنج مرحله تحولی زیر عبور می‌کند:

۱. کودکی اول (تولد تا ۱/۵ و ۲ سالگی): شکل‌گیری مبانی و ریشه‌های اولیه ایمان. در این مرحله

1. Elkind, D.

2. representation.

ایمان از طریق تعامل والدین و ارزش‌های محیط با محیط فرهنگی - اجتماعی، نیاز کودک به تغذیه، نظافت و پذیرش توأم با گرمی و عطف شکل می‌گیرد؛

۲. کودکی دوم (۲ تا ۶ و ۷ سالگی): ایمان شهودی - تقلیدی - تخیلی، در این مرحله ایمان امری تقلیدی از کنش و حالات و اعمال مشهود بزرگسال است. اجزاء و عناصر شکل‌دهنده ایمان و ارتباط آنها در شکلی کلی، نامتمایز و مبهم جلوه‌گر می‌شود. کودک در این مرحله درک می‌کند که برخی مسائل مرتبط با خداست، خدایی که دارای صفاتی مانند علم و قدرت مطلق در شکلی مادی و خیال‌پردازانه است اما قادر به تمایز بین مؤلفه‌های ایمان به خاطر عدم توانایی اندیشیدن نیست؛

۳. کودکی سوم (۶ و ۷ تا ۱۱ و ۱۲ سالگی): ایمان آگاهانه - داستانی - لفظی، در مقایسه با مرحله قبل شناخت کودک از اجزا و عناصر دخیل در شکل‌گیری ایمان (شناخت خدا و صفات او، خود، جهان مادی، جهت‌گیری انگیزشی و ارتباط با خدا) تمایز یافتگی ویژه‌ای پیدا می‌کند. تصور مادی‌انگارانه، انسان‌انگارانه و خیال‌پردازانه از خدا و صفات او به تصویری با ویژگی‌های فوق انسانی و فوق طبیعی و تا حدودی غیرمادی‌انگارانه تبدیل می‌شود؛

۴. نوجوانی (۱۱ و ۱۲ تا ۱۷ و ۱۸ سالگی): تکوین اولیه هویت ایمانی، در این مرحله نوجوان با پرسش‌هایی از جنس ایمان درگیر می‌شود و پرسش‌های اساسی را مطرح، و شواهد را بررسی می‌کند و به هویت ایمانی دست می‌یابد؛

۵. آغاز جوانی (۱۷ و ۱۸ تا ۲۲ سالگی): ایمان استدلالی - خودمختارانه و باثبات نسبی، در این مرحله ایمان اولیه که در دوره نوجوانی تکوین یافته است، مورد بازسازی قرار می‌گیرد. در پایان این مرحله، فرد مجهز به امکانات شناختی، عاطفی و هیجانی لازم برای شناخت خدا و دستیابی به جهان‌بینی الهی، تجربه احساس ایمان و عمل بر اساس انگیزه درونی می‌شود.

با وجود اهمیتی که مطالعه نودری از آن برخوردار است، این کار، یک بررسی صرفاً نظری است که لازم است به صورت تجربی مورد آزمون قرار گیرد تا بتواند مبنای پژوهش‌های تربیتی بعدی قرار گیرد. از این‌رو، در این پژوهش تلاش می‌شود با مینا قرار دادن تقسیم‌بندی نودری (۱۳۸۹)، مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان (گستره سنی ۷ تا ۱۷ سالگی) به صورت تجربی مورد بررسی قرار گیرد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت تحولی این پژوهش، گردآوری داده‌ها بر اساس روش بالینی و بکارگیری مصاحبه

نیمه‌ساخت‌یافته انجام شد. به منظور سامان‌دهی و تدوین مصاحبه، ابتدا با توجه به تعریف علامه طباطبائی (۱۳۶۴) از ایمان سه مؤلفه (شناخت ایمانی، عاطفه ایمانی، و التزام ایمانی) به عنوان مؤلفه‌های ایمان مشخص گردید. سپس بر پایه مطالعات نوذری (۱۳۸۹)، زیرمؤلفه‌های هر یک از این مؤلفه‌ها، تعیین شد. آن‌گاه پرسش‌های به کار رفته در مطالعات فالور (۱۹۸۱) و پلانت^۱ و بوکاسینی^۲ (۱۹۹۷، ص ۳۷۵-۳۸۷) (پرسش‌نامه قدرت ایمان مذهبی سانتا کلارا^۳) و برخی پرسش‌نامه‌های دیگر مورد بررسی قرار گرفت و بر پایه سه بعد مذکور، پرسش‌های مصاحبه طراحی گردید. در نهایت، پرسش‌ها توسط چند متخصص در حوزه روان‌شناسی، علوم تربیتی، روان‌سنجی و علوم دینی ارزیابی و اصلاحات لازم انجام شد. تعداد کل پرسش‌های طراحی شده ۲۰ پرسش (شامل ۸ پرسش مربوط به شناخت ایمانی، ۶ پرسش مربوط به عاطفه ایمانی، و ۶ پرسش درباره التزام ایمانی) بود. بدین ترتیب، مشخص شد این پژوهش بر پایه سه مؤلفه شناخت ایمانی، عاطفه ایمانی، و التزام ایمانی به عنوان مؤلفه‌های ایمان انجام شود.

اما پس از اجرای مصاحبه‌ها، استخراج داده‌ها و بر پایه نظر و نمره‌گذاری داوران بر اساس دقت در محتوا و سؤال‌های شناخت ایمانی مشخص شد که پاسخ‌های این مؤلفه به گونه‌ای ارائه شده است که می‌توان دو مفهوم مجزا و متفاوت ماهوی شناخت خدا و شناخت نظام معنایی مرتبط با خدا را استخراج کرد. به منظور اطمینان نسبت به این استنباط پس از نمره‌گذاری مجدد توسط داوران و تعیین چهار مؤلفه ایمان از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. بدین ترتیب، چهار اندازه به دست آمده برای مؤلفه‌های چهارگانه ایمان به خدا بر پایه روابط خطی با صفت مکنون ایمان به خدا در مدل تأییدی اجرا و مشخص شد که تبیین ایمان به خدا بر اساس چهار مؤلفه شناخت خدا، شناخت نظام معنایی، عاطفه ایمانی، و التزام ایمانی از ساختار مفهومی و اندازه‌گیری دقیق‌تر و روشن‌تری برخوردار می‌باشد.

در مرحله بعد، برای تدوین یک ساختار کمی جهت ارزیابی گروه نمونه در فرایند تحول ایمان، بر پایه متون دینی و یافته‌های پژوهشی به ویژه بر اساس مطالعه نوذری (۱۳۸۹)، برای هر یک از مؤلفه‌ها، مراحل تعیین گردید. زیرمؤلفه‌ها و مراحل هر یک از مؤلفه‌های ایمان به خدا، در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. زیرمؤلفه‌ها و مراحل هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه ایمان به خدا

شناخت خداوند		شناخت نظام معنایی		عاطفه ایمانی		التزام ایمانی	
زیرمؤلفه‌ها	مراحل	زیرمؤلفه‌ها	مراحل	زیرمؤلفه‌ها	مراحل	زیرمؤلفه‌ها	مراحل
۱. آگاهی از چگونگی وجود خدا	۱. بیان حسی و مادی از خداوند (انسان‌نگاری)	۱. آگاهی از نقش خدا در زندگی انسان	۱. مطرح نبودن نظام معنایی	۱. احساس عاطفی از خدا (مهربان بودن، ترسناک ...)	۱. احساس عاطفی از خدا	۱. آگاهی از تعریف ایمان بدون دلیل	۱. اظهار التزام ایمانی
۲. آگاهی از علم خدا	۲. خداوند به عنوان موجودی فوق انسانی	۲. آگاهی از هدفمندی انسان و چستی این هدف	۲. پاسخ‌های مفهومی آموخته شده	۲. ترسناک بودن، سخت‌گیر بودن ...)	۲. درد دل کردن با خدا	۳. آمادگی برای دفاع از ایمان	۲. التزام ایمانی در عوض نعمت‌های خداوند
۳. آگاهی از قدرت خدا	۳. خداوند به عنوان موجودی فوق طبیعی، در عین آمیختگی با عناصر عینی	۳. آگاهی از برنامه خدا برای رسیدن به هدف مذکور	۳. تبیین‌های انتزاعی سطح اول	۲. احساس خوبی، خوشی، آرامش	۳. داشتن رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا	۴. عمق تعهد ایمان به خدا	۳. التزام ایمانی از روی عقل
۴. آگاهی از حضور خدا در همه‌جا	۴. تبیین‌های انتزاعی کامل از خداوند و صفات او		۴. تبیین‌های کاملاً انتزاعی	۳. صمیمی شدن با خدا، در قالب مواردی از قبیل: - صحبت کردن و درد دل با خدا - احساس نزدیکی و دوست بودن با خدا - احساس رضایت از خدا - احساس شرمندگی و گناه	۴. داشتن حس شکرگزاری یا شرمندگی در مقابل خدا	۵. گذشتن از برخی خواسته‌ها به خاطر ایمان	۴. التزام ایمانی از روی عشق

مصاحبه‌ها انفرادی اجرا و صداها ضبط می‌شد. هر مصاحبه چهل و پنج دقیقه‌ای یک ساعت طول می‌کشید. پس از پیاده شدن نوارهای صوتی مصاحبه‌ها، پژوهشگر و چهار متخصص روان‌شناسی و آشنا به مفاهیم دینی (در سطح دکتری و دانشجوی دکتری) به گونه‌ای مستقل متن را تحلیل و بر اساس یک مقیاس امتیازی درجه‌بندی کردند. مراحل مطرح شده برای هر مؤلفه و زیرمؤلفه‌های آن، نمونه‌ها و مصادیق آنها در دوره‌های سنی مختلف ارائه شد. بدین ترتیب، افزون بر گردآوری شواهدی برای مستندسازی، درک جامع‌تری نیز از زیرمؤلفه‌ها و شواهد مربوط به روایی نمره‌گذاری و طبقه‌بندی‌ها به دست آمد.

اعتباریابی نمره‌گذاری مصاحبه: بعد از پیاده شدن متن مصاحبه‌ها، نمره‌گذاری پاسخ‌ها بر اساس راهنمای نمره‌گذاری توسط پژوهشگر و چهار متخصص به گونه مستقل انجام شد. سپس نمره‌های هر پنج نفر با یکدیگر جمع و نمره کل هر مؤلفه به دست آمد و مبنای محاسبات و تحلیل‌های آماری قرار گرفت.

به منظور اطمینان نسبت به اعتبار نمره‌گذاران، از روش همبستگی درون‌طبقه‌ای^۱ (ICC) استفاده شد. این روش برای بررسی اعتبار بین دو یا چند درجه‌بندی‌کننده در مواقعی به کار می‌رود که مقیاس نمره‌گذاری فاصله‌ای یا طبقه‌ای مرتب شده باشد. افزون‌براین، همبستگی درون‌طبقه‌ای به عنوان نسبت واریانس بین گروه‌ها به واریانس کل در نظر گرفته می‌شود (شروت^۲ و فلایس^۳، ۱۹۷۹). اگر بین آزمودنی‌ها واریانس وجود نداشته باشد (یعنی درجه‌بندی‌کنندگان نمره یکسانی به هر آزمودنی داده باشند)، ضریب برابر با یک خواهد بود و نشان می‌دهد که اعتبار بین درجه‌بندی‌کنندگان کامل است. نتایج محاسبات مربوط به همبستگی درون‌طبقه‌ای مؤلفه‌های چهارگانه در جدول ۲ نشان داده شده است.

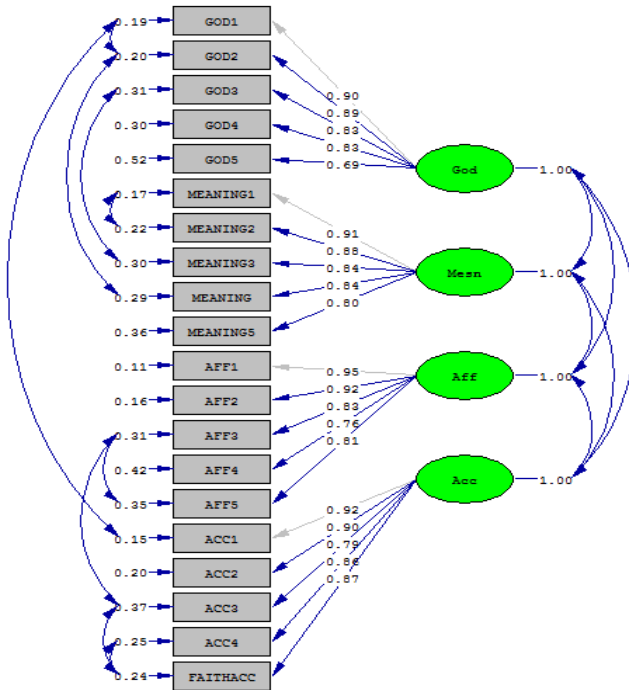
جدول ۲. ضرایب همبستگی بین طبقه‌ای برای مؤلفه‌های ایمان به خدا

مؤلفه‌های ایمان به خدا	ضریب اعتبار اندازه واحد	ضریب اعتبار اندازه متوسط	حد بالا	حد پایین	P
شناخت خداوند	۰/۵۹	۰/۸۹	۰/۵۳	۰/۶۵	۰/۰۱
شناخت نظام معنایی	۰/۶۴	۰/۹۰	۰/۵۸	۰/۶۹	۰/۰۱
عاطفه ایمانی	۰/۶۵	۰/۹۰	۰/۵۹	۰/۷۱	۰/۰۱
التزام ایمانی	۰/۶۸	۰/۹۱	۰/۶۲	۰/۷۳	۰/۰۱

چنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، برای هر مؤلفه دو ضریب اعتبار برآورده شده است. ضریب اعتبار اندازه واحد بیانگر اعتبار درجه‌بندی یک داور واحد است. در این ضریب، واحد تحلیل نمره‌های انفرادی (و نه میانگین نمره‌ها) است. برای مثال، ضریب اندازه واحد، برای مؤلفه عاطفه ایمانی، که مقدار آن از سایر مؤلفه‌ها بیشتر است، برابر با $0/67$ به دست آمده است که نشان می‌دهد سطح نسبتاً بالایی از همگونی نمره‌ها در یک درجه‌بندی کننده وجود دارد. مقدار این ضریب برای شناخت خداوند برابر با $0/59$ و برای دو مؤلفه مفهوم و انگیزه دعا بیش از $0/60$ و از لحاظ آماری در سطح کمتر از $0/01$ معنادار است که به گونه کلی نشان می‌دهد همگونی بین نمره‌ها در یک داور یا درجه‌بندی کننده نسبتاً مطلوب است.

در ضریب اعتبار اندازه‌های متوسط، که در واقع نزدیک به ضریب آلفای کرونباخ است، واحد تحلیل میانگین همه درجه‌ها یا نمره‌هاست. این ضریب بیانگر اعتبار میانگین درجه‌بندی یا نمره‌هایی است که همه درجه‌بندی کنندگان داده‌اند. مقدار این ضریب برای مؤلفه التزام ایمانی برابر با $0/91$ و برای سایر مؤلفه بیشتر از $0/89$ و از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد بین پنج داور این پژوهش، سطح بسیار بالایی از همگونی درونی وجود دارد.

رواسازی نمره‌گذاری مصاحبه: به منظور اطمینان نسبت به ساختار عاملی مدل تحول ایمان و در واقع نسبت به اینکه از روایی کافی برخوردار است از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای این منظور، نمره‌هایی که متخصصان برای هر یک از مؤلفه‌ها برای آزمودنی‌ها اختصاص دادند به عنوان نشانگر مؤلفه مورد اندازه‌گیری استفاده شد. چون فرض بر این است که پرسش‌های مربوط به هر مؤلفه بر اساس تعریف مبانی نظری مربوط به آن طراحی شده و هر داور به گونه مستقل آزمودنی‌ها را درجه‌بندی کرده‌اند، منطقی است که مدل مفهومی مربوط به این پژوهش، دارای چهار متغیر برونزا (شناخت خدا، شناخت نظام معنایی، عاطفه ایمانی و التزام ایمانی) و ۲۰ نشانگر (نمره‌های پنج داور در چهار مؤلفه) داشته باشد. نمودار مسیر و ضرایب استاندارد مربوط به نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای رواسازی ابزار پژوهش، در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. نمودار مسیر و ضرایب استاندارد شده مدل تحلیل تأییدی مؤلفه‌های ایمان

چنانکه در شکل ۱ مشاهده می‌شود، همه ضرایب مسیر برای مؤلفه‌های ایمان از لحاظ آماری معنادار است. شاخص‌های برازندگی مدل با داده‌های مشاهده شده از طریق ۶ معیار: ۱. مجذور کای^۱؛ ۲. نسبت مجذور کای به درجه آزادی؛ ۳. شاخص خوبی برازندگی؛^۲ ۴. شاخص خوبی برازندگی تعدیل یافته؛^۳ ۵. شاخص برازندگی تطبیقی؛^۴ ۶. ریشه دوم واریانس خطای تقریب^۵ ارزیابی شده است. با آنکه مجذور کای (۳۰۲/۱۲) از لحاظ آماری معنادار است. نسبت مجذور کای به درجه آزادی (df=۱۵۴) نیز برابر با ۱/۹۶ و مطابق با ملاک‌های پیشنهادی باینر^۶ (۱۹۹۴) و بنتلر^۷ (۱۹۹۳) است که مقدار مناسب را کمتر از ۲ می‌دانند. شاخص‌های GFI و CFI نیز بسیار قابل ملاحظه و به ترتیب برابر با ۰/۹۰ و ۰/۹۳ و نشان‌دهنده برازش مناسب داده‌هاست. ریشه دوم واریانس خطای تقریب نیز برابر با (۰/۵۱) و حد بالای آن بسیار کمتر از ۰/۵ است و می‌توان نتیجه گرفت درجه تقریب مدل در جامعه بزرگ نیست (بروان^۸ و کادک^۹، ۱۹۹۳). شاخص روایی متقاطع مورد انتظار^{۱۰} برابر با ۲/۱۳ و

1. Chi-Square. 2. Goodness of Fit Index (GFI). 3. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
 4. Comparative of Fit Index (CFI) 5. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
 6. Byrne, B. M. 7. Bentler, P. M. 8. Browne, M. W. 9. Cudeck, R.
 10. Excepted Cross-Validation Index (ECVI).

کمتر از مقدار این شاخص برای مدل اشباع شده^۱ (۲/۲۳) و مطابق با ملاکی است که جورسکاگ^۲ و سوربون^۳ (۲۰۰۳) ارائه کرده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهش از روایی عاملی مناسبی برخوردار است و می‌توان به نتایج حاصل از آن اطمینان داشت.

یافته‌های پژوهش

در این مرحله از پژوهش، مفهوم کلی ایمان به خدا مورد تحلیل قرار گرفت. برای این منظور، نخست میانگین مجموع نمره‌های مؤلفه‌های چهارگانه مورد مطالعه محاسبه و سپس مشخصه‌های آمار توصیفی آنها به عنوان متغیر ایمان به خدا به تفکیک هر سن برآورد و سرانجام، آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت گروه‌های سنی و آزمون مقابله شفه برای مقایسه زوجی میانگین گروه‌ها اجرا شد. این یافته‌ها در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. مشخصه‌های آمار توصیفی، خلاصه آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه نمره‌های مؤلفه ایمان به خدا برای همه گروه‌های سنی

سن	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	شفه
۷	۲۰	۱/۲۲	۰/۱۶	۱	۱/۶۰	۱۷ تا ۹
۸	۱۸	۱/۵۴	۰/۲۲	۱	۲	۱۷ تا ۱۰
۹	۱۹	۱/۶۷	۰/۲۲	۱/۳۰	۲/۳۰	۱۷-۱۱ تا ۷
۱۰	۱۸	۲/۰۱	۰/۱۷	۱/۷۵	۲/۳۰	۱۷ تا ۱۳ تا ۸ تا ۷
۱۱	۲۰	۲/۲۰	۰/۲۰	۱/۷۵	۲/۶۰	۱۷ تا ۱۴ تا ۹ تا ۷
۱۲	۱۷	۲/۴۲	۰/۳۲	۱/۶۵	۲/۹۰	۱۷ تا ۱۴ تا ۱۰ تا ۷
۱۳	۱۷	۲/۵۴	۰/۲۴	۲/۱۵	۲/۸۵	۱۷ تا ۱۴ تا ۱۰ تا ۷
۱۴	۱۸	۲/۹۸	۰/۲۹	۲/۵۰	۳/۶۵	۱۳ تا ۷
۱۵	۱۷	۳/۱۲	۰/۲۴	۲/۶۰	۳/۴۵	۱۳ تا ۷
۱۶	۱۷	۳/۱۳	۰/۳۰	۲/۶۵	۳/۶۰	۱۳ تا ۷
۱۷	۱۷	۳/۱۷	۰/۲۴	۲/۷۵	۳/۷۰	۱۳ تا ۷

$$P < ۰/۰۰۱, F(۱۸۷, ۱۰) = ۱۴۶/۷۹۸$$

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین نمره‌ها با افزایش سن گروه نمونه بیشتر می‌شود. نکته نمره کل ایمان به خدا روندی کاملاً افزایشی دارد یعنی میانگین هر گروه سنی از میانگین گروه سنی قبل، بیشتر و از میانگین گروه سنی بعد از خود کمتر است. بدین ترتیب، بیشترین میانگین‌ها متعلق به گروه‌های سنی ۱۷ با میانگین ۳/۱۷ (با انحراف استاندارد ۰/۲۴) و کمترین میانگین (۱/۲۲) متعلق به گروه سنی ۷ سال با انحراف استاندارد ۰/۱۶ است.

کمترین و بیشترین نمره‌ها در سازه ایمان به خدا در بین گروه‌های سنی از الگوی یکنواخت افزایشی پیروی نمی‌کند. برای نمونه، در گروه سنی ۱۲ و ۱۳ سال حداقل نمره به ترتیب برابر با ۱/۶۵ و ۲/۱۵ است درحالی‌که، این شاخص در گروه‌های سنی ۱۵ و ۱۶ سال به ترتیب برابر با ۲/۶۰ و ۲/۶۵ است.

افزون براین، نتایج تحلیل واریانس ($F(187, 10) = 146/798$, $P < 0/001$) نشان می‌دهد که بین گروه‌های سنی از لحاظ سازه ایمان به خدا تفاوت معنادار وجود دارد. ستون آخر جدول که تحت عنوان آزمون شفه مشخص شده است، مقایسه زوجی میانگین گروه‌ها را نشان می‌دهد. بر پایه نتایج حاصل از این آزمون می‌توان موارد زیر را استخراج کرد:

- میانگین گروه سنی ۷ سال تفاوت معناداری با میانگین نمرات ۸ سال ندارد. در عین حال، میانگین گروه سنی ۷ سال، به گونه معناداری کمتر از گروه‌های سنی ۹ تا ۱۷ سال است. بدین ترتیب، ۸ سالگی را می‌توان دوره گذار به مرحله بعد در نظر گرفت.

- میانگین گروه سنی ۸ سال تفاوت معناداری با میانگین نمرات گروه‌های سنی ۹ سال ندارد، اما به گونه معناداری کمتر از میانگین گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۷ سال است.

- میانگین ایمان به خدا در آزمودنی‌های ۹ ساله از آزمودنی‌های ۱۱ تا ۱۷ سال کمتر و از آزمودنی‌های ۷ سال بیشتر است.

- آزمودنی‌های گروه سنی ۱۰ سال دارای میانگین بیشتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۷ تا ۸ سال و میانگین کمتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۱۲ تا ۱۷ سال هستند.

- آزمودنی‌های گروه سنی ۱۱ سال دارای میانگین بیشتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۷ تا ۹ سال و میانگین کمتر و معنادار نسبت به گروه‌های سنی ۱۴ تا ۱۷ سال هستند.

- آزمودنی‌های گروه سنی ۱۲ سال دارای میانگین بیشتر و معنادار نسبت به آزمودنی‌های ۷ تا ۱۰ سال و میانگین کمتر و معنادار نسبت به گروه‌های ۱۴ تا ۱۷ سال هستند. این وضعیت درباره آزمودنی‌های گروه سنی ۱۳ سال نیز صادق است.

- میانگین نمرات گروه‌های سنی ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ تفاوت معناداری با هم ندارند، و نیز دارای میانگین بیشتر و بالاتر نسبت به آزمودنی‌های ۷ تا ۱۳ سال هستند.

تعیین مراحل تحول ایمان به خدا بر اساس میانگین نمره‌ها: با توجه به اینکه پرسش اصلی پژوهش ناظر بر تعیین مراحل تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان است، لازم است تا با محاسبه مجموع مؤلفه‌ها و طبقه‌بندی نمره‌های حاصل از درجه‌بندی‌های داوران، مراحل تحول ایمان

به خدا، به گونه‌ای مستقل تعیین شود. بدین منظور، با جمع نمره‌های هر یک از آزمودنی‌ها و قرار دادن آنها در دامنه متوسط طبقه‌بندی‌های مربوط به مؤلفه‌ها، تحلیل آماری مناسب انجام شد. میانگین، انحراف استاندارد، بیشینه و کمینه نمره‌های مربوط به طبقه‌بندی چهارگانه سنی به همراه آزمون تحلیل واریانس و مقابله‌های زوجی شفه در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. مشخصه‌های آمار توصیفی، خلاصه آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه نمره‌های ایمان به خدا برای گروه‌های سنی چهارگانه

گروه	دامنه سنی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	شفه
۱	۸-۷	۳۸	۱/۳۷	-/۳۵	۱	۲	۳/۳، ۳>
۲	۱۱-۹	۵۷	۱/۹۶	-/۳۹	۱/۳۰	۲/۶۰	۴ و ۳>، ۱<
۳	۱۳-۱۲	۳۴	۲/۴۸	-/۳۸	۱/۶۵	۲/۹۰	۴>، ۱ و ۳<
۴	۱۷-۱۴	۶۹	۳/۱۰	-/۳۸	۲/۵۰	۳/۷۰	۳ و ۲، ۱<

$$P<0/001, F(194,3)=351/512$$

با توجه به یافته‌های جدول ۴، نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌های چهار طبقه سنی در ایمان به خدا از لحاظ آماری معنادار است ($F(194,3)=351/512$ ، $P<0/001$). روند افزایش میانگین‌ها در گروه‌های سنی نشان می‌دهد که با افزایش سن، ایمان به خدا در آزمودنی‌ها افزایش می‌یابد. افزون‌براین، مقادیر انحراف استاندارد نشان می‌دهد که همگونی آزمودنی‌ها در گروه‌های سنی مختلف تقریباً یکسان است. با وجود این، بیشترین انحراف استاندارد ($0/29$) متعلق به گروه سنی ۱۱-۹ سال و کمترین مقدار ($0/25$) متعلق به گروه سنی ۸-۷ سال است.

مقادیر کمینه و بیشینه نمره‌ها در گروه‌های سنی چهارگانه بیانگر آن است که فرایند افزایش نمره‌ها از الگوی پیش رونده پیروی می‌کند. به بیان دیگر، کمینه و بیشینه نمره گروه‌های سنی پایین‌تر، کمتر از گروه‌های سنی بالاتر است.

بدین ترتیب، بر پایه همگونی میانگین‌ها در سنین مختلف و نیز اختلاف میانگین برخی گروه‌های سنی، به گونه کلی کودکان و نوجوانان مورد مطالعه را می‌توان از لحاظ تحول ایمان به خدا به چهار گروه سنی: ۸-۷، ۱۱-۹، ۱۲-۱۳، و ۱۴-۱۷ سال تقسیم‌بندی کرد.

تعیین مراحل ایمان به خدا بر اساس فراوانی نمره‌ها: به منظور تعیین مراحل تحول ایمان به خدا بر اساس فراوانی و درصد پاسخ‌ها، نخست با توجه به توزیع و دامنه نمره‌های کل مشخص شد که مراحل ایمان به خدا را می‌توان به چهار مرحله مشخص تقسیم کرد. نتایج این طبقه‌بندی بر اساس دامنه مشاهده‌شده رتبه‌بندی داوران، در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. فراوانی و درصد نمره‌های ایمان به خدا بر اساس درجه‌بندی داوران

نمره	دامنه	تعداد	درصد
۱	۱-۵/۱	۲۷	۱۳/۶
۲	۲-۱/۵	۴۳	۲۱/۷
۳	۳-۲	۸۶	۴۳/۵
۴	۴-۳	۴۲	۲۱/۲

با توجه به جدول ۵، بیشترین درصد پاسخ‌ها (۴۳/۵) متعلق به نمره ۳ (ایمان انتزاعی سطح اول) است. پس از این طبقه، بیشترین درصد پاسخ‌ها با ۲۱/۷ درصد به نمره ۲ تعلق دارد (ایمان مفهومی آموخته‌شده). به فاصله بسیار کمی پس از آن، نمره ۴ (ایمان انتزاعی کامل) با ۲۱/۲ درصد قرار دارد. کمترین درصد پاسخ‌ها (۱۳/۶) نیز متعلق به نمره ۱ (ایمان حسی و مادی) است. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که برای هر چهار طبقه نمره‌گذاری شده، فراوانی وجود دارد و می‌توان آنها را بیانگر چهار مرحله مجزا در تحول ایمان به خدا دانست. برای بررسی این مطلب که توزیع فراوانی پاسخ‌ها برای طبقه‌های چهارگانه به تفکیک گروه‌های سنی تعیین شده چگونه است، و به بیان دیگر، آزمودنی‌های کدام گروه سنی دارای بیشترین فراوانی در طبقه‌های چهارگانه هستند، توزیع نمره‌ها به تفکیک گروه‌های سنی محاسبه و در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. فراوانی و درصد نمره‌های ایمان به خدا به تفکیک گروه‌های چهارگانه سنی

گروه سنی	۱/۵-۱		۲-۱/۵		۳-۲		۴-۳	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۷-۸	۲۵	۶۵/۸	۱۳	۳۴/۲	-	-	-	-
۹-۱۱	۲	۳/۵	۲۸	۴۹/۱	۲۷	۴۷/۴	-	-
۱۲-۱۳	-	-	۲	۵/۹	۳۲	۹۴/۱	-	-
۱۴-۱۷	-	-	-	-	۲۷	۳۹/۱	۴۲	۶۰/۹
کل	۲۷	۱۳/۶	۴۳	۲۱/۷	۸۶	۴۳/۴	۴۲	۲۱/۲

بر اساس نتایج جدول ۶ می‌توان موارد زیر را استخراج کرد:

دامنه سنی اول (۷-۸ سال): شامل ۳۸ نفر (۱۹/۲ درصد) از کل آزمودنی‌ها می‌شود. از سوی دیگر، در حدود ۶۶ درصد آزمودنی‌های این دامنه سنی، در طبقه اول (ایمان حسی و مادی) قرار دارند و بقیه که بیش از ۳۴ درصد آزمودنی‌ها را شامل می‌شود در طبقه دوم (ایمان مفهومی آموخته‌شده) قرار گرفته‌اند. هیچ‌کدام از آزمودنی‌های این دامنه سنی در طبقه‌های سوم و چهارم قرار ندارند.

دامنه سنی دوم (۹-۱۱ سال): شامل ۵۷ نفر (۲۸/۸ درصد) از کل آزمودنی می‌باشد. بیش از ۹۶ درصد این گروه سنی در دو طبقه دوم (ایمان مفهومی آموخته‌شده) و سوم (ایمان انتزاعی سطح اول)

قرار دارند و فقط ۳/۵ درصد از آزمودنی‌ها در طبقه اول (ایمان حسی و مادی) قرار گرفته‌اند. هیچ‌یک از آزمودنی‌های این دامنه سنی در طبقه چهارم (ایمان انتزاعی کامل) قرار ندارند.

دامنه سنی سوم (۱۲-۱۳ سال): شامل ۳۴ نفر (۱۷/۲ درصد) آزمودنی‌ها می‌شود. از این گروه بیش از ۹۴ درصد در طبقه سوم (ایمان انتزاعی سطح اول) قرار دارند و فقط ۵/۹ درصد در طبقه دوم (ایمان مفهومی آموخته‌شده) قرار گرفته‌اند.

دامنه سنی چهارم (۱۴-۱۷ سال): شامل ۶۹ نفر (۳۴/۸ درصد) از کل آزمودنی‌ها می‌باشد که هیچ‌یک در طبقه‌های اول و دوم قرار ندارند. بیش از ۳۹ درصد افراد این گروه سنی در طبقه سوم (ایمان انتزاعی سطح اول) و نزدیک به ۶۱ درصد در طبقه چهارم (ایمان انتزاعی کامل) قرار دارند. بدین ترتیب، اکثریت بالایی از این دامنه سنی در طبقه چهارم درجه‌بندی می‌شوند.

تبیین و تفسیر مراحل ایمان به خدا: نتایج چندین بار اجرای تحلیل واریانس و نیز محاسبه زیرمجموعه‌های همگون میانگین‌های نمره کل نشان داد که برای تحول ایمان به خدا بر پایه دامنه سنی گروه نمونه، در بهترین شرایط می‌توان چهار مرحله متمایز ۷ تا ۸ سال، ۹ تا ۱۱ سال، ۱۲ تا ۱۳ سال و سرانجام ۱۴ تا ۱۷ سال را تعیین کرد، به این ترتیب که بر اساس این تقسیم‌بندی میانگین نمره سنین داخل هر گروه با یکدیگر برابر و میانگین هر گروه سنی با سایر گروه‌ها تفاوت آماری معنادار داشت. به بیان دیگر، میانگین هر طبقه سنی از میانگین طبقه‌های سنی پس از خود کمتر و از طبقه‌های پیش از خود به گونه معناداری بزرگتر به دست آمد. این روند افزایشی میانگین‌ها در گروه‌های سنی به گونه کلی بیانگر آن است که با افزایش سن، ایمان به خدا نیز افزایش می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در حدود ۶۶ درصد آزمودنی‌های ۷ و ۸ سال در مرحله اول و بقیه در مرحله دوم ایمان به خدا قرار گرفتند. از سوی دیگر، تنها ۳/۵ درصد از آزمودنی‌های ۹-۱۱ سال در مرحله اول ایمان به خدا قرار گرفتند. بدین ترتیب، می‌توان گفت مرحله اول ایمان به خدا، عمدتاً به گروه سنی ۷-۸ سال اختصاص دارد. بررسی محتوای پاسخ‌ها نشان می‌دهد که ایمان به خدا در کودکانی که در این مرحله قرار دارند متناظر با درک حسی و عینی از مفاهیم دینی است.

مطالعات برخی از صاحب‌نظران نیز این مطلب را مورد تأیید قرار می‌دهد. برای نمونه، در مدل گلدمن (۱۹۶۴، ص ۵۲) که دوره سنی ۷ و ۸ سالگی را مرحله تفکر پیش‌مذهبی می‌نامد، الگوی تفکر مبتنی بر ادراک شهودی است. از ویژگی‌های این مرحله آن است که در نظر کودک، خداوند شکلی کاملاً انسانی دارد، در آسمان زندگی می‌کند، در اینجا هم هست، مرد است، زندگی انسانی دارد، غذا

می‌خورد، گاهی پایین می‌آید و دیده می‌شود. با آنکه کودکی که پیش از این مرحله قرار دارد تصویری از خدا با ویژگی‌های مادی‌انگارانه، انسان‌انگارانه و خیال‌پردازانه که متأثر از اندیشه‌ها و نمادهای دینی و فرهنگی محل پرورش اوست ارائه می‌کند، در این مرحله (۷ تا ۸ سالگی) نیز چنین تصویری از خدا و صفات او با تمایز یافتگی اندکی نشان می‌دهد.

همچنین، در این مرحله ایمان به خدا، سطح تحول‌یافتگی شناختی کودک و در نتیجه، میزان آگاهی کودک از ارتباط خدا با خود و جهان مادی در حدی نیست که بتواند شیوه زندگی ایمانی و غیرایمانی را با هم مقایسه کند و از بین آنها دست به انتخاب بزند. به طور طبیعی ایمان در این وضعیت نمی‌تواند اعتقادات، اخلاق یا اعمال خاصی را بر فرد الزام کند.

بدین ترتیب، هر چند کودک در این دروه سنی تلاش می‌کند که خود را از محدودیت‌های مرحله قبل برهاند با این حال، توفیق کمی نصیب او می‌شود. انتزاعی بودن مفاهیم، محدودیت‌های کودک در بکارگیری زبان و نیز کمی تجربه وی، گذار کودک از مرحله قبل را با چالش مواجه می‌سازد (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۸۷). با توجه به این مطالب، این مرحله از تحول ایمان به خدا را می‌توان مرحله «ایمان حسی نامتمایز» نام نهاد.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، در مرحله دوم ایمان به خدا، نزدیک به ۵۰ درصد از آزمودنی‌های ۹ تا ۱۱ ساله در این مرحله قرار دارند. درحالی‌که بیش از ۳۴ درصد از آزمودنی‌های ۷-۸ ساله و نزدیک به ۶ درصد از آزمودنی‌های ۱۲ تا ۱۳ ساله نیز در این مرحله ایمان به خدا قرار گرفته‌اند. ازاین‌رو، به نظر می‌رسد این مرحله از لحاظ ایمان به خدا و سایر مفاهیم دینی از گستره بیشتری برخوردار است.

بررسی محتوای پاسخ‌ها در این گروه سنی و پاسخ‌های مشابهی که برخی کودکان در گروه‌های سنی پایین‌تر و بالاتر که میانگین آنها در این مرحله قرار می‌گیرد نشان می‌دهد که افراد در این مرحله، به مفاهیم و آموزه‌های دینی توجه می‌کنند. ازاین‌رو، آموزش و یادگیری نقش مهمی در آن ایفا می‌کند. نظیر پاسخ یک پسر ده ساله «چند بار از مامانم پرسیدم خدا چه جوریه، مامانم گفته یه روحه یعنی جسم نداره صدا هم نداره ... ما باید کارهای خوب بکنیم تا خدا ما رو دوست داشته باشه چیزهای بیشتری بهمون بده. آخرش هم که از این دنیا بریم می‌ریم بهشت انشاءالله». یا سخن یک دختر ده ساله «خدا گفته برای حرف زدن باهاش نماز بخونیم، کارهای خوب بکنیم، کارهای بد نکنیم مثلاً دروغ نگیم ... ایمان به خدا باعث می‌شه که من نمازم اول وقت بخونم، بعد از نماز قرآن بخونم، با ادب باشم، به افراد سالمند کمک کنم، به پدر و مادرم و آدم‌های دیگه نیکی کنم. خدا برای ما پدر و

مادر آفریده، وقتی که دعا کنیم نماز بخونیم یک خواهش ازش بکنیم برامون انجام می‌ده». این مرحله از ایمان، عمدتاً با مرحله سوم از مراحل تفکر مذهبی در دیدگاه گلدمن (مرحله تفکر مذهبی ناقص دوم) تطابق دارد. گلدمن، معتقد است که استقرار منطق عملیات عینی به طور کامل در این مرحله اتفاق می‌افتد، این مرحله آغاز ساخته شدن دیدگاه الهی درباره جهان در کنار دیدگاه علمی درباره جهان مادی است (دیدگاه الهی دیدگاهی است که جهان را بر اساس تفسیر ادیان بنا می‌نهد و دیدگاه علمی دیدگاهی است درباره جهان مادی که فرد آن را بر اساس روابط علّی و معلولی مادی بنا می‌نهد) (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۸۹). نکته درخور توجه در این دوره این است که گرچه کودکان با بسیاری از موضوعات در معارف دینی و داستان‌های آن درگیرند اما درباره آنها به طور ساده و برحسب رضایت خویش که اغلب خودمحورانه است قضاوت می‌کنند و مبنای قضاوت آنها با عنایت به تجارب شخصی صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر، این مرحله و ویژگی‌های آن را می‌توان بر اساس نظریه الکایند درباره مراحل تحول دینی نیز تبیین کرد (الکایند، ۱۹۷۰، ص ۳۵-۴۲). الکایند نظریه مرحله‌ای خود در باب تحول دینی را، بر حسب تغییر در تحول عمومی روان‌شناختی ارائه داده است. نکته اساسی در این دیدگاه این است که نیازهای شناختی کودک که به وسیله دین ارضا می‌شود، با افزایش سن تغییر می‌کند. این نیازها در طول مراحل پیچیده افزایش می‌یابد. مرحله سوم الکایند (جست‌وجوی رابطه‌ها)^۱ اواسط کودکی آغاز می‌شود و مثل دو مرحله پیش (جست‌وجو برای نگهداری، جست‌وجو برای نمادسازی)، در سراسر زندگی ادامه پیدا می‌کند. طبق نظریه پیاژه، در این مرحله کودک شروع می‌کند تا قواعد منطقی را در شناخت روابط بین اشیا و حوادث در محیط اطرافش به کار گیرد و همچنین به طریق مشابه می‌کوشد تا روابط خودش را با مردم، دنیای اجتماعی و اصول موجود شناسایی کند و خویش را با آن سازگار سازد.

الکایند، در کاربردی کردن این ایده برای دین می‌گوید: کودکی که در دو مرحله پیش با مفهوم خدا و نمادهای مربوط به او آشنا شده، می‌کوشد رابطه خود را با خدا بشناسد و با او ارتباط برقرار کند (الکایند، ۱۹۷۰، ص ۴۰). از این رو، پس از آشنایی با مفهوم خدا و نمادسازی، پرسش از چگونگی ارتباط با او اجتناب‌ناپذیر می‌شود. این مطلب از طریق دعا و نیایش محقق می‌شود. فرد در خلال نیایش می‌تواند نقش خود را در برابر خدا و برعکس شناسایی کند و رابطه خویش را با وی آشکار سازد.

در مرحله دوم از ایمان، در دیدگاه جیمز فاولر که ایمان اسطوره‌ای - تحت‌اللفظی^۲ است، هر چند

شامل سن دبستان به طور کلی (از حدود ۷ سالگی تا حدود ۱۱ سالگی) را دربر می‌گیرد، با این حال، بیشتر درباره کودکان حدود ۹ سال به بالا صدق می‌کند و یکی‌دو سال پیش از آن را باید دوره آماده‌سازی برای تحقق این مرحله به حساب آورد (فاولر، ۱۹۸۱، ص ۱۲۵). در این مرحله، فرد به نحو فزاینده‌ای واقع‌گراتر می‌شود. هنوز به انسان‌پنداری تمایل دارد و درک او از نمادها و زبان دینی تحت‌اللفظی است. این درک، حالتی سطحی، عینی و کم‌عمق دارد. افزون‌براین، در این مرحله کودکان به درونی کردن داستان‌ها، اعتقادات و جنبه‌های مختلف مربوط به فرهنگ جامعه می‌پردازند. اعتقادات و قواعد اخلاقی در این مرحله کاملاً عینی و سطحی است و با گسترش و تصریح شکل‌گیری شخصیت کودک و نیز تأثیر ویژگی‌های شخصیتی دیگران همراه است.

از نظر ویژگی‌های شناختی، کودکان این گروه سنی هر چند به تفکر منطقی دست می‌یابند، اما این تفکر توانایی محدودی نسبت به گسترش منطق به مفاهیم انتزاعی دارد. افزون بر این، دانش عمومی بیشتری را درونی‌سازی می‌کنند، به تدریج توانایی به کار بستن مفاهیم یادگرفته شده به تکالیف و وظایف جدید در آنها تحول می‌یابد و به فراگیری مهارت‌های جدید در زندگی علاقمند می‌شوند. به اعتقاد پیاژه، کودکان ۷ تا ۱۱ سال توانایی انجام اعمال منطقی را کسب می‌کنند، اما این اعمال را با امور محسوس و عینی انجام می‌دهند. وی دوره ۹ تا ۱۱ سالگی را از نظر تحول اخلاقی، مرحله اخلاق توافقی نامیده است؛ زیرا اندیشه کودکان از حالت قطعیت خارج و بیشتر نسبی‌گرا می‌شود (دادستان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴).

به اعتقاد برخی پژوهشگران، در این مرحله است که ارزش‌ها و استانداردهای رفتار مذهبی والدین در کودکان درونی‌سازی می‌شود. فرایند درونی‌سازی مفاهیم مذهبی ممکن است شبیه فرایند درونی‌سازی سایر مفاهیم مانند وجدان، خودنظم‌بخشی و سایر استانداردهای رفتاری باشد. یافته‌های یک پژوهش نشان می‌دهد که ارزش‌های مذهبی و اخلاقی با فرایند اجتماعی‌شدن بین والدین و کودکان ارتباط دارد و به تدریج از مذهب دگرنظم‌بخش به خودنظم‌بخش انتقال می‌یابد و تبدیل به مذهبی درونی‌سازی شده می‌شود (موسوی‌نسب، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹). بدین ترتیب، با توجه به مطالب فوق می‌توان این مرحله را مرحله «ایمان مفهومی آموخته‌شده» نامید.

در مرحله سوم ایمان به خدا، بر پایه یافته‌های این پژوهش، حدود ۹۴ درصد از آزمودنی‌های ۱۲ تا ۱۳ ساله قرار می‌گیرند. این در حالی است که بیش از ۴۷ درصد از آزمودنی‌های ۹ تا ۱۱ ساله و حدود ۳۹ درصد از آزمودنی‌های ۱۴ تا ۱۷ ساله نیز در این مرحله ایمان به خدا قرار گرفته‌اند. از این‌رو، به نظر

می‌رسد این مرحله از لحاظ ایمان به خدا از گستره زیادی برخوردار است. بدین ترتیب، مشخص است که بسیاری از افراد، در سنین پیش از ۱۲ سالگی به این مرحله از ایمان به خدا دست می‌یابند.

در این مرحله هر چند می‌توان نشانه‌های سوق یافتن فرد به سوی تفکر انتزاعی را مشاهده کرد با این حال، او هنوز در دام عینیت گرفتار است و نمی‌تواند ایمان به خدا را با تفکری انتزاعی تحلیل نماید. به اعتقاد گلدمن، این دوره (۱۱-۱۳ سالگی) را می‌توان «دوره اول تفکر مذهبی شخصی» نام گذارد که در واقع دوره بینابینی بین استقرار عملیات عینی و استقرار عملیات انتزاعی است (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۸۹). در این مرحله نشانه‌هایی از تفکر انتزاعی دیده می‌شود اما همچنان آمیخته به عناصر عینی است و به نظر می‌رسد کودک در فهم موضوعات مذهبی توان کنار گذاشتن آن را ندارد. نمونه‌هایی مانند «خدا از همه امور خبر دارد. خدایی که توان دارد هر چیزی رو بیافرینه مسلماً می‌دونه که تو دل این بنده‌اش چیه» (پسر ۱۲ ساله)، «خدا همه چیز رو خودش آفریده به همین خاطر از همه چیز خبر دارد» (دختر ۱۲ ساله)، «ما وقتی چیزی رو اختراع می‌کنیم اختیارش دست خودمونه، خدا هم همین‌جور، زمین و آسمون و موجودات رو آفریده می‌تونه همه‌اش رو نابود کنه یا هر کاری باهاشون انجام بده» (دختر ۱۲ ساله)، «یه نفر که یه چیزی رو درست می‌کنه می‌تونه توش یه چیزی بگذاره که هر چی برای او اتفاق می‌افته نشون بده، این‌طوری خدا از هر کاری که ما بکنیم خبر داره» (پسر ۱۲ ساله)، بیانگر این برداشت است.

برخی از پژوهشگران از جمله، تاتالا^۱ (۲۰۰۹)، والسا^۲ (۲۰۰۶) معتقدند: از ۱۲ سالگی به بعد نوعی اعتقادات دینی خودمختارانه آشکار شکل می‌گیرد و به تدریج در فرد درونی می‌شود. به اعتقاد فاولر نیز افرادی که به این مرحله می‌رسند درباره عقاید و ارزش‌های خود نقادانه تأمل می‌کنند و می‌پذیرند که دیدگاه آنها در مورد دنیا فقط یکی از چند دیدگاه احتمالی است (فاولر، ۱۹۸۱، ص ۲۲۴). آنها فعلاً نه ایدئولوژی شخصی ایجاد می‌کنند و با گذشت زمان به اصلاح آن می‌پردازند. آنها می‌پرسند: «این مناسک و نمادهای مذهبی واقعاً چه معنایی دارند؟».

در سنین اولیه این دوره، نوجوان از لحاظ شناختی به مهارت‌های اولیه تفکر مانند تفکر درباره احتمالات متعدد، موارد انتزاعی‌تر، فرایند تفکر درباره خود، تفکر درباره ابعاد چندگانه پدیده‌ها و پذیرش نسبی‌گرایی در مقابل قطعی‌نگری دست یافته‌اند. «من تلاش می‌کنم که به دستورات خدا عمل کنم،

مثلاً حجابم رو نگه دارم. اما خوب اون کسی هم که حجاب رو رعایت نمی‌کنه، شاید برای خودش دلیل داره» (دختر ۱۳ ساله)، «کسی که ایمان من رو زیر سؤال می‌بره، من بهش می‌گم تو حق نداری این کار رو بکنی. اما کاری هم بهش ندارم چون شاید فکر می‌کنه ایمان نداشتن کار درستی» (پسر ۱۳ ساله)، نمونه‌هایی در این سطح است. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان برای این مرحله نام «ایمان انتزاعی سطح اول» را پیشنهاد کرد.

در مرحله چهارم ایمان به خدا، بر پایه یافته‌های این پژوهش، حدود ۶۱ درصد از آزمودنی‌های ۱۴ تا ۱۷ ساله در این مرحله قرار دارند و هیچ یک از آزمودنی‌های گروه‌های سنی دیگر، نتوانستند به این مرحله از ایمان به خدا دست یابند. بررسی پاسخ این گروه از آزمودنی‌ها درباره ایمان به خدا نشان می‌دهد که به درکی نسبتاً عمیق از ایمان به خدا دست یافته‌اند، درکی که سایر گروه‌های سنی از دستیابی به آن عاجزند.

در این مرحله، در کنار دستیابی نوجوان به درک انتزاعی از خدا و سایر مفاهیم دینی، دینداری و ایمان به خدا حالتی درونی‌شده به خود می‌گیرد. در واقع، تحولات رخ داده در مراحل قبل در کنار آموزشی که فرد دریافت کرده، در این مرحله به ثمر نشسته و ایمان به خدا در او درونی شده است. در سایه درک انتزاعی از خدا و صفات او و درک نسبتاً بالا از نعمت‌های الهی و وظایف انسان در برابر خدا، به اضافه برخورداری از احساس صمیمیت و نزدیکی با خدا و کسب آرامش در کنار او و نیز رعایت موازین دینی، ایمان به خدا در فرد به حدی از قوام و استحکام رسیده که می‌تواند فرد را به سوی عمل با اختیار به موازین و دستورات دینی سوق دهد. نمونه گفته‌های به دست آمده از مصاحبه: «خدا دو راه مشخص کرده: یکی شقاوت بدی، یکی خیر و خوبی، و یک نفس اماره هم هست که افراد با غلبه بر نفس اماره بهشت می‌رن و با پیروی از هوای نفس به سمت شقاوت می‌رن» (دختر ۱۶ ساله)، «من به خدا ایمان دارم چون می‌دونم خدایی هست که من رو آفریده و نعمت‌هاش رو در اختیار من گذاشته. اعتقاد به خدا باعث می‌شه زندگیم هدف داشته باشه» (دختر ۱۶ ساله)، «خدا همه کاری می‌تونه بکنه، می‌تونه کاری کنه که مردها بچه بزنان ولی این کار رو نمی‌کنه چون خدا حکیمه. اگر این کار رو بکنه عالم به هم می‌ریزه» (پسر ۱۷ ساله)، مؤید این تبیین است.

مطابق دیدگاه گلدمن، در مرحله آخر تفکر مذهبی (دوره دوم تفکر مذهبی شخصی) که تقریباً از ۱۳ سالگی شروع می‌شود، تفکر به صورت فرضیه‌ای و قیاسی و بدون ممانعت عناصر عینی انجام می‌گیرد (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۹۰). در این حال، تفکر در شکل نمادین یا انتزاعی میسر می‌گردد و

تلاش‌هایی صورت می‌گیرد تا فرضیه‌ها خارج از حوزه تجارب وضع گردیده و با بهره‌گیری از برهان، قبول یا رد شود. نوجوان می‌تواند با یک تئوری آغاز کند و به واقعیت‌هایی که حوزه تفکر او را به طور قابل ملاحظه‌ای گسترش دهد، بازگشت نماید.

براین اساس، ایمان به خدا در این مرحله، انعکاس‌دهنده توسعه و تحول ظرفیت نوجوان برای فرض شقوق مختلف و انتخاب از میان گزینه‌های گوناگون است. بدین ترتیب، تحول شناختی در کنار بهره‌مندی از آموزش، که نظریه‌پردازان متعددی مانند گلدمن و ویگوتسکی بر ضرورت آن در تحول مذهبی تأکید کرده‌اند، به تحول شناختی فرد نیز وابستگی تام و تمام دارد. نمونه گفته یک پسر ۱۷ ساله می‌تواند مؤید این توصیف باشد: «خدا ما رو آفریده تا به اون هدف اصلی خلقت که برای اون آفریده شدیم، برسیم. هدف اصلی از خلقت ما اینه که به خدا پی ببریم و به خدا برسیم».

تحول ایمان به خدا افزون بر تحول شناختی، عاطفی و رفتاری، به ساختار تفکر کلی مذهبی نیز بستگی دارد. به اعتقاد فالور، تحول ایمان به خدا در نوجوانی در واقع جابجایی از اقتدار مذهبی بیرونی به اقتدار درونی است (فالور، ۱۹۸۱، ص ۱۴۳). هر چند در وهله نخست این جابجایی، رهاسازی اصول و ارزش‌های مشترک به نظر می‌رسد، اما در حقیقت عکس آن است. زیرا آنچه رها می‌شود اصول و ارزش‌ها نیست بلکه رهایی از تبعیت کورکورانه از دیدگاه مذهبی بیرونی به دیدگاه عارفانه و عمیق درونی است برخی از پاسخ‌های آزمودنی‌ها این معنا را می‌رساند. نمونه‌های زیر می‌تواند این توصیف را نشان دهد.

«به خدا که فکر می‌کنم احساس می‌کنم که یک ذره کوچک هستم در مقابل یک چیز خیلی بزرگ، که اون هم به دنبال این نیست که باهات مقابله کنه، بلکه هوات رو داره» (دختر ۱۶ ساله).
 «من وقتی که خدا یه حاجتم رو برآورده می‌کنه احساس می‌کنم در مقابل خدا چقدر کوچکم، باید شکرش رو به جا بیارم، اما موقعی که یک کار بدی می‌کنم احساس خجالت و شرمندگی می‌کنم. احساس می‌کنم در مقابل خدا خیلی حقیر شدم» (پسر ۱۷ ساله).

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان مرحله چهارم تحول ایمان به خدا را در این پژوهش، مرحله «ایمان انتزاعی کامل» نام‌گذاری کرد.

توصیف اجمالی مراحل تحول ایمان به خدا: در اینجا خلاصه‌ای از مراحل تحول ایمان به خدا بر اساس یافته‌های پژوهش می‌آوریم.

۱. ایمان حسی نامتمایز: تصور کودکان از خدا مشابه تصور آنان از انسان است و نسبت‌های مادی مثل (دست و پا داشتن) به خدا می‌دهند. برای کودک در این مرحله، نظام معنایی و هدفمندی زندگی

مطرح نیست، هیچ چیز در این باره نمی‌داند. می‌گوید خدا را دوست دارد و او را مهربان می‌داند، اما درد دل کردن و احساس نزدیک بودن با او را گزارش نمی‌کند. معنای ایمان داشتن به خدا را نمی‌داند و حداکثر آن را به دوست داشتن خدا معنا می‌کند. کارهای خوب را انجام می‌دهد نه به خاطر اینکه دستور خداست، بلکه چون کار خوبی است، یا چون پدر و مادر یا دیگری گفته که انجام دهد. تصمیم به مؤمنانه زیستن برای کودک اصلاً مطرح نیست.

۲. ایمان مفهومی آموخته‌شده: کودکان در این مرحله، خدا را موجودی مادی و در عین حال، با ویژگی‌هایی فراتر از انسان معرفی می‌کنند. درباره نظام معنایی و هدفمندی انسان، چیزهای مختصری آموخته‌اند هر چند معنای آنها را به درستی درک نمی‌کنند. با خدا صحبت و درد دل می‌کند. ایمان به خدا را گوش کردن به دستورات خدا معنا می‌کند و دلیل عمل کردن او به آنها، رفتار متقابل در مقابل نعمت‌های خدا است. مؤمنانه زیستن برای کودک هنوز هم مطرح نیست هر چند با آموزه‌های دینی تا حدودی آشنا شده است.

۳. ایمان انتزاعی ابتدایی: نوجوان خدا را موجودی غیرمادی می‌داند اما در توصیف او توان کنار گذاشتن عناصر عینی را ندارد. در این مرحله افراد سؤال از هدف از آفرینش انسان را می‌فهمند و در پاسخ آن، چیزهایی را که آموخته‌اند (مثل امتحان الهی) می‌گویند اما نمی‌توانند آن را به خوبی توضیح دهند. علاوه بر درد دل کردن با خدا، رابطه نزدیک و صمیمانه با خدا را گزارش می‌کنند و معتقدند خدا به آنها توجه دارد و آنها را می‌بیند. ایمان به خدا را به اعتقاد داشتن به وجود او و آفرینندگی او معنا می‌کنند و ایمان داشتن به او و عمل به دستورات او را کاری درست و عقلانی می‌دانند. در عین حال، مؤمنانه زیستن که همه ابعاد زندگی را دربر گیرد برای آنها مطرح نیست.

۴. ایمان انتزاعی کامل: نوجوان در این مرحله، خدا را موجودی غیرمادی می‌داند و توصیفی کاملاً انتزاعی و غیرمادی از خدا و صفات او ارائه می‌دهد. هدفمندی آفرینش برای او مطرح است و معتقد است که خدا انسان‌ها را برای عبادت و بندگی، امتحان و ... آن آفریده و او باید به دنبال سعادت ابدی خود باشد. علاوه بر رابطه نزدیک با خدا، در مقابل او حس شکرگزاری (در مقابل نعمت‌های خدا) و شرمندگی (در مقابل خطاهای خود) دارد. ایمان او به خدا و پابندی‌اش به دستورات خدا فراتر از عاقلانه است. او می‌گوید بدون ایمان به خدا، زندگی بیهوده و بی‌ارزش است. مؤمنانه زیستن در همه ابعاد زندگی برای او امری اساسی است.

مقایسه مراحل ایمان به خدا در این پژوهش با پژوهش نوذری: این پژوهش، عمدتاً بر مبنای

کار نظری نوذری (۱۳۸۹) انجام گرفته است. از این رو، لازم است در پایان مقایسه‌ای میان یافته‌های نظری وی و نتایج این پژوهش انجام گیرد.

هر چند تفاوت‌هایی میان این دو در ویژگی‌های هر یک از مراحل ایمان به خدا دیده می‌شود با این حال، می‌توان گفت: عمده‌ترین تفاوت به تقسیم‌بندی مراحل مربوط می‌شود. نوذری ایمان کودکی سوم (۶ و ۷ تا ۱۱ و ۱۲ سالگی) را «ایمان آگاهانه - داستانی - لفظی» می‌نامد و معتقد است: در این مرحله، مؤلفه‌های ایمان به خدا در شکلی متمایز و تاحدودی منسجم شکل می‌گیرند. نوذری، همچنین دوره نوجوانی را تحت عنوان «تکوین اولیه هویت ایمانی» مطرح می‌کند (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۹۷). در مقابل، بر اساس یافته‌های این پژوهش، دامنه سنی ۷ تا ۱۷ سالگی را می‌توان در قالب چهار مرحله تقسیم‌بندی کرد که کودکی سوم شامل دو مرحله و نوجوانی نیز مشتمل بر دو مرحله باشد.

به نظر می‌رسد این مسئله ناشی از آن است که ویژگی‌هایی که در مطالعه نوذری برای کودکی سوم و نیز برای نوجوانی مطرح شده‌اند، در مطالعه حاضر، هر یک از آنها در دو مرحله مجزا مطرح شده‌اند. برای نمونه، در پژوهش نوذری، در کودکی سوم، کودک خدا را یک انسان در نظر می‌گیرد؛ درحالی که در مطالعه حاضر این امر به دو مرحله: «شناخت حسی و مادی از خدا» و «شناخت خدا به عنوان موجودی فوق انسانی» تقسیم شده است. همچنین در مطالعه نوذری، شکرگزاری در مقابل خدا و شرمندگی در برابر او به عنوان ویژگی مؤلفه عاطفی ایمان در دوره نوجوانی به‌طور کلی مطرح شده، اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، شکرگزاری در مقابل خدا، ویژگی مربوط به اوایل نوجوانی، و «شرمندگی در برابر خدا»، ویژگی مربوط به مرحله دوم نوجوانی می‌باشد.

براین اساس، می‌توان گفت مراحل اول در هر یک از دو دوره کودکی سوم و نوجوانی (به دست آمده در این پژوهش)، زمینه شکل‌گیری مرحله (که همه کودکی یا نوجوانی را دربر می‌گیرد) فراهم می‌سازند. در واقع، مرحله‌های اول و سوم، بسترساز تحقق کامل مراحل کودکی سوم و نوجوانی می‌باشند و نه مرحله‌ای مجزا.

بدین ترتیب، میان یافته‌های پژوهش نظری نوذری و نتایج پژوهش تجربی حاضر، تفاوت عمده‌ای وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌ها، جمع‌بندی نتایج پژوهش عبارت است از: پس از طبقه‌بندی سنی آزمودنی‌ها

در چهار گروه ۷ تا ۸، ۹ تا ۱۱، ۱۲ تا ۱۳ و ۱۴ تا ۱۷ سال بر اساس همگونی میانگین‌ها در سنین مختلف و تفاوت معنادار بین هر گروه سنی، مشخص شد که ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان مسلمان ایرانی (شهر قم) در دامنه سنی ۷ تا ۱۷ ساله دارای چهار مرحله حسی و مادی، مفهومی آموخته شده، انتزاعی سطح اول و انتزاعی کامل است. بنابراین، با بالا رفتن سن و تحولات شناختی ایمان به خدا از حسی بودن به سوی انتزاعی بودن تحول پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، نمره کلی ایمان به خدا و ابعاد آن افزایش می‌یابد.

محدودیت‌های پژوهش: بکارگیری روش مقطعی، از محدودیت‌های پژوهش حاضر به حساب می‌آید. از آنجاکه در این گونه طرح‌ها هر آزمودنی تنها یک بار مورد مشاهده و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد، پژوهشگران نمی‌توانند درباره اینکه چگونه افراد در طول سن تغییر می‌کنند، اطلاعات کافی به دست بیاورند. افزون‌براین، چون پژوهش در یک زمان خاص انجام می‌شود برای مشاهده و بررسی تغییرات تحولی دچار محدودیت است. نمونه آماری این پژوهش از جامعه دانش‌آموزان شهر قم به دست آمده است. با توجه به اینکه شهر قم از نظر ساختار فرهنگی و مذهبی تقریباً با سایر شهرهای کشور تفاوت دارد بنابراین، نتایج پژوهش را باید با احتیاط به سایر شهرها تعمیم داد. محدودیت زمانی پژوهشگر و نیز ویژگی‌های ابزار گردآوری داده‌ها (مصاحبه) موجب شد تا نمونه مورد مطالعه این پژوهش به دامنه سنی ۷ تا ۱۷ سال محدود شود. به همین دلیل نمی‌توان در مورد تحول ایمان به خدا در سنین پایین‌تر و بالاتر استنباط کاملی به عمل آورد. محدودیت دیگر این پژوهش، استفاده از روش مصاحبه است که سبب می‌شود تا نتایج با احتیاط بیشتری تفسیر و تعمیم یابد. هرچند بنابر دلایل متعدد از جمله نیاز به واریاسی پاسخ آزمودنی‌ها از طریق برخی سؤال‌ها و نیز در دسترس نبودن آزمون‌ها و ابزارهایی عینی‌تر و نیز اطمینان بیشتر نسبت به درک درست و کامل سؤال‌ها توسط آزمودنی‌ها، اجرای روش مصاحبه اجتناب‌ناپذیر بود، وجود برخی نقاط ضعف در این روش باعث می‌شود تا یافته‌ها با احتیاط در نظر گرفته شود. برای نمونه، یکی از مشکلات این روش آن است که احتمال دارد آزمودنی‌ها در مصاحبه‌ها و موقعیت‌های چهره‌به‌چهره با یک آزمونگر، از ارائه پاسخ‌های واقعی خودداری کرده و تلاش کنند تا پاسخ‌های مطلوب (از نظر اجتماعی) ارائه دهند.

پیشنهاد‌های پژوهش: ۱. اجرای پژوهش‌های طولی سبب می‌شود تا فرایند تحول ایمان به خدا و چگونگی شکل‌گیری و تغییر آن با افزایش سن در کودکان و نوجوانان با عمق و دقت بیشتری بررسی شود. ۲. اجرای این پژوهش در شهرهای دیگر که از نظر ساختار فرهنگی و دینی با یکدیگر تفاوت

داشته باشد، افزون بر روشن تر ساختن فرایند تحول ایمان به خدا در کودکان و نوجوانان، امکان مقایسه یافته‌ها را در فرهنگ‌های مختلف فراهم می‌آورد.

۳. مطالعه دوره‌های سنی پایین‌تر و نیز بالاتر از دوره سنی مطالعه حاضر این امکان را فراهم می‌آورد تا ساختار روشن‌تری از وضعیت تحول ایمان و نیز گستره تغییر یا ثبات آن در سال‌های آتی زندگی به دست آید.

۴. توسعه ابزارهای عینی برای اندازه‌گیری تحول ایمان و کاربرد آنها همراه با مصاحبه با والدین و کسانی که با ویژگی‌های کودکان آشنایی بیشتری دارند افزون بر افزایش روایی اندازه‌گیری، امکان بررسی بیشتر پاسخ‌ها و نمره‌گذاری عینی‌تر آنها را فراهم می‌آورد.

منابع

- اسکندری، حسین (۱۳۸۶)، خدا به تصور کودکان، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۲۰۰۷)، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسینا (۱۳۸۹)، تهران: سروش.
- خادمی، عزت (۱۳۶۸)، «درک کودکان دبستانی از مفاهیم دینی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۳ و ۴، ص ۱۱۵-۹۳.
- دادستان، پریخ (۱۳۸۷)، ۱۸ مقاله در روان‌شناسی، تهران: سمت.
- سرمد، زهره؛ بازگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
- شریف رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج‌البلاغه، قم: هجرت.
- شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۰۳ق)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۳۷۹)، علم الیقین، ترجمه حسین استادولی، تهران: حکمت.
- کیرگور، سورن (۱۹۹۹)، ترس و لرز، ترجمه عبدالکریم رشیدیان (۱۳۷۸)، تهران: نشر نی.
- محمدری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، میزان‌الحکمه، قم: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- موسوی‌نسب، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹)، بررسی تحول فهم دعا در کودکان و نوجوانان، پایان‌نامه دکتری رشته علوم تربیتی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نوذری، محمود (۱۳۸۹)، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی، پایان‌نامه دکتری رشته علوم تربیتی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- Bentler, P. M. (1993) EQS: Structural Equation Program Manual, Los Angeles: PMDP Statistical Software.
- Browne, M. W., & Cudeck, R. (1993). Alternative ways of assessing model fit. In K. A. Bollen & J. SLong (Eds.), Testing structural equations models, Newbury Park, CA: Sage, p. 136-162.
- Byrne, B. M. (1989). A primer of LISREL: Basic applications and programming for confirmatory factor analytic models. New York: Springer-Verlag.
- Elkind, D. (1970). The origins of religion in the child. Review of Religious Research, 12, p. 35-42.
- Fowler, J. W., Stage of Faith, Son Francisco, Harper, 1981.
- Goldman, R. (1964). Religious thinking from childhood to adolescence. New York: Seabury Press.
- Jöreskog, K.G., & Sörbom, D. (2003). LISREL 8.54 for Windows [Computer Software]. Lincolnwood, IL: Scientific Software International, Inc.
- Plante, T.G., & Boccaccini, M. (1997). The Santa Clara Strength of Religious Faith Questionnaire. Pastoral Psychology, 45, 375-387.
- Shrout, P. E. and Fleiss, J. L. (1979) Intraclass correlations: uses in assessing rater reliability. Psychological Bulletin, 86, 420-3428.
- Streib, H. (2001). Faith development theory revisited: The religious styles perspective. The International Journal for the Psychology of Religion, 11, 143-158.
- Tatala, M. (2009). Development of prayer in adolescence and youth. Journal of Psychology and Counseling, 1(7), 113-116.
- Walesa C (2006), Rozwój religijno_ci młodzi_y (The religious development of adolescents), Encyklopedia Katolicka [Catholic Encyclopedia] Lublin: Towarzystwo Naukowe KUL., 1424-1430.
- Tillich, P. (1957). Dynamics of Faith, Harper and Row Publishers, New York.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵، ص ۵۵ - ۷۰

اثربخشی آموزش خوش بینی

بر میزان افسردگی و رضایت از زندگی زنان در آستانه طلاق

The Effectiveness of Teaching Optimism in the Level of Depression and Life Satisfaction in Women on the Verge of Divorce

میرمجید سعیدی / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

محمود گلزاری / دانشیار روان شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی

احمد برجلی / دانشیار روان شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی

آتوسا صادقی پور / دانشجوی دکتری روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

Mir Majid Sa'idi / PhD Student in Philosophy of Islamic Education and Training, SRBIAU.

smirmajid@gmail.com

Mahmud Golzari / Associate Professor of Psychology, ATU.

Ahmad Borj-Ali / Associate Professor of Psychology, ATU.

Atusa Sadiq-Pur / PhD Student of Psychology, SRBIAU.

ABSTRACT

The present research aims at determining the effect of teaching optimism on the level of depression and life satisfaction in women on the verge of divorce in Qom. The research method was semi-empirical with pretest and posttest using a control group. To do the research, 30 women on the verge of divorce were randomly put in two groups (15 in control group and 15 in experiment group). The independent variable was optimism which was presented to the experiment group during

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین تأثیر آموزش خوش بینی بر میزان افسردگی و رضایت از زندگی زنان در آستانه طلاق شهرستان قم است. روش پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جهت اجرای پژوهش، ۳۰ نفر از زنان در آستانه طلاق در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) به طور تصادفی جایگزین شدند. متغیر مستقل خوش بینی بود که در ۱۴ جلسه بر روی گروه آزمایش انجام

14 sessions. No manipulation was done in the control group. The research devices were Beck's depression scale (BDI-II) and Diener's Life Satisfaction scale (SWLS). To analyze the data, analysis of covariance (ANCOVA) was used. The findings showed that optimism is effective in reducing women's depression and increasing their life satisfaction. This was in line with the findings of previous researches. The findings prepare useful information on the effectiveness of optimism for researchers, consultants and psychotherapists.

KEYWORDS: Women on the Verge of Divorce, Life Satisfaction, Teaching Optimism.

شد و در گروه گواه هیچ مداخله‌ای انجام نشد. ابزار پژوهش مقیاس افسردگی بک (BDI-II) و مقیاس رضایت از زندگی داینر (SWLS) بود. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل کواریانس استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که خوش‌بینی در کاهش افسردگی زنان و افزایش رضایت از زندگی آنان مؤثر بوده است که با یافته‌های پژوهش‌های قبلی همسو است. یافته‌ها اطلاعات مفیدی را برای پژوهشگران، مشاوران و روان‌درمانگران در مورد اثربخشی خوش‌بینی فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: زنان در آستانه طلاق، افسردگی، رضایت از زندگی، آموزش خوش‌بینی.

مقدمه

امروزه طلاق یکی از پدیده‌های شایع جامعه انسانی شده است و در هیچ عصری بشر از خطر انحلال کانون خانواده و آثار سوء ناشی از آن مبرا نبوده است. در دانشنامه بین‌المللی^۱ (۲۰۰۲)، طلاق، انحلال قانونی^۲ پیوند ازدواج تعریف شده است. بر اساس این تعریف، طلاق معمولاً پس از یک دوره اختلال یا بی‌سازمانی در روابط زناشویی واقع می‌شود. آشفتگی روابط با همسر یا شریک زندگی، گسیختگی خانواده بر اثر متارکه یا طلاق، یکی از طبقات پنجمین ویراست راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی را به خود اختصاص داده است. این طبقه را باید در مواردی به کار برد که زوجین به دلیل مشکلات در روابط، جدا از هم زندگی می‌کنند یا در حال متارکه هستند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا،^۳ ۲۰۱۴، ص ۱۱۹۵). بر اساس شواهد در ایالت متحده آمریکا حدود نیمی از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود و حدود ۵۰ درصد افراد که مجدد ازدواج کرده‌اند، طلاق را برای بار دوم تجربه می‌کنند (میرزازاده، احمدی و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۴۴۲). آمارهای رسمی ازدواج و طلاق کشور نشان می‌دهد که درصد ازدواج هر ساله نسبت به سال قبل کاهش و درصد طلاق افزایش یافته است (سایت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ۱۳۹۴). طلاق یک پدیده استرس‌زا است و آسیب‌پذیری افراد، بخصوص زنان را به مشکلات

1. international encyclopedia.

2. legal dissolution.

3. American Psychiatric Association.

جسمانی و روان‌شناختی دو برابر خواهد کرد و ابتلا به اختلالات روانی آنان امری اجتناب‌ناپذیر است (حمید، بشلیده، عیدی بایگی و دهقانی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۵). ازدواجی به فرجام نیکو می‌رسد و دوام رضایت‌بخش زندگی را در پی می‌آورد که دو نفری که قرار است پیوند زناشویی ببندند، سالم و هماهنگ باشند. سلامت، ابعاد متعددی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: سلامت جسمی، روانی، اخلاقی، شخصیتی، عقیدتی و خانوادگی (خوشخرام و گلزاری، ۱۳۹۰، ص ۲۹). یک مرد چیزی فراتر از وضعیت جسمی، شغلی و موقعیت اجتماعی‌اش است و یک زن چیزی فراتر از یک مادر، جذابیتش و شغلش است (می،^۱ ترجمه علوی و شاملو، ۱۳۹۱، ص ۱۳). افسردگی نقش مهمی در پرخاشگری و خودکشی در بین نوجوانان دارد و نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که نوجوانانی که خشم خود را درونی‌سازی می‌کنند بیشتر احتمال افسردگی و ناامیدی دارند (اللهیاری، ۱۳۷۶، ص ۵۷). اکثر افراد افسرده احساس می‌کنند در قبال استعداد و تلاش‌هایشان چندان موفق نیستند. وضعیت زندگی آنها با حس درونی شکست نیز تقریباً همخوان است (یانگ^۲ و کلوکو،^۳ ص ۲۸۸). افسردگی ممکن است منجر به تعارض‌های خانوادگی، بین‌فردی، شغلی، ارزیابی منفی دیگران از فرد، خودپنداره منفی و اعتماد به نفس پایین گردد. همچنین میزان بروز خشم در بزرگسالان با وجود افسردگی یک قطبی، فشار روانی پس از سانحه، شیدایی، اختلال شخصیت، بالا می‌رود (فروغی، ۱۳۸۹، ص ۱۹). مطالعه خوش‌بینی به چند دلیل حائز اهمیت است. اول اینکه تعداد بسیاری از مردم جامعه از مشکلات مرتبط با سبک‌های تبیین در پیامدهای زندگی رنج می‌برند و این امر چند سالی است که به دغدغه‌ای عمده در ایران تبدیل شده است. مجموعه‌های مختلف بهداشت روانی در اکثر مواقع با مراجعانی مواجه‌اند که با مشکل افسردگی، درماندگی و ناخشنودی از زندگی و در نتیجه، اختلالات مشابه از قبیل خشم و پرخاشگری دست به گریبان هستند. البته اعلام فراوانی این موارد مشکل است زیرا روان‌شناسان، تحقیقات در زمینه افسردگی و خشم را به حیطه تشخیصی سوق می‌دهند، با این وجود، برخی از شواهد حاکی از آن است که وجود مراجعانی با مشکل بیان شده در مجامع بالینی شایع است. در یک زمینه‌یابی ملی، روان‌شناسان و روان‌پزشکان مجرب گزارش داده‌اند که فراوانی مراجعان پرخاشگر به اندازه مراجعان افسرده و مضطرب است. دوم اینکه افسردگی مزمن بر سلامت جسمانی و روانی، ارتباطات اجتماعی و کیفیت کل زندگی اثرات منفی می‌گذارد (فروغی، ۱۳۸۹، ص ۱۶). زنان دو برابر مردان به افسردگی مبتلا می‌شوند، اما خودکشی در

مردانی که متارکه کرده‌اند نسبت به زنانی که طلاق گرفته‌اند بیشتر است (دورکهایم،^۱ ص ۲۱۷). طلاق و مشکلات زناشویی می‌تواند باعث ناسازگاری‌هایی در زندگی افراد شود و به اعضای خانواده آسیب برساند و برای فرزندان نیز عواقب منفی شدیدی داشته باشد (قهاری و بواله‌ری، ۱۳۹۳، ص ۳۳). نگرش انسان نقش تعیین‌کننده‌ای در درک خشنودی وی از زندگی دارد. رضایت از زندگی، هنگامی شکل می‌گیرد که انتظار انسان از زندگی، واقع‌گرایانه باشد. ناکامی، پیامد ناهماهنگی میان انتظارات و واقعیت‌ها است که به افسردگی و نارضایتی تبدیل می‌شود (پسندیده و خالقی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). رضایت از زندگی، بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند. رضایت از زندگی ارزیابی قضاوتی - شناختی از زندگی شخصی می‌باشد و عبارت است از: مقایسه بین شرایط زندگی خود با معیارهایی که وی برای خود تعیین کرده است. همچنین رضایت با نیاز، دارای ارتباطی فراگیر است. نیاز و رضایت، طی زمان، دگرگونی می‌یابند و در یک جامعه، تابع عوامل بسیاری می‌باشند. عدم همخوانی بین اهداف، تمایلات و نیازها که اکثراً به دلیل وجود مسائل و مشکلات خاص پدید می‌آیند، در بروز نارضایتی مؤثر است (مسعودی، سلیمانی، هاشم‌نیا و قربانی، ۲۰۱۰، ص ۵۸). بعد زمانی رضایت از زندگی مهم است. رضایت از گذشته، رضایت از حال، رضایت از آینده، سه بعد متمایز رضایت از زندگی است. سایر متغیرهای روان‌شناختی مرتبط با رضایت از زندگی مانند امید و خوش‌بینی نیز به سوی دیدگاه زمانی آینده‌ساز، حرکت کرده‌اند. لازاروس،^۲ کانر^۳ و فولکمن^۴ به دیدگاه امیدوارانه و خوش‌بینانه که موجب فراخوانی هیجان‌های مثبت می‌شود و کیفیت مقابله با منابع استرس را بهبود می‌بخشد، اشاره کرده‌اند (سلیمانیان و فیروزآبادی، ۱۳۹۰، ص ۲۶). انسان منطقی انتظار ندارد که زندگی، باغ گل سرخ باشد، انسان منطقی می‌داند که در زندگی هر کسی گرفتاری‌های ناراحت‌کننده‌ای وجود دارد، اما آنان را به بیماری‌های مرگبار تبدیل نمی‌کند. انسان‌های منطقی، از گاه کوه نمی‌سازند و رویدادهای ناخوشایند را از آنچه هستند ناخوشایندتر نمی‌کنند. درمان‌جویان با آگاه شدن فرض‌های افسرده‌ساز شناخت‌های مخمل، به تدریج خود را از این انتظارات ناتوان‌کننده که محکوم به افسردگی و سایر انواع آسیب‌اند، آزاد می‌کنند. همه زوجها در زندگی مشترک خود دچار مشکل می‌شوند. برخی از آنها سعی می‌کنند به کمک روش‌هایی با این مشکلات مقابله کنند درحالی‌که، عده‌ای دیگر خود را می‌بازند و ناامید می‌شوند. به بیان دیگر، برخی از زنان می‌توانند مشکلات دشوار را با آرامش و خونسردی حل کنند اما عده‌ای دیگر، در

مقابل مشکلات پیش پا افتاده عصبی می‌شوند. البته زنان دیگری هم هستند که با مشکلات ناشیانه برخورد می‌کنند. زنان دیگری هم هستند که از کسی کمک و راهنمایی نمی‌گیرند و انتظار دارند مشکل، خود به خود حل شود (پروچاسکا^۱ و نورکراس^۲، ص ۱۲۸). روان‌شناسان مثبت‌گرا، بیشتر بر توانمندی‌ها، شایستگی‌ها و داشته‌های انسان تأکید می‌کنند و بر این باورند که هدف روان‌شناسی باید بهبود و ارتقای سطح زندگی انسان و شکوفا کردن استعدادها و توانمندی‌های به ودیعه نهاده شده در درون انسان باشد. براین اساس، روان‌شناسان مثبت‌گرا به جنبه‌های مثبت روانی انسان، نظیر مثبت‌اندیشی، خوش‌بینی، شادکامی، خلاقیت، هوش هیجانی، خردمندی، خودآگاهی و مانند آن پرداخته و سعی دارند تا با روش‌ها و نگاه علمی، حضور مؤلفه‌های مثبت را در ابعاد گوناگون زندگی انسان پر رنگ‌تر و چشم‌گیرتر جلوه دهند. در روان‌درمانی نیز از رویکردهای مثبت‌درمانی، امیددرمانی و معنادرمانی بهره گرفته و سعی می‌کنند توجه انسان را به جنبه‌های مثبت وجودی و روانی‌اش معطوف سازند (حسینی، احمدی و میردیریکوندی، ۱۳۹۰، ص ۷۶).

سلیگمن^۳ (۲۰۰۶) در چندین پژوهش، اعتبار روان‌درمانی مثبت‌گرا را بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که روان‌درمانی مثبت‌گرای فردی، در مورد مراجعان افسرده، از درمان معمولی و درمان معمولی به علاوه دارودرمانی، با ضدافسردگی‌ها به کاهش بیشتر علائم افسردگی و موارد بیشتر بهبودی کامل منجر شده است. روان‌درمانی مثبت‌گرا علاوه بر کاستن از علائم افسردگی، علائم شادکامی را هم افزایش می‌دهد (مگیار-موئی^۴، ۲۰۰۹، ص ۱۰۴). پژوهش تراسی^۵ (۲۰۰۱)، که به بررسی اثربخشی نوشتن در مورد یک آینده مثبت، بر افزایش خوش‌بینی و سلامت رفتار زنان آلوده به ویروس ایدز پرداخت، نشان می‌دهد که نوشتن در مورد آینده مثبت موجب افزایش خوش‌بینی و امید در افراد گروه آزمایش گردید. نتایج حاکی از آن بود که مداخلات نوشتاری جهت‌دار آینده‌نگر، یک روش نویدبخش جهت افزایش امید به درمان و کاهش درد، رنج و بدبینی در این بیماران است. مرکولا^۶ (۲۰۰۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افراد خوش‌بین نسبت به افراد بدبین اجتماعی‌ترند، بیشتر ورزش می‌کنند، از مهارت‌های بین‌فردی مطلوب‌تری برخوردارند، معاشرتی هستند و دید مثبت‌تری به زندگی داشته و بهزیستی روانی بیشتری دارند (خسروشاهی و هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶). جعفر طباطبایی، احدی و خامسان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش خوش‌بینی

بر اضطراب و افسردگی دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند»، به این نتایج دست یافتند که آموزش‌های خوش‌بینی، کمک مؤثری بر کاهش اضطراب و افسردگی دانشجویان داشته، ولی میانگین نمره بدبینی بعد از مداخله، در گروه مورد از نظر آماری معنادار نبوده است؛ از این رو، می‌توان از این برنامه آموزشی، در مراکز مشاوره دانشجویی برای کاهش اضطراب و افسردگی استفاده نمود. سجادی‌نژاد، عسگری، مولوی و ادیبی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به مقایسه اثربخشی مدیریت استرس شناختی- رفتاری، آموزش خوش‌بینی و درمان طبی بر علائم جسمی، استرس ادراک شده، ادراک بیماری و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به کولیت اولسراتیو پرداختند، مشخص شد که آموزش خوش‌بینی می‌تواند در بهبود علائم روان‌شناختی بیماران مبتلا به کولیت اولسراتیو تأثیرگذار باشد. افسردگی مزمن بر سلامت جسمانی و روانی، ارتباطات اجتماعی و کیفیت کل زندگی اثرات منفی دارد (فروغی، ۱۳۸۹، ص ۱۹). حیات بشری^۱ نیازمند فراگیری سبک‌های خوش‌بینی^۲ است تا بتواند به سازگاری با محیط^۳ بپردازد. محیط خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی در فراهم ساختن امکانات یادگیری و سازگاری با محیط، نقش و مسئولیت مهمی بر عهده دارند. شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین موقعیت‌هایی که می‌توان از خوش‌بینی و بالطبع خشنودی از زندگی سخن گفت، زمانی باشد که از سلامت روانی و بهداشت روانی گفت‌وگو می‌شود (نظری طالقانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

نتایج تحقیق لی،^۴ کهن،^۵ ادگار،^۶ آندریا^۷ و گوگنان^۸ (۲۰۰۶) نشان داد، آموزش خوش‌بینی به صورت طرح وقایع سخت زندگی گذشته و تعدیل آنها با تعیین اهداف مثبت برای آینده، بر افزایش خود اثربخشی و امید به زندگی بیماران مبتلا به سرطان سینه و روده بزرگ مؤثر است. در پژوهش وجدانی، گلزاری و برجلی (۱۳۹۳) با عنوان «اثربخشی روان‌درمانی مثبت گرا بر افسردگی و رضایت زناشویی زنان افسرده»، نتایج حاکی از تأثیر معنادار روان‌درمانی مثبت‌گرا در کاهش افسردگی و افزایش سطح رضایت زناشویی و نیز مؤید ثبات این روان‌درمانی در مرحله پیگیری بود. در حوزه درمان با تأکید بر لزوم استفاده از درمان‌های روان‌شناختی جدید و مؤثر، می‌توان از روان‌درمانی مثبت‌گرا با توجه به ماهیت و کارکرد آن برای درمان اختلال‌های بالینی به طور انفرادی و گروهی استفاده کرد. اشرفی، آسمند، موسوی مقدم و سایه میری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی مثبت‌اندیشی در

1. human life.

2. optimism styles.

3. sustainability.

4. Lee, V.

5. Cohen, S. R.

6. Edgar, L.

7. Andrea, M. L.

8. Gagnon, A.L.

کاهش مشاجرات زناشویی دانشجویان متأهل»، به این نتیجه رسیدند که آموزش مثبت‌اندیش تأثیر بسزایی در کاهش مشاجرات زناشویی دارد. همچنین پورسردار، پورسردار، پناه‌نده، سنگری و عبدی زرین (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تفکر مثبت بر سلامت روانی و رضایت زندگی»، به این نتایج دست یافتند که خوش‌بینی، به واسطه افزایش سطح سلامت روانی و رضایت از زندگی را در پی دارد. همچنین متغیر خوش‌بینی اثر مستقیم بر رضایت از زندگی دارد به بیان دیگر، خوش‌بینی با تأثیر بر نوع احساس‌ها و هیجان‌های فرد و نگرش مثبت و در نتیجه، رضایت از زندگی را در پی دارد. اخیراً دو مدل شناختی افسردگی توجه بسیاری را به خود جلب کرده است: مدل درماندگی آموخته شده سلیگمن (۱۹۷۵)، و رویکرد طرح‌واره‌ای بک^۱ (۱۹۶۷). مدل‌های شناختی به طور عمده به بررسی رابطه باورهای منفی و افسردگی پرداخته‌اند (وان ورهیز،^۲ فوگل،^۳ هوستون،^۴ کوپر،^۵ ونگ^۶ و فورد،^۷ ۲۰۰۵، ص ۳۹). تأکید اصلی تئوری‌های شناختی این است که افراد دارای شناخت‌ها و باورهای ناکارآمد نظیر (سبک اسنادی منفی) نسبت به افسردگی آسیب‌پذیرتر می‌باشند (لو^۸ و گیسون،^۹ ۲۰۰۵، ص ۳۸۸). با وجود پژوهش‌های متعدد در این حوزه و با توجه به گستردگی موضوع بنا به تحقیقات ذکر شده، از آنجاکه یکی از عوامل مهم که سبب ناخشنودی از زندگی افراد می‌شود، عدم ایجاد یک ارتباط خوب و منطقی و گاه کاهش مهارت‌های خوش‌بینی است. در این پژوهش، تلاش بر آن است تا به زنانی که در شرایط حساس زندگی و در آستانه طلاق و فروپاشی زندگی قرار گرفته‌اند، آموزش خوش‌بینی به عنوان مداخله مثبت‌نگر، برای کاهش افسردگی و افزایش رضایت از زندگی داده شود. بنابراین، هدف این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش خوش‌بینی بر میزان افسردگی و رضایت از زندگی زنان در آستانه طلاق شهرستان قم می‌باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش نیمه‌تجربی است و در آن از پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری برای دو گروه شامل گروه آزمایش و گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری شامل زنان در آستانه طلاق مراجعه‌کننده

1. Beck, A. T.

2. Van Voorhees, B. W.

3. Fugel, J.

4. Houston, T. K.

5. Cooper L. A.

6. Wang, N.Y.

7. Ford D. E.

8. Lowe, G. A.

9. Gibson, R. C.

به شوراهای حل اختلاف، مراکز کاهش طلاق بهزیستی، محاکم خانواده در مجتمع قضایی شهید قدوسی دادگستری کل استان قم و نیز مراکز رسمی خدمات روان‌شناسی و مشاوره در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۲ بودند. حجم نمونه شامل ۳۰ نفر بود که با استفاده از روش تصادفی از بین زنانی که تمایل به شرکت در این پژوهش را داشتند انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری (آزمایش و کنترل) جایگزین شدند. گروه آزمایش، متشکل از ۱۵ نفر از زنان بود که در دوره آموزش خوش‌بینی شرکت نمودند. گروه گواه نیز شامل ۱۵ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مراکز فوق بود که همگی مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون را دریافت کرده، اما مداخله آموزشی را دریافت نکردند. زنان این گروه از نظر افسردگی و میزان رضایت از زندگی با زنان گروه آزمایش همخوانی داشتند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه افسردگی بک (BDI):^۱ فهرست افسردگی بک یکی از متداول‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری افسردگی است. این پرسش‌نامه ابتدا در سال ۱۹۶۱ معرفی، در سال ۱۹۷۱ مورد تجدیدنظر و در سال ۱۹۷۸ منتشر گردید. در سال ۱۹۹۶ دامنه وسیعی از نشانه‌ها، در این آزمون تجدیدنظر اساسی صورت گرفت. بدین ترتیب، این آزمون با ملاک‌های تشخیصی DSM-IV هماهنگی بیشتری یافت. این آزمون در مجموع از ۲۱ ماده مرتبط با نشانه‌های مختلف تشکیل می‌شود (مارنات، ۲۰۰۹، ترجمه پاشا شریفی و نیکخو، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱). این مقیاس، درجات مختلفی از خفیف تا شدید را تعیین می‌کند. حداکثر نمره در این تست ۶۳ حداقل آن صفر می‌باشد. پژوهش‌های انجام شده درباره BDI-II به طور ثابت ضرایب همسانی درونی بالا در دامنه ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ راحتی در جمعیت‌های مختلف نشان داده است (مارنات، ۲۰۰۹، ص ۱۰۱). علاوه بر این، در یک بررسی روی ۱۲۵ دانشجوی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی که برای بررسی اعتبار و روایی BDI-II بر روی جمعیت ایرانی انجام گرفت، نتایج بیانگر آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و اعتبار بازآزمایی به فاصله دو هفته، ۰/۷۳ بود (غزایی، ۱۳۸۲، به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳). نتیجه ارزیابی روایی محتوایی، همزمان و تمیزی و تحلیل عاملی به طور کلی مطلوب بوده است. محتوای ماده‌های BDI بر حسب توافق متخصصان بالینی درباره نشانه‌های بیماران افسرده و همراه با ملاحظات مرتبط با مقوله‌های مختلف DSM-IV برای تشخیص افسردگی تهیه شده است. روایی همزمان حاکی از همبستگی بالا

تا متوسط با درجه‌بندی‌های بالینی بیماران روانی است. این آزمون با مقیاس‌های مشابهی که افسردگی را درجه‌بندی می‌کنند همبستگی متوسطی را نشان داده است (مارنات، ۲۰۰۹، ص ۱۰۱۳).

مقیاس رضایت از زندگی (SWLS): این مقیاس توسط داینر^۱ و همکاران (۱۹۸۵) تهیه شده است. مقیاس رضایت از زندگی را می‌توان برای شناخت بهتر سطوح کلی رضایت از زندگی درمان‌جو از نظر شناختی (و در نقطه مقابل جنبه هیجانی) و آن‌گونه که در تجربه‌هایشان تا آن زمان از دنیا منعکس می‌شود به کار برد. بهباشی هیجانی را اغلب چنین تعریف می‌کنند: ترغیب عاطفه مثبت (در فقدان عاطفه منفی) و رضایتمندی کلی از زندگی. اطلاعات حاصل از چنین مباحثی را می‌توان برای درمان و طرح‌ریزی اهداف بلندمدت به کار برد. این مقیاس دارای ۵ ماده است و روش نمره‌گذاری آن به این صورت است که نمره‌های هر پنج ماده را باید با هم جمع کرد. این نمره‌ها ممکن است از زیر ۵ تا بالاتر و تا حد ۳۵ هم برسند. نمره‌های بالاتر بیان‌کننده سطوح بالاتر رضایت از زندگی‌اند (مگیار-موئی، ۲۰۰۹، ص ۸۳). بر اساس گزارش‌ها، مقیاس رضایت از زندگی، ثبات درونی بسیار خوبی با آلفای ۰/۸۷ دارد و روایی باز آزمون با همبستگی ۰/۸۲ در یک دوره زمانی دو ماهه، عالی بوده است. پایایی توافقی هم بررسی شده است. به این ترتیب، نمره‌های رضایت از زندگی با نمره‌های ۹ شاخص دیگر بهباشی (بهزیستی) و یک پرسش‌نامه عزت‌نفس، همبستگی مثبتی دارد. همچنین بین مقیاس رضایت از زندگی و شاخص (سنجه) های روان‌نژندگرایی، هیجانی بودن و فهرستی از علائم و نشانه‌های بالینی نیز همبستگی‌های منفی وجود دارد (مگیار-موئی، ۲۰۰۹، ص ۸۲).

بسته محقق ساخته: با توجه به فضای مذهبی شهرستان قم و ضرورت مداخله‌های متناسب با دین و فرهنگ بومی، پژوهشگر اقدام به ساخت بسته آموزش خوش‌بینی تلفیقی نمود. این بسته آموزشی، تلفیقی از متون دینی (قرآن و روایات) با نگرش به انسان‌شناسی در اسلام و همچنین کاربرد روان‌درمانی مثبت‌گرا بود. پس از اتمام آموزش، به صورت همزمان و در شرایط یکسان، پس‌آزمون (سیاهه افسردگی بک و مقیاس رضایت از زندگی داینر) در هر دو گروه به اجرا درآمد. محتوای این بسته آموزشی طی ۱۴ جلسه ۲ ساعته آموزش داده شد که در جدول ۱ به طور مختصر توضیح داده شده است.

جدول ۱. شیوه اجرای آموزش خوش‌بینی

جلسات	روند جلسه
جلسه اول	معارفه، برقراری ارتباط اولیه، اجرای پیش‌آزمون، گرفتن تعهد، آشنایی با اصول و مقررات و اهداف جلسات
جلسه دوم	آموزش تکنیک‌های صندلی خالی، ایفای نقش و بازسازی صحنه با استفاده از رویکردهای گشتالت درمانی و درمان وجودی
جلسه سوم	مرور تکالیف جلسه قبل، توضیح و تفسیر آیه «رجال قوامون علی النساء» به عنوان تذکر نسبت به حقوق هر یک از اعضای خانواده و بر شمردن حقوق هر یک؛ کمک به درمان‌جویان برای معرفی و پرورش توانمندی‌های برتر و هیجان‌های مثبت خود، ارائه تکلیف
جلسه چهارم	مرور تکلیف جلسه قبل، کمک به درمان‌جویان برای شناخت ایفای نقش خاطرات خوب و بد در ماندگاری و دوام علائم افسردگی، ارائه تکلیف
جلسه پنجم	آموزش به عنوان تکلیف خانگی
جلسه ششم	بحث دو باره در مورد نقش خاطرات خوب و بد
جلسه هفتم	بررسی‌های میان‌درمانی در مورد روند پیشرفت درمان‌جویان
جلسه هشتم	آموزش به درمان‌جویان برای رضایت داشتن در مقابل پیشینه‌خواهی است
جلسه نهم	بررسی امید و خوش‌بینی و آموزش فرایندهای خوش‌بینی و ثبت تمرین کلنجر رفتن به شکل ABCDE
جلسه دهم	درخواست از درمان‌جویان تا با فرد مهم و آشنایی قرار ملاقاتی بگذارند که در آن بر توانمندی هر دو (درمان‌جو و دوستش) تأکید می‌شود، ارائه تکلیف
جلسه یازدهم	کمک به درمان‌جویان برای پی بردن به اهمیت شناخت و تصدیق بالاترین توانمندی اعضای خانواده (اشاره به خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی سیستمی است)
جلسه دوازدهم	آموزش مزمره کردن لذت‌های مثبت به درمان‌جویان، ارائه تکلیف
جلسه سیزدهم	آموزش یافتن معنا از راه به کار بردن توانمندی‌های منشی برای خدمت به دیگران، ارائه تکلیف
جلسه چهاردهم	این جلسه، آخرین جلسه روان‌درمانی مثبت‌گرا و بسته آموزش خوش‌بینی است که درباره زندگی، به طور کامل بحث می‌شود. اجرای پس‌آزمون‌های افسردگی بک و رضایت از زندگی دایر و همکاران

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کننده‌ها در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کننده‌ها در مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون

مراحل	متغیر	گروه کنترل	گروه آزمایش
	میانگین	انحراف معیار	میانگین
پیش‌آزمون	افسردگی	۳۴/۴۰	۴/۴۴
	رضایت از زندگی	۷/۸۰	۲۰/۶۰
پس‌آزمون	افسردگی	۳۸/۰۶	۵/۱۷
	رضایت از زندگی	۵/۴۷	۲۵/۶۰

با توجه به نتایج جدول ۲، میانگین نمرات افسردگی گروه آزمایش در هر دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون از گروه کنترل کمتر بوده است. در ضمن، روند تغییر نمرات از پیش‌آزمون به پس‌آزمون در گروه آزمایش کاهش و در گروه کنترل افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج میانگین نمرات رضایت از

زندگی گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون کمتر و در مرحله پس‌آزمون بیشتر از گروه کنترل بوده است و روند تغییر نمرات از پیش‌آزمون به پس‌آزمون در گروه آزمایشی و در گروه کنترل کاهشی می‌باشد.

جدول ۳. تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر به منظور مقایسه میانگین افسردگی در دو گروه آزمایش و کنترل					
منبع تغییرات نوع آزمون	F (۱ و ۲۸)	سطح معناداری	توان آزمون	توان آزمون	
برقراری پیش فرض کرویت	۳۲/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۹۹	زمان
تصحیح گرین هوس گیسر	۳۲/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۹۹	
تصحیح هاین فلت	۳۲/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۹۹	
تصحیح حدود پایین	۳۲/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۹۹	
برقراری پیش فرض کرویت	۸۸/۶۹	۰/۰۰۱	۰/۷۶	۱/۰۰	زمان * گروه
تصحیح گرین هوس گیسر	۸۸/۶۹	۰/۰۰۱	۰/۷۶	۱/۰۰	
تصحیح هاین فلت	۸۸/۶۹	۰/۰۰۱	۰/۷۶	۱/۰۰	
تصحیح حدود پایین	۸۸/۶۹	۰/۰۰۱	۰/۷۶	۱/۰۰	

بر اساس نتایج جدول ۳، بین نمرات افسردگی آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون (بدون توجه به عامل گروهی) تفاوت معناداری وجود دارد $(p < ۰/۰۵)$ $F(۱ و ۲۸) = ۳۲/۱۷$. بین نمرات افسردگی آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنادار وجود دارد $(p < ۰/۰۵)$ $F(۱ و ۲۸) = ۸۸/۶۹$ و روند تغییر نمرات افسردگی از پیش‌آزمون به پس‌آزمون در دو گروه متفاوت می‌باشد. همچنین، با توجه به نتایج آزمون توصیفی در جدول ۲ می‌توان استنباط کرد که آموزش خوش‌بینی منجر به کاهش نمرات افسردگی آزمودنی‌های گروه آزمایش شده درحالی‌که نمرات افسردگی گروه کنترل که آموزشی دریافت نکرده‌اند در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش یافته است. همچنین قابل ذکر است که اندازه اثر این آزمون (در مرحله تعامل نمرات زمان و گروه) برابر با $۰/۷۶$ می‌باشد که نشان می‌دهد ۷۶ درصد از تغییرات به وجود آمده در نمرات افسردگی گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به دلیل کاربندی آزمایشی (آموزش خوش‌بینی) می‌باشد. در ضمن توان آزمون در نهایت خود یعنی $۱/۰۰$ می‌باشد.

جدول ۴. تحلیل کواریانس به منظور مقایسه میانگین نمرات اصلاح شده رضایت از زندگی دو گروه آزمایش و کنترل						
متغیر	میانگین	انحراف معیار	گروه کنترل		گروه آزمایش	
			میانگین	انحراف معیار	F (۱ و ۲۷)	سطح معناداری
رضایت از زندگی	۵/۲۴	۰/۸۵	۲۵/۸۲	۰/۸۵	۲۵۹/۰۸	۰/۰۰۱
					اندازه اثر	توان آزمون
						۰/۹۱
						۱/۰۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین نمرات اصلاح شده پس‌آزمون رضایت از زندگی بعد

از برداشتن اثر نمرات پیش‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل با یکدیگر تفاوت معنادار دارند ($p < 0.05$) $F(1, 27) = 259.08$ و میانگین نمرات گروه آزمایش به صورت معناداری کمتر از گروه کنترل بوده که این امر حاکی از تأثیر مثبت آموزش خوش‌بینی بر رضایت از زندگی بوده، در نتیجه فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید می‌شود. ضمن اینکه مقدار اندازه اثر برابر با 0.91 بوده که گویای آن است که 91 درصد از تفاوت مشاهده شده بین نمرات پس‌آزمون رضایت از زندگی دو گروه آزمایش و کنترل در نتیجه اعمال کاربندی آزمایشی آموزش خوش‌بینی می‌باشد. همچنین توان آزمون در نهایت خود یعنی $1/00$ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اهداف این پژوهش اثربخشی آموزش خوش‌بینی بر میزان افسردگی زنان در آستانه طلاق شهرستان قم بود. واقعیت این است که آشفتگی روابط با همسر یا شریک زندگی موجب اختلال کارکرد در حوزه‌های رفتاری، شناختی یا عاطفی می‌شود. نمونه‌های مشکلات رفتاری عبارتند از: مشکل در حل اختلافات، کناره‌گیری و درگیری مفرط. مشکلات شناختی ممکن است به شکل تعبیر مداوم منفی منظور همسر، یا نادیده گرفتن رفتارهای مثبت او باشد. مشکلات عاطفی عبارتند از: اندوه مزمن، بی‌احساسی و یا خشم از همسر. زنان در آستانه طلاق، با این قبیل بحران‌ها و تغییرات عمده در چرخه زندگی خود مواجه هستند و طبیعتاً این دوران، همراه با فشارهای روانی و آمادگی برای پذیرش آسیب‌های روانی از جمله، افسردگی و اضطراب است. آموزش خوش‌بینی در درجه اول پیشگیری از مشکلات است، در درجه دوم کمک به حل منطقی مشکلات، با توجه به شرایط حاد جدایی و فروپاشی نظام خانواده و آسیب‌های ناشی از آن، از جمله مشکلات در حضانت کودک و پرورش یافتن دور از نگاه مشترک والدین است. نتایج آزمون کواریانس نشان داد که بین آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در بین دو گروه آزمایش و کنترل، تفاوت معناداری وجود دارد و روند تغییر نمرات افسردگی از پیش‌آزمون به پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل، متفاوت است. از این نتیجه می‌توان استنباط کرد که آموزش خوش‌بینی منجر به کاهش نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش شده است، درحالی‌که نمرات افسردگی گروه کنترل که آموزشی را دریافت نکرده بودند، در پس‌آزمون، نسبت به پیش‌آزمون افزایش یافته بود. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های تراسی (۲۰۰۱)، جوزف و مرکولا (۲۰۰۲)، جعفر طباطبایی، احدی و خامسان (۱۳۹۲)، سجادی‌نژاد، عسگری، مولوی و ادیبی (۱۳۹۴)، که اثربخشی مداخلات مثبت‌نگر و

آموزش خوش‌بینی در کاهش میزان افسردگی را نشان داده‌اند، همسو است.

به‌طور کلی، افرادی که خوش‌بینی بالایی دارند و یا تحت آموزش‌های روان‌درمانی مثبت‌گرا قرار گرفته‌اند، در زمینه تعارضات، قادرند به طور عمیق و منطقی بیندیشند و احساسات و افکار خود را به شکل مناسب بیان کنند، بهتر می‌توانند خود را کنترل کنند و به خود انگیزه دهند. بنابراین، افرادی که خوش‌بینی بالا دارند، کمتر دچار افسردگی شده و پاسخ‌های سازشی بهتری در مواجهه با وقایع ناگوار زندگی از خود نشان می‌دهند و این همان ویژگی است که افراد برای داشتن توانمندی‌ها و فضیلت‌ها در زندگی به آن نیاز دارند. یکی از حیطه‌های خوش‌بینی، افکار مثبت است. افرادی که نسبت به احساسات خود اطمینان بیشتری دارند، بهتر می‌توانند زندگی خویش را هدایت کنند. به‌طور کلی، توانایی تنظیم هیجانات مختلف، همچون خشم، ناامیدی و افسردگی، از مؤلفه‌های خوش‌بینی می‌باشد که همه این عوامل، تأثیرگذاری جدی در خدمت به بهداشت روان محسوب می‌گردد. یکی از ویژگی‌های افراد با خوش‌بینی بالا، کنترل، به تأخیر انداختن یا از بین بردن تکانه‌ها یا همان فشارهایی است که مانع رسیدن به اهداف می‌شوند. آنهایی که خوش‌بینی بالا دارند، به ندرت نگرش و اهداف بلندمدت خود را رها می‌سازند. کنترل حالت روانی، برای هر فردی غیرممکن است، اما می‌تواند زمانی را که فرد در آن وضعیت روانی خوب یا بد قرار دارد، تحت کنترل داشته باشد. تعادل میان این دو حالت روانی، نحوه و سرنوشت زندگی را پایه‌گذاری می‌کند. افراد با خوش‌بینی بالا، قادرند از هر دو حالت روانی خویش (ثبات روانی، کاهش فشار روانی) در شرایط مناسب استفاده کنند. اگر این‌گونه افراد در مواجهه با فرد خاصی عصبانی شوند، یا بخواهند ابراز انزجار کنند، به راحتی می‌توانند شرایط را به سمت جنبه مثبت تغییر دهند. این افراد به جای تخلیه خشم، توجه خود را معطوف به خونسردی و حفظ آرامش می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند. این نوع توانایی برای کنترل و تغییر شرایط، موجب می‌شود از آثار زیانبار اضطراب و افسردگی ناشی از آن در امان باشند. نتایج به دست آمده درباره خوش‌بینی و افسردگی نشان‌دهنده این است که آگاه بودن از هیجانات و قادر بودن به مدیریت هیجانات خود، به طور عمومی می‌تواند منجر به آرامش و توانمندی کنترل شود. به نظر می‌آید که افرادی که بهتر قادرند افسردگی را مدیریت کنند، قادر به کاهش تأثیرگذاری هیجانات منفی و درماندگی آموخته شده هستند. این امر بر روی بهزیستی و شادی تأثیر داشته و خلق را مثبت‌تر و رفتارهای مثبت وی را شامل می‌شود.

از اهداف دیگر این پژوهش، اثربخشی آموزش خوش‌بینی بر میزان رضایت از زندگی زنان در آستانه

طلاق شهرستان قم بود. نتایج نشان داد که بین گروه آزمایش و گروه کنترل، تفاوت میانگین وجود دارد. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که آموزش خوش‌بینی در افزایش رضایت از زندگی مؤثر است. با توجه به معنادار شدن تفاوت میانگین‌ها بین گروه‌های آموزش و کنترل، بیان می‌کنیم که فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه آموزش خوش‌بینی در افزایش میزان رضایت از زندگی تأثیر مثبت دارد و تأیید می‌گردد. یافته‌های فوق در مورد اثربخشی آموزش خوش‌بینی بر رضایت از زندگی با نتایج پژوهش‌های لی، کهن، ادگار، آندریا و گوگنان (۲۰۰۶)، وجدانی، گلزاری و برجلی (۱۳۹۳)، پورسردار، پورسردار، پناهنده، سنگری و عبدی زین (۱۳۹۲) همخوانی دارد. آموختن اینکه پس از هر شکست، چگونه مسیر افکار خود را به سمت خوش‌بینی سوق دهیم، مهارتی دائمی به ما می‌دهد که بتوان بر افسردگی و ناامیدی غلبه نماییم. همچنین ما را یاری می‌کند که از سلامت بیشتری برخوردار باشیم. این مهارت در حل مشکلات، غلبه بر یأس و ناامیدی، بهبود بیماری‌ها، سلامت روانی و جسمانی انسان مؤثر است. وی بر این باور است که می‌توان خوش‌بینی را آموخت. سطح خوش‌بینی عمیقاً می‌تواند اتفاقی را که می‌خواهد رخ نماید، تغییر دهد. وی خوش‌بینی را ابزاری می‌داند که به فرد کمک نموده تا به اهداف از پیش تعیین شده خود برسد. زمانی که خوش‌بینی آموخته شده، با یک تعهد احیاء شده به عام، همراه شود، افسردگی فراگیر، یأس و پوچی به سراغ ما می‌آید (سلیگمن، ۱۹۹۸، ترجمه خدایی، ۱۳۸۶، ص ۴۴۱). پیترسن^۱ (۲۰۰۰) نیز بیان می‌کند که خوش‌بینی با خلق مثبت و اخلاق خوب رابطه دارد. خوش‌بینی با پشتکار، شهرت عمومی، موفقیت تحصیلی، ورزشی، نظامی، شغلی، سیاسی و خانوادگی، سلامت و حتی طول عمر و فقدان ضربه‌های عاطفی رابطه مثبت نشان داده شده است.

محدودیت‌های پژوهش: با توجه به اینکه پژوهش فقط در ارتباط با زنان در آستانه طلاق انجام شده است، تعمیم آن به همه زنان باید با احتیاط انجام گیرد. تمرکز بر روی یک دادگاه و مراکز خدمات روان‌شناختی و مشاوره خاص، محدودیت مهمی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. بدین‌جهت در تعمیم‌پذیری نتایج باید دقت و احتیاط شود. این پژوهش در استان قم انجام شده است و تعمیم آن به کل ایران باید با دقت انجام شود.

منابع

- اشرفی، حافظ اصغر؛ آسمند پریسا؛ موسوی مقدم، سیدرحمت الله و سایه میری، کوروش (۱۳۹۲)، «اثربخشی مثبت‌اندیشی در کاهش مشاجرات زناشویی دانشجویان متأهل»، فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره بیست‌وسوم، شماره ۱، ص ۴۹-۵۳.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۲۰۱۴)، راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM-5)، ترجمه هامایاک آوادیس یانس؛ حسن هاشمی میناباد و داوود عرب قهستانی (۱۳۹۴)، تهران: رشد.
- پروچاسکا، جیمز و نورکراس، جان، سی (۱۹۹۹)، نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه هامایاک آوادیس یانس (۱۳۹۱)، تهران: رشد.
- پسندیده، عباس و خالقی، محمدهادی (۱۳۸۴)، رضایت از زندگی، قم: دارالحديث.
- پورسردار، نوراله؛ پورسردار، فیض‌اله؛ پناهنده، عباس؛ سنگری، علی‌اکبر و عبدی زین، سهراب (۱۳۹۲)، «تأثیر خوش‌بینی (تفکر مثبت) بر سلامت روانی و رضایت از زندگی: یک مدل روان‌شناختی از بهزیستی»، حکیم، دوره شانزدهم، شماره ۱، ص ۴۲-۴۹.
- جعفر طباطبایی، تکت‌مسادات؛ احدی، حسن و خامسان، احمد (۱۳۹۲)، «تأثیر آموزش خوش‌بینی بر اضطراب و افسردگی دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند سال ۱۳۹۱»، مراقبت‌های نوین، دوره دهم، شماره ۱، ص ۳۴-۴۲.
- حسینی، رمضانعلی؛ احمدی، محمدرضا و میردریگوندی، رحیم (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین خوش‌بینی اسلامی، خوش‌بینی آموخته‌شده سلیگمن و امنیت روانی»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم، شماره ۴، ص ۷۵-۱۰۲.
- حمید، نجمه؛ بشلیده، کیومرث؛ عبدی بایگی، مجید و دهقانی‌زاده، زهرا (۱۳۹۰)، «بررسی اثربخشی روان‌درمانی شناختی رفتاری مذهب‌محور بر افسردگی زنان مطلقه»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، دوره اول، شماره ۱، ص ۵۴-۶۴.
- خسروشاهی، جعفر و هاشمی نصرت‌آبادی، تورج (۱۳۹۱)، «رابطه اضطراب اجتماعی، خوش‌بینی با بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان»، مجله پزشکی ارومیه، دوره بیست‌وسوم، شماره ۲، ص ۱۱۵-۱۲۲.
- خوشخرام، نجمه و گلزاری، محمود (۱۳۹۰)، «اثربخشی آموزشی افزایش عاطفه مثبت بر میزان رضایت زناشویی و سبک دلبستگی در دانشجویان متأهل»، نشریه مطالعات روان‌شناختی، دوره هفتم، شماره ۳، ص ۲۹-۴۴.
- دورکهم، امیل (۱۸۹۷)، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری (۱۳۸۹)، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سایت سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۴)، قابل دسترسی در: www.sabteahval.ir
- سجادی‌نژاد، مرضیه‌السادات؛ عسگری، کریم؛ مولوی، حسین و ادیبی، پیمان (۱۳۹۴)، «مقایسه اثربخشی مدیریت استرس شناختی - رفتاری، آموزش خوش‌بینی و درمان طبی بر علائم جسمی، استرس ادراک شده، ادراک بیماری و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به کولیت اولسراتیو»، مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، جلد ۱۸، شماره ۱۰، ص ۴۰-۵۴.
- سلیگمن، مارتین (۱۹۹۸)، خوش‌بینی آموخته شده، ترجمه قربانعلی خدایی (۱۳۸۶)، تهران: نشر چنار.
- سلیگمن، مارتین (۲۰۰۶)، خوش‌بینی آموخته شده، ترجمه فروزنده داورپناه و میترا محمدی (۱۳۹۱)، تهران: رشد.
- سلیمانیان، علی‌اکبر و فیروزآبادی، عباس (۱۳۹۰)، «اثربخشی روش تقضیل دورنماهای مثبت (EPOS) مبتنی بر کاهش تعارض اهداف بر رضایت از زندگی»، فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۵۷-۷۰.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۲)، آزمون‌های روان‌شناختی: ارزشیابی شخصیت و سلامت روان، تهران: بعثت.
- فروغی، مژگان (۱۳۸۹)، تأثیر آموزش کنترل خشم بر کاهش پرخاشگری نوجوانان دختر ۱۲ تا ۱۴ ساله مدرسه راهنمایی علوی‌نیا منطقه چهار شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- قهاری، شهربانو؛ بوالهری، جعفر (۱۳۹۳)، مشاوره طلاق، تهران: قطره.
- اللهیاری، عباسعلی (۱۳۷۶)، بررسی پرخاشگری نوجوانان بر حسب مؤلفه‌های شخصیت و بررسی رابطه بین این مؤلفه‌ها و سطح پرخاشگری با مؤلفه‌های پدران آنها و تأثیر روش تنبیدی‌زدایی بر پرخاشگری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مارنات، گری گراث (۲۰۰۹)، راهنمای سنجش روانی، ترجمه حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو (۱۳۹۲)، تهران: سخن.

مگیار- موئی جینیا ال (۲۰۰۹)، فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا، ترجمه فریده براتی سده (۱۳۹۱)، تهران: رشد.

می، رولو (۱۹۳۹)، هنر مشاوره، ترجمه خدیجه علوی و نادیا شاملو (۱۳۹۱)، تهران: نشر دانژه.

میرزآزاده، فاطمه؛ احمدی، خدابخش و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۹۱)، «تأثیر درمان هیجان‌مدار بر سازگاری پس از طلاق در زنان»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، دوره اول، شماره ۴، ص ۴۴۱-۴۶۰.

نظری طالقانی، شیدا (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های جرأت‌ورزی بر بهبود سازگاری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه چهار شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

وجدانی، سیمین؛ گلزاری، محمود و برجلی، احمد (۱۳۹۳)، «اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌گرا بر افسردگی و رضایت زناشویی زنان افسرده»، فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، دوره هشتم، شماره ۳۰، ص ۷-۲۲.

یانگ، جفری و کلوسکو، ژانت (۱۹۵۰)، زندگی خود را دوباره بازیابید، ترجمه حسن حمیدپور، الناز پیرمرادی و ناهید گلی‌زاده (۱۳۹۳)، تهران: ارجمند.

- American Psychiatric Association. (2013). [DNLN:Diagnostic and statistical manual of mental disorder. 5th ed. 2. Mental Disorders – diagnosis. WM 15].
- Diener, E., Emmons, R., Larsen, R. & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of Personality Assessment*. 1, 71-75.
- Lee, V., Cohen, S.R., Edgar, L., Andrea M.L. & Gagnon, A.J. (2006). Meaning-making intervention during breast or colorectal cancer treatment improves self-esteem, optimism, and self-efficacy. *Social Science & Medicine*. 62(12), 3133-3145.
- Lowe, G. A. & Gibson, R. C. (2005). Depression in adolescence: New developments. *West Indian Medical Journal*. 54, 387-391.
- Masoudi, R., Soleimani, M.A., Hasheminia, A.M. & Gorbani, M. (2010). The effect of family centered empowerment model on the quality of life in elderly people. *Journal of Qazvin University of Medical Sciences*. 1(14), 57-64.
- Peterson, C. (2000). The future of optimism. *American Psychologist*. 55, 44-55.
- Rashid, T. & Seligman, M.E.P. (2008). *Positive psychotherapy: A treatment manual*. New York: Oxford University Press, forthcoming.
- Seligman, M.E.P, Rashid, T. & Park, A.C. (2006). *Positive psychotherapy*. *American Psychologist* . 61(8), 774-88.
- Tracy, M. (2001). Effect of future writing and optimism on health behavioral medicine. *Journal of Social Psychology*. 43, 20-37.
- Van Voorhees, B.W., Fugel, J., Houston, T.K., Cooper L.A., Wang, N.Y., & Ford D.E. (2005). Beliefs and attitudes associated with the intention to not accept the diagnosis of depression among young adults. *Annals of Family Medicine*. 3(1), 38-46.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵، ص ۷۱ - ۸۴

ساخت آزمون اولیه صبر بر معصیت

Designing an Initial Test on Patience with Sins

حسین امیری / دانشجوی دکتری معارف گرایش اخلاق اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم
محمد رضا احمدی / دانشیار روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
رحیم میردريکوندی / استادیار روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Hussein Amiri / Ph.D. Student in Islamic Ethics, IMU.

amirihossein61@gmail.com

Muhammad Reza Ahmadi / Associate Professor of Psychology, IKI.

Rahim Mirdrikwandi / Assistant Professor of Psychology, IKI.

ABSTRACT

The present research aims at designing an initial test on patience with sins. In this research, in view of the parameters and signs identified in Quranic verses and traditions, a test with 44 items was designed. To discover the validity of the test content, Delphi Survey method was used; and to identify the primary reliability of the test, it was carried out on 106 subjects, and the reliability of the test was assessed through Cronbach's Alpha as well as Spearman and Guttman's split Coefficient. After carrying out the test, the internal consistency method was used (by calculating Spearman's Correlation) to discover the construct validity of the test. The content validity of the test was confirmed by 8 experts. After experimental execution of the test, the primary validity of the test obtained through Cronbach's Alpha was calculated

چکیده

هدف این پژوهش، ساخت آزمون اولیه صبر بر معصیت است. در این پژوهش، با توجه به مؤلفه‌ها و نشانه‌هایی که در میان آیات و روایات شناسایی شده‌اند، یک آزمون ۴۴ ماده‌ای ساخته شد. برای کشف روایی محتوا از روش پیمایشی دلفی استفاده شد و در نهایت برای تشخیص اعتبار اولیه، آزمون روی ۱۰۶ تن به طور آزمایشی اجرا و با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ، ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن و گاتمن، میزان اعتبار آن بررسی شد. پس از اجرای آزمون، برای کشف روایی سازه از روش همسانی درونی (با محاسبه همبستگی اسپیرمن) استفاده شد. روایی محتوای آزمون از تأیید ۸ نفر از کارشناسان به دست آمد. بعد از اجرای آزمایشی، اعتبار اولیه آزمون با توجه به میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۳، همبستگی دونیمه‌سازی ۰/۸۶، ضریب

to be 0.93, 0.93 through Spearman's split-half, and 0.92 through Guttman's split-half. To assess the construct validity of the test, the correlation of subscales with one another and with the whole scale, the correlation of each subscale with the total score, and the correlation of each item with the total score were calculated which then showed the desirable construct validity of the test.

KEYWORDS: Patience, Sins, Validity and Reliability, Initial Test, Islam.

دونیمه‌سازی اسپیرمن ۰/۹۳ و دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۹۲ محاسبه گردید. برای بررسی روایی سازه، همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با یکدیگر و با نمره کل مقیاس، همبستگی مؤلفه‌های هر خرده‌مقیاس با نمره کل و همبستگی هر گویه با نمره کل محاسبه شد که نتایج روایی سازه مطلوب در پرسش‌نامه را نشان داد.

کلیدواژه‌ها: صبر، معصیت، روایی و اعتبار، آزمون اولیه، اسلام.

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در مکتب اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، مفهوم «صبر» است. برای نمونه، در روایتی منقول از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيْمَانُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۹). این روایت به خوبی حاکی از اهمیت و ارزشمندی صبر در ثبات ایمان است؛ به‌طوری که اگر صبر نباشد، ایمان انسان در خطر نابودی قرار خواهد گرفت. به هر حال، صبر نقش بسزایی در سیر و سلوک و خودشکوفایی انسان دارد. با مجهز شدن به این ویژگی است که انسان می‌تواند دشواری‌های مسیر حق را تحمل نموده و در برابر انحرافات تاب آورد.

صبر در لغت به معنای «حبس» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۱۸۱) و امساک در تنگی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۴) آمده است. در تعریف اصطلاحی «مطلق صبر عبارت است از: مقاومت کردن نفس با هوی و هوس خود و ثبات قوه عاقله» (نراقی، ۱۳۸۴، ص ۷۹۱) و در تعریف نسبتاً مشابه دیگر نیز صبر به «ثبات انگیزه دین در مقابل انگیزه شهوت» تعریف شده است (شبر، ۱۳۸۲، ص ۳۵۹).

گاهی اوقات ممکن است معنای صبر با معنای خویش‌داری اخلاقی (تقوا) یا خودمهارگری روان‌شناختی خلط شود؛ ولی باید دانست که صبر به لحاظ مفهومی هر چند نوعی خویش‌داری است ولی کاملاً مترادف با تقوا یا خودمهارگری روان‌شناختی نیست. به عبارت دقیق‌تر، می‌توان گفت انسان هنگامی که مشغول خویش‌داری است یا سعی می‌کند تقوا پیشه کرده و نفس خود را از انحراف باز دارد، با دشواری‌ها و سختی‌هایی مواجه می‌شود، که تحمل این سختی‌ها و بی‌تاب نشدن، نیاز صبر دارد. به بیان دیگر، «صبر ناظر به خویش‌داری از جزع و بی‌تابی ناشی از دشواری مهار نفس است.

صبر در حقیقت نفس را از بی‌تاب شدن در مسیر سخت خویش‌ن‌داری و مجاهده نفس باز می‌دارد» (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹).

در روان‌شناسی معنای نزدیک به این را می‌توان مشاهده کرد از جمله، می‌توان به تعریفی که در مطالعه روان‌شناختی مهرابیان^۱ آمده است، اشاره نمود؛ ایشان صبر^۲ را به عنوان گرایش به متین بودن، پایدار بودن، خویش‌ن‌دار بودن و توانایی مواجهه با دشواری‌ها، تعریف کرده است. با این تعریف، صبر از مفاهیمی مثل به تأخیر انداختن پاداش، تکانش، و مسامحه‌کاری متمایز می‌شود (پیدمونت،^۳ ۲۰۰۷، ج ۱۸، ص ۱۸۱). اشنایتکر^۴ و امونس^۵ نیز صبر را مورد بررسی روان‌شناختی قرار داده‌اند. آنها مفهوم صبر را متمایز از دو مفهوم «تأخیر ارضا» یا «خودگردانی» می‌دانند، و طبق نظر آنها نمی‌توان این دو را معادل دقیقی برای صبر به حساب آورد (همان، ص ۱۸۲-۱۸۳).

طبق تعریف بلونت^۶ و جانسیک^۷ که صبر را مورد مطالعه روان‌شناختی قرار داده و الگویی برای آن معرفی کرده‌اند، صبر یک مفهوم چند بعدی است که شامل خودگردانی، مقابله و واکنش کریمانه در مقابل تأخیر می‌باشد (دادلی،^۸ ۲۰۰۳، ص ۷). تعریف دیگر از صبر را اُگدن^۹ در روان‌شناسی ارائه می‌کند؛ طبق تعریف ایشان صبر عبارت است از: مقاومت کردن در زیر فشار (اُگدن، ۲۰۰۷، ص ۱۸۸). به‌طور کلی با توجه به تعاریف گوناگونی که از متون روان‌شناختی نقل شد، می‌توان گفت: ۱. صبر نوعی مقاومت و تحمل دشواری است، البته در تعریف بلونت و جانسیک، متعلق صبر تأخیر می‌باشد؛ ولی به نظر می‌رسد که تحمل تأخیر نیز خودش نوعی موقعیت دشوار برای انسان باشد؛ ۲. صبر مترادف خودگرانی، خودمهارگری و تأخیر ارضا نیست.

با توجه به پیشینه مطالعات در متون اسلامی می‌توان گفت موضوع «صبر» از دیرباز مورد توجه علمای اخلاق بوده است. برای نمونه، در کتاب الاخلاق، مرحوم شبر با توجه به آیات و روایات سعی کرده است به طور مختصر چیستی، اقسام، فضیلت و بالاخره شیوه‌های تحصیل صبر را بیان نماید (شبر، ۱۳۸۲). مؤلف کتاب معراج السعاده (نراقی، ۱۳۸۴) نیز بحث مشابه اما نسبتاً مفصلی را در این زمینه مطرح می‌کند. مرحوم فیض کاشانی نیز در کتاب احوال السالکین به طور مختصر نکاتی در مورد رسیدن به مقام صبر بیان می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۲۶ق). به هر حال، بسیاری از علمای اسلامی تلاش کرده‌اند با رویکرد اخلاقی صبر را مورد بررسی قرار دهند. در طول سال‌های اخیر نیز مقالات متعددی در رابطه با مفهوم صبر و ضرورت آن به نگارش در آمده است.

به نظر می‌رسد یکی از مسائلی که کمتر به آن پرداخته شده است، بررسی صبر با رویکرد روان‌شناختی است. به این معنا که با توجه به آیات، روایات و متون دینی بدانیم روند شکل‌گیری صبر چگونه است؟ نشانه‌های افراد صبور چیست؟ صبر چه پیامدهایی دارد؟ آیا می‌توان میزان صبر افراد را سنجید؟ در صورت امکان سنجش، چه مقیاسی برای تشخیص صبر مفید است؟ هدفی که پژوهش حاضر دنبال می‌کند «ساخت آزمون اولیه صبر بر معصیت است. با ساخت این آزمون می‌توان گوشه‌ای از کمبودها را جبران نمود.

با مروری بر پژوهش‌ها، به تحقیقات اندکی در زمینه ساخت آزمون صبر می‌توان دست یافت. از جمله پژوهش‌هایی که به صورت تجربی ویژگی روان‌شناختی صبر را مورد بررسی قرار می‌دهد تحقیق مهراییان (۱۹۹۹) است. ایشان مقیاسی به نام جهت‌یابی منظم هدف دارد که مقیاس کوتاه چهار مؤلفه‌ای صبر، بخشی از آن مقیاس است (پیدمونت، ۲۰۰۷، ص ۱۸۱). پژوهش دیگر در این زمینه، توسط اشنایتکر و امونس صورت گرفته است. در این پژوهش، تلاش می‌شود تا از طریق ساخت مقیاس صبر و ارزیابی صبر، کمبود پژوهش راجع به صبر در روان‌شناسی مثبت و پژوهش‌های روان‌شناسی دین تا حدی جبران شود. لازم به ذکر است که اشنایتگر و امونس در تحقیق مورد نظر دنبال ساخت مقیاس و ارزیابی صبر در مقابل مجموعه معیارهای بودند که توسط پیترسن و سیلگمن (۲۰۰۴) جهت وارد کردن یک ویژگی در لیست توانمندی‌های منشی (شخصیتی) به دست آمده است (پیدمونت، ۲۰۰۷، ص ۱۸۲). مقیاس دو عاملی اشنایتکر و امونس برای اندازه‌گیری صبر ذاتی یا به عبارت دیگر، اندازه‌گیری میزان استعداد فرد در صبور بودن ساخته شده است. این مقیاس ده آیتمی، خودارزیابی فرد از صبر خویش و رفتار صبورانه‌اش و نیز باورهای فرد درباره اهمیت صبر را اندازه‌گیری می‌کند. مقیاس مورد نظر ویژگی‌های روان‌سنجی خوبی را نشان می‌دهد و دارای یک ساختار دو عاملی قوی و اعتبار بالایی است (همان، ص ۱۹۵). یکی دیگر از مقیاس‌ها، توسط دادلی ساخته شد. ایشان در طی دو مرحله مقیاس صبر را ساخت. در مرحله اول ۱۱۲ آیتم مشترک برای مقیاس فراهم کرد و در نهایت از بین آنها ۲۸ آیتم را برای مقیاس شش عاملی صبر انتخاب کرد. این مقیاس ۲۸ سؤالی، استعداد و آمادگی فرد برای تجربه صبر در موقعیت تأخیری را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. این مقیاس، یک نمره کلی از صبر و نیز نمره شش عامل صبر را (جداگانه) ارائه می‌دهد (دادلی، ۲۰۰۳، ص ۱۰۰). برای مدل شش عاملی صبر، اعتبار بالا در کل ($\alpha = 0.7993$) و اعتبار مناسب، برای تک‌تک عوامل ($\alpha = 0.5226 - 0.7334$) به دست آمد. پایایی زمانی، بالا بود ($I = 0.893$). روایی

همگرا نیز مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفت. عوامل این مقیاس عبارتند از: عقب انداختن، خلق باثبات، آرام بودن، ضرورت زمان، تحمل و محدودیت‌های صبر (همان، ص ii). پژوهش دیگری که در این رابطه می‌توان از آن نام برد، «مقیاس سنجش صبر برای نوجوانان» می‌باشد. این پژوهش، در ایران و با نگاه دینی انجام شده است. در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای حاوی ۴۸ عبارت در سه مقوله «صبر بر سختی»، «صبر بر طاعت» و «صبر بر گناه» تهیه و روایی و اعتبار آن را نیز بررسی شده است (حسین‌ثابت، ۱۳۸۷، ص ۷۳-۸۷).

همان‌گونه که در مقیاس‌های روان‌شناختی، صبر دارای ابعاد متعددی است، در منابع اسلامی نیز صبر اقسام متعددی دارد. در روایتی از پیامبر گرامی ﷺ می‌خوانیم: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۹۱). بررسی هر کدام از این اقسام به نوبه خود لازم و ضروری است اما مسئله‌ای که این پژوهش در صدد بررسی و تحلیل آن است، صبر در برابر معصیت است. معصیت- که ریشه آن واژه «عصى» است- به معنای خروج از اطاعت می‌باشد (راغب‌الصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷۰). در اصطلاح، معصیت یعنی مخالف امر از روی قصد (عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۱۷)؛ در نتیجه انجام معصیت خدا به معنای نافرمانی عمدی از خداست. در این پژوهش نیز منظور از صبر بر معصیت عبارت است از: «مهار نفس از بی‌تاب شدن در برابر دشواری‌هایی که بر اثر ترک گناه حاصل می‌شود». اهمیت صبر بر معصیت بسیار روشن‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد و با صراحت می‌توان گفت: اگر انسان صبر بر معصیت را در خود پرورش داده و در مقابل دشواری‌های ترک معصیت سر تسلیم فرود نیاورد، ریشه بسیاری از مشکلات و گناهان فردی و اجتماعی خشک می‌شود. طبیعتاً در چنین موقعیتی کمتر شاهد مسائلی از قبیل: انحرافات گوناگون جنسی، دروغ‌گویی، حقه‌بازی، دزدی، قتل، رباخواری، رشوه‌خواری و غیره خواهیم بود. از سوی دیگر، وقتی که انسان بتواند چنین صبری را در خود ایجاد کند، با سرعت بیشتر به سمت مقام قرب الهی حرکت خواهد کرد و در نتیجه به اوج خودشکوفایی‌اش نزدیک‌تر خواهد شد.

در حوزه اخلاق تألیفات و پژوهش‌های متعددی در مورد صبر صورت گرفته است. در حوزه روان‌شناختی هر چند تلاش‌هایی صورت گرفته است ولی به نظر می‌رسد این پژوهش‌ها نیاز به تکمیل و توسعه بیشتری دارند. از جمله اینکه در زمینه نظری لازم است روند شکل‌گیری صبر، تکنیک‌های ایجاد یا تقویت صبر (با توجه مبانی بر گرفته شده از متون دینی) و ... نیز تبیین و روشن شود. همین‌طور در ساخت مقیاس صبر بهتر است آزمونی ساخته شود اولاً، متمرکز بر یکی از اقسام

صبر بوده و با سؤالات بیشتر حیطه مورد نظر را بسنجد؛ ثانیاً، آزمون بتواند علاوه بر نشانگان، از ضعف و قوت عوامل صبر نیز ما را باخبر کند. طبیعتاً شناخت عوامل یا مکانیزم‌هایی که دچار اختلال شده‌اند، قدم بسیار مهمی در تجویز دقیق‌تر تکنیک‌های درمانی خواهد بود.

هدف اصلی این پژوهش، تدوین پرسش‌نامه صبر بر معصیت با استفاده از منابع اسلامی و کشف روایی محتوا^۱ است، که پس از تدوین آن به صورت آزمایشی اجرا شده و اعتبار^۲ اولیه نیز به دست آمده است. همچنین روایی سازه با استفاده از روش همسانی درونی^۳ نیز محاسبه شده است.

روش پژوهش

مبانی نظری آزمون با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوای گزارهای دینی در منابع اسلامی به دست آمده است. در ساخت آزمون برای کشف روایی محتوا از روش پیمایشی دلفی استفاده می‌گردد. در نهایت، برای تشخیص اعتبار اولیه، آزمون بر روی تعداد محدودی آزمودنی به طور آزمایشی اجرا و با استفاده از روش‌های آماری، میزان اعتبار و روایی سازه آن بررسی می‌شود.

جامعه آماری در این پژوهش، دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^۴، جامعه‌المصطفی (مجتمع امین)، جامعه‌الزهرا (سلام‌الله علیها) و همچنین مدیر و معلمان مدرسه دخترانه مجتمع امام جواد^۵ جنداب هستند. تعداد جامعه به صورت تقریبی، ۱۱۰۰۰ نفر می‌باشد. در ضمن این پژوهش، حجم نمونه که بر اساس نمونه در دسترس انتخاب گردید، ۱۰۶ نفر می‌باشد. در ضمن جهت نمونه‌گیری با مراجعه به مراکز مذکور افراد مورد نظر به طور اتفاقی انتخاب شده و مورد آزمون قرار گرفتند. لازم به ذکر است که روش اتفاقی یک روش غیرتصادفی است. «برای مطالعات مقدماتی و یا آزمایش ابرازهای ساخته شده و در روش‌های گردآوری داده‌های مقدماتی می‌توان از این روش استفاده کرد» (شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

شیوه اجرا: در مرحله اجرا، حدوداً ۱۲۰ فرم از این پرسش‌نامه توزیع شد. پس از جمع‌آوری، تعدادی از فرم‌ها به علت نقص زیاد در پاسخ‌گویی حذف گردید و در نهایت، تعداد پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده برای انجام کارهای آماری به ۱۰۶ عدد کاهش یافت. در بین این ۱۰۶ پرسش‌نامه، ۸۲ نفر به طور کامل به سؤالات پاسخ داده بودند و ۲۴ نفر از آزمودنی‌ها تعداد خیلی اندک از گویه‌ها را پاسخ نداده بودند. از این‌رو، از روش میانگین سری^۴ برای جای‌گزینی ارقام نامشخص یا مبهم استفاده گردد. بعد از اینکه اکثریت ارقام نامشخص با روش میانگین سری به ارقام مشخص تبدیل شدند، تعداد آزمودنی‌های کامل جهت محاسبات آماری از ۸۲ نفر، به ۱۰۰ نفر افزایش یافت و محاسبات آماری با توجه به آنها انجام گرفت.

ابزارهای پژوهش

در بخش نظری تحقیق ابتدا به مفهوم‌شناسی صبر پرداخته شد. در این قسمت با بررسی تعریف‌های لغوی، اصطلاحی و کاربردهای روایی، تلاش شد تا مفهوم روشن و جامعی برای صبر و صبر بر معصیت ارائه شود. بعد از ارائه تعریف منتخب، پیشینه تحقیق در منابع روان‌شناسی و اخلاقی مورد مطالعه قرار گرفت. در ادامه جهت تحلیل نظری صبر، با مراجعه به منابع اسلامی، آیات و روایات مرتبط استخراج و دسته‌بندی شدند. سپس با تحلیل آیات و روایات استخراج شده، روند شکل‌گیری صبر، نشانگان صبر و پیامد آن تبیین شد.

در مرحله نظری با توجه به مستندات دینی سه مؤلفه کلی (یا خرده‌مقیاس) تحت عنوان‌های عوامل، نشانگان، پیامد و سیزده زیرمؤلفه به دست آمده، و طبقه‌بندی شدند (ر.ک: جدول ۱). سپس با توجه به مؤلفه‌ها، ساخت پرسش‌نامه صبر بر معصیت در دستور کار قرار گرفت. در مرحله بعد با توجه به مستندات برای هر یک از مؤلفه‌ها گویه‌هایی طراحی شد.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شماره سؤالات			
نشانگان		عوامل	
پیامد			
حلم ۲۲ (-)، ۲۳، ۲۸	تواضع ۲۱، ۴۲، ۴۱	یقین ۱، ۳، ۲۴، ۲۵	
عفت ۲۳ (-)، ۲۵، ۲۹، ۳۵، ۴۴ (-)	آرامش قلبی ۷ (-)، ۸ (-)	حزم ۲، ۱۵، ۲۶، ۲۷	
	عدم ابراز غم و اندوه ۶ (-)، ۱۱ (-)، ۴۰ (-)	ترس ۱۶، ۱۷، ۳۱، ۳۲	
	عدم شکایت ۹، ۱۲ (-)، ۲۹ (-)	زهد ۱۰، ۱۳ (-)، ۳۶ (-)	
		انتظار مرگ ۱۹، ۲۰، ۴۳	

در ادامه مستندات، مؤلفه‌ها و گویه‌ها در قالب فرمی جهت ارزیابی کارشناسی آماده‌سازی شد. در بررسی روایی آزمون، محقق از روایی محتوا و روایی سازه استفاده کرده است. همچنین برای بررسی روایی محتوا، از ارزیابی ۸ تن از کارشناسان استفاده شد. این کارشناسان دارای تحصیلات حوزوی و روان‌شناسی هستند البته لازم به ذکر است، ارزیابی کارشناسی در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول، حدود ۵۰ گویه همراه با مؤلفه‌ها و مستندات به ۷ کارشناس داده شد. پس از ارزیابی کارشناسان با توجه به نظرات و پیشنهادها، برخی از گویه‌ها حذف یا اصلاح شد و به ۴۶ گویه کاهش یافت. در مرحله بعد، سؤالات تغییر یافته و به کارشناسان داده شد تا ارزیابی شود. لازم به ذکر است، در این مرحله تعداد کارشناسان ۸ نفر بودند. هر گویه که مورد تأیید اکثریت بود به عنوان گویه معتبر در پرسش‌نامه انتخاب شد. در ضمن از روش میانگین نمرات کارشناسان به گویه‌ها و ضریب تطابق

کندال نیز جهت کمی‌سازی روایی محتوا استفاده گردید.

برای بررسی روایی سازه روش‌های متعددی وجود دارد. محقق از روش همسانی درونی^۱ برای بررسی روایی سازه استفاده کرده است. در پژوهش حاضر همسانی درونی در سه مرحله صورت گرفت و نتایج هر سه مرحله، حاکی از روایی بالا در مقیاس بود. این سه مرحله عبارتند از:

- همبستگی بین گویه‌ها با نمره کل؛

- همبستگی بین زیرمؤلفه‌ها با خرده‌مقیاس مربوط به خود و با نمره کل مقیاس؛

- همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل و با یکدیگر.

در بررسی اعتبار (پایایی) آزمون، محقق پس از نمونه‌گیری و اجرای آزمایشی، از روش آلفای کرونباخ^۲، دو نیمه‌سازی گاتمن^۳ و دو نیمه‌سازی اسپیرمن براون^۴ جهت اعتبارسنجی استفاده کرده است. برای نمره‌گذاری پرسش‌نامه، باید به این نکته توجه داشت که سؤالات بر اساس پنج گزینه (از خیلی کم تا خیلی زیاد) درجه‌بندی شده‌اند. به گزینه‌هایی که آزمودنی انتخاب کرده است بر اساس این درجه‌بندی خیلی کم نمره ۱ تا خیلی زیاد نمره ۵ نمره تعلق می‌گیرد. البته در سؤالات معکوس نمره‌دهی معکوس می‌باشد. برای تشخیص اینکه آزمودنی در هر خرده‌مقیاس چه نمره‌ای کسب کرده است، می‌توان نمرات هر یک از خرده‌مقیاس‌ها را جداگانه محاسبه کرد. در جدول ۱ خرده‌مقیاس‌ها، زیرمؤلفه‌ها و شماره سؤالات ذکر شده است.

یافته‌های پژوهش

با تکیه بر منابع اسلامی، ۱۳ زیرمؤلفه (که تحت عناوین عوامل، نشانه‌ها و پیامد صبر هستند) برای پرسش‌نامه تبیین شد. عوامل عبارتند از: یقین، حزم، شوق، خوف، زهد و انتظار مرگ (امیری، ۱۳۹۱، ص ۵۰)؛ نشانه‌ها عبارتند از: عدم ضجر (عدم ابراز غم و اندوه)، شکایت نکردن، تواضع، آرامش قلبی و خسوع؛ پیامد نیز شامل حلم و عفت (عفت جنسی و عفت شکمی) می‌باشد (همان، ص ۶۵-۷۳).

با توجه به یافته‌های به دست آمده، ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه ارائه می‌شود:

بررسی روایی پرسش‌نامه: روایی محتوا: بعد از جمع‌آوری و نمره‌گذاری فرم‌ها (که توسط کارشناسان ارزیابی شده بود)، برای تفسیر و کمی‌سازی روایی محتوا از سه شیوه استفاده گردید. روش اول، تأیید اکثریت کارشناسان است که بر اساس آن از بین ۴۶ گویه، ۱۶ گویه مورد تأیید همه

1. internal consistency.

2. Cronbach's Alpha.

3. Guttman Split-half Coefficient

4. Spearman-brown (Split-half) Coefficient

کارشناسان ارزیاب، ۱۵ گویه مورد تأیید ۸۷/۵ درصد کارشناسان (۷ نفر)، ۱۴ گویه مورد تأیید ۷۵ درصد کارشناسان (۶ نفر) و یک گویه مورد تأیید ۶۲/۵ درصد آنها (۵ نفر) قرار گرفته است. روش دیگر جهت کمی سازی نتیجه، استفاده از میانگین بود. میانگین نمراتی که داوران به ارتباط ویژگی های استنباط شده با مستندات نقلی دادند، بر اساس نمره درصدی ۸۴ بود. روش سوم، استفاده از ضریب هماهنگی کندال است. در این پژوهش جهت محاسبه ضریب کندال، ۴۶ گویه توسط ۸ داور رتبه بندی شد. در اینجا هر داور به عنوان یک متغیر محسوب شده و میزان هماهنگی رتبه های هر داور در ۴۶ گویه محاسبه می شود. با توجه به محاسبه، ضریب کندال (W) ۰/۲۹۰ محاسبه گردید. برای تشخیص معنادار بودن آن از آزمون خی دو استفاده شد. مقدار خی دو (۲۸۱/۹۱) برای درجه آزادی ۷ در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است. پس فرض صفر (عدم هماهنگی) رد می شود. طبق این نتیجه می توان گفت بین مجموعه رتبه های هر داور، هماهنگی نسبی وجود دارد.

روایی سازه: برای تعیین روایی سازه روش های متعددی ذکر شده است، یکی از این روش ها همسانی درونی است (بیابانگرد، ۱۳۸۶، ص ۳۴۲).

در این پژوهش با توجه روش همسانی درونی، برای بررسی روایی سازه از محاسبه همبستگی (اسپیرمن) استفاده می گردد که نتایج آن در ادامه آمده است:

الف. بین گویه ها با نمره کل همبستگی متوسط تا قوی وجود دارد، حداقل این همبستگی برای گویه ۹ ($r=0/339$) و حداکثر آن برای گویه ۳۰ ($r=0/808$) به دست آمده است.

ب. همبستگی خرده مقیاس ها با نمره کل پرسش نامه: در این مرحله همبستگی هر یک از خرده مقیاس با نمره کل پرسش نامه محاسبه شد. نتایج نشان داد که بین هر کدام از خرده مقیاس ها با نمره کل، همبستگی مثبت و قوی (در دامنه بین $r=0/479$ تا $r=0/828$) وجود دارد.

بررسی اعتبار: برای به دست آوردن اعتبار اولیه (یعنی پایایی) آزمون، پرسش نامه ۴۶ سؤالی ساخته شده، به صورت آزمایشی بین ۱۰۶ آزمودنی اجرا شد. از بین این آزمودنی ها ۸۲ نفر به طور کامل به همه گویه ها پاسخ دادند و بر اساس آنها محاسبات آماری انجام گرفت. البته هنگام محاسبه، جهت افزایش اعتبار دو گویه حذف گردید و تعداد گویه ها به ۴۴ عدد کاهش یافت. در این مرحله نتایج نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ ۰/۹۳۳، دونیمه سازی اسپیرمن ۰/۹۴۱ و دونیمه سازی گاتمن ۰/۹۴۱ می باشد.

در مرحله بعد جهت افزایش تعداد پاسخ نامه ها در محاسبه میزان اعتبار (پایایی)، از روش میانگین سری برای جایگزینی ارقام نامشخص استفاده شد. بعد از مشخص شدن این ارقام و افزایش

آزمودنی‌های معتبر به ۱۰۰ نفر، بار دیگر محاسبات انجام گرفت. نتایج به دست آمده تفاوت قابل ملاحظه‌ای با نتایج قبلی نداشت. در این مرحله نتایج نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ ۰/۹۳۷، ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن براون ۰/۹۳۰ و دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۹۲۹ می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج آلفای کرونباخ

نتایج بعد از جای‌گزینی ارقام	نتایج قبل از جای‌گزینی ارقام	نامشخص	نامشخص
۰/۹۳۷	۰/۹۳۲		
۰/۸۶۳	۰/۸۶۰		
۰/۹۰۲	۰/۸۸۲		
۰/۹۲۲	۰/۸۸۲		
۰/۹۴۱	۰/۹۴۱		
۰/۹۳۰	۰/۹۴۱		
۰/۹۲۹	۰/۹۴۱		

آلفای کرونباخ کل مقیاس		
مقدار	نیمه اول	تعداد گویه‌ها
۰/۹۳۷	۰/۹۳۲	۲۲
مقدار	نیمه دوم	تعداد گویه‌ها
۰/۸۶۳	۰/۸۶۰	۲۲
همبستگی بین دو فرم		
برابری تعداد گویه‌ها	ضریب دونیمه‌سازی	عدم برابری تعداد گویه‌ها
۰/۹۳۰	۰/۹۳۰	۰/۹۳۰
ضریب دونیمه‌سازی گاتمن		
۰/۹۲۹	۰/۹۲۹	۰/۹۲۹

در ادامه طبق نتایج جدول ۳، برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها میزان آلفا محاسبه شد. آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس عوامل ۰/۹۱۱، در خرده‌مقیاس نشانگان ۰/۸۰۱ و در خرده‌مقیاس پیامد ۰/۸۰۰ می‌باشد.

جدول ۳. آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها

خرده‌مقیاس‌ها	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها
عوامل	۰/۹۱۱	۲۱
نشانگان	۰/۸۰۱	۱۴
پیامد	۰/۸۰۰	۹

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای بررسی روایی محتوا از ارزیابی ۸ کارشناس استفاده شد و تبیین کمی نتیجه، مبتنی بر تأیید اکثریت، میانگین نمرات و ضریب هماهنگی کندال بود. با توجه به تأیید اکثریت و همین‌طور نمره میانگین بالا (نمره ۸۴ درصدی) می‌توان گفت: به لحاظ محتوایی گویه‌های آزمون، معرف مؤلفه‌ها و ویژگی صبر بر معصیت است و آنها را می‌سنجد. طبیعتاً با توجه به اینکه گویه‌ها بر اساس عوامل پیامد و نشانه‌های صبر بر معصیت طراحی شده بودند انتظار می‌رود که بتوانند میزان صبر بر معصیت در فرد

آزمودنی بسنجد. در ضمن با توجه به اینکه فرض صفر (عدم هماهنگی) در ضریب هماهنگی کندال رد شد، می‌توان گفت بین مجموعه رتبه‌های هر داور هماهنگی نسبی وجود دارد. از سوی دیگر، چون میانگین نمرات هر داور بالا بوده و بین مجموعه رتبه‌های هر داور نیز هماهنگی نسبی وجود دارد، می‌توان گفت که نمرات داوران در تأیید پرسش‌نامه از پراکندگی بسیار کمی برخوردار است. به عبارت دیگر، نمرات هر داور به صورت نسبتاً هماهنگ پرسش‌نامه را تأیید می‌کند. در مجموع با توجه به این سه روش می‌توان گفت که پرسش‌نامه دارایی روایی محتوا می‌باشد.

روایی سازه: در این پژوهش با توجه به روش همسانی درونی، در سه مرحله همبستگی‌هایی صورت گرفت و گزارش آن در جداول ۲، ۳ و ۴ ارائه شد. نتایج نشان می‌دهد که در هر سه مرحله همبستگی بالایی وجود دارد. همبستگی بالا نیز حاکی از همسانی درونی بالا در پرسش‌نامه است. این نتایج حاکی از این است که روایی سازه در حد بسیار مطلوب می‌باشد و با توجه به همبستگی‌های صورت گرفته در هر سه مرحله می‌توان گفت: همه گویه‌ها یا زیرمؤلفه‌ها و یا خرده‌مقیاس‌ها بر روی هم ویژگی صبر بر معصیت را اندازه‌گیری می‌کنند. «در واقع، همسانی درونی بالا از این فرض که آزمون، سازه یا صفت خاصی را اندازه‌گیری می‌کند، حمایت می‌کند» (پرنده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۴۱). به بیان دیگر، همسانی درونی بالا از این فرض حمایت می‌کند که گویه‌ها در جهت اندازه‌گیری سازه یا صفت خاصی هستند.

اعتبار: در این پژوهش برای بررسی اعتبار از روش آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی استفاده شد. در نهایت، پرسش‌نامه با کسب آلفای کرونباخ به مقدار 0.937 ، ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن براون به مقدار 0.930 و دونیمه‌سازی گاتمن به مقدار 0.929 توانست اعتبار بالایی را کسب کند (جداول ۵ و ۶). همچنین محاسبه آلفای کرونباخ برای تک‌تک خرده‌مقیاس‌ها نشان می‌دهد که هر یک از آنها به عنوان یک خرده‌مقیاس دارای اعتبار مطلوبی است.

پیشنهادهات: آزمون بر روی جامعه وسیع‌تر، نمونه‌های بیشتر و گروه‌های متفاوت اجرا گردد. با افزایش تعداد آزمودنی‌ها، بهتر می‌توان تحلیل عاملی انجام داد و روایی سازه را به دست آورد. در ضمن با اجرای آن در گروه‌های مختلف جمعیتی می‌توان از شیوه بررسی تفاوت‌های گروهی نیز در بررسی روایی سازه استفاده نمود. پیشنهاد دیگر اینکه برای سایر اقسام صبر نیز آزمون مستقل ساخته شود.

منابع

- ایزدی طه، احمد؛ برجلی، احمد؛ دلاور، علی و اسکندری، حسین (۱۳۸۹)، «مبانی نظری و کاردهای روانی اجتماعی صبر»، مجله مصباح، تعلیم و تربیت اسلامی، سال هفدهم، شماره ۷۸، ص ۱۰۳-۱۳۰.
- امیری، حسین (۱۳۹۱)، تحلیل روان‌شناختی صبر بر معصیت و ساخت آزمون اولیه آن با تکیه بر منابع اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. *
- بیانگرد، اسماعیل (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر دوران.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۸)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: سمت.
- پرنده، اکرم و خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۸۸)، ارزیابی و آزمون‌گری روان‌شناختی، تهران: دانشگاه تهران.
- حسین‌ثابت، فریده (۱۳۸۷)، «مقیاس سنجش صبر برای نوجوانان»، روان‌شناسی و دین، سال اول، شماره ۴، ص ۷۳-۸۷.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.
- شیر، سیدعبدالله (بی‌تا)، الاخلاق، ترجمه محمدرضا جباران (۱۳۸۲)، قم: هجرت.
- شریعتمداری، مهدی (۱۳۸۸)، تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری. تهران: کوهسار.
- فیض کاشانی، محمدبن‌شاه مرتضی (۱۴۲۶ق)، احوال السالکین، بیروت: دارالمحجّه‌البیضاء.
- عبدالرحمان، محمود (بی‌تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقہیة، بی‌جا.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی. تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نراقی، احمد (۱۳۸۴)، معراج السعاده. قم: هجرت.
- نوری، نجیب‌الله (۱۳۸۷)، «بررسی پایه‌های روان‌شناختی و نشانگان صبر در قرآن»، روان‌شناسی و دین، سال اول، شماره ۴، ص ۱۴۳-۱۶۸.
- Vohs, Kathleen D.& Baumeister, Roy F.(2011). Handbook of Self-Regulation. Second Edition: Research, Theory, and Applications, New York: The Guilford Press.
- Dudley, Kenneth C. (2003) Empirical Development of a Scale of Patience. Morgantown, West Virginia, (Dissertation submitted to the College of Human Resources and Education at West Virginia University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Counseling Psychology).
- Piedmont, Ralph L. (2007). Research in the Social Scientific Study of Religion. 18. LEIDEN•BOSTON: Loyola College, Maryland, BRILL.
- Ogden, Alan W. (2007). Highway to Hope, The United States America: xulon press.

باسمه تعالی

کامل موقع	موقع	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	س.۱
					۱ به وجود خداوند یقین قلبی دارم.
					۲ همواره سعی می‌کنم با اندیشیدن به عاقبت گناه، در برابر وسوسه‌ها مقاومت کرده و بی‌تابی نکنم.
					۳ به بهشت و نعمت‌های آن یقین قلبی دارم.
					۴ من همواره از خوردن غذای حرام خودداری می‌کنم.
					۵ هنگامی که دچار تحریک جنسی (از قبیل تحریک به زنا، چشم‌چرانی، لواط و...) می‌شوم، خود را کنترل کرده و دست به گناه نمی‌زنم.
					۶ از اینکه ناچارم به طور مستمر در برابر لذت‌های حرام ایستادگی کنم، احساس خستگی و ملالت می‌کنم (-).
					۷ هنگامی که ناچارم به خاطر حفظ ایمان، دشواری ترک گناه را تحمل کنم، دچار فشار روانی می‌شوم (-).
					۸ سختی‌هایی که خویش‌داری از گناه دارد، باعث تلاطم درونی من می‌شود (-).
					۹ من از خداوند به خاطر اینکه از گناهان بر حذر داشته است، شکایتی نمی‌کنم.
					۱۰ نسبت به انجام حرام آن قدر بی‌میل هستم که به راحتی می‌توانم در برابر انگیزه‌های گناه ایستادگی کنم.
					۱۱ هنگامی که ناچارم در برابر انگیزه‌های گناه به طور مستمر ایستادگی کنم، با گفتار ناراحتی خود را ابراز می‌کنم (-).
					۱۲ گاهی اوقات تحمل دشواری‌های ترک گناه آنچنان برابرم سخت می‌شود که لب به شکوه باز می‌کنم (-).
					۱۳ رغبت زیادی به انجام کارهای حرام دارم (-).
					۱۴ آنچنان میل به کسب رضایت الهی دارم که به راحتی می‌توانم در برابر لذت‌های حرام مقاومت کرده و بی‌تابی نکنم.
					۱۵ تفکر به عاقبت گناه، باعث می‌شود تا ایستادگی خود در مقابل لذت‌های حرام را حفظ کنم.
					۱۶ ترس از عذاب‌های اخروی باعث می‌شود سختی‌های ترک گناه را تحمل کرده و بی‌تابی نکنم.
					۱۷ آنچنان از عذاب‌های اخروی می‌ترسم که تحمل سختی‌های ترک گناه را برابرم آسان می‌کند.
					۱۸ همواره به عظمت خداوند توجه داشته و قلبم تحت تأثیر اوست.
					۱۹ یاد مرگ و انتظار آن، باعث شده است تا به جای کارهای بد به کارهای خیر روی آورم.
					۲۰ چون هر آن امکان می‌دهم که لحظه مرگ فرا رسد ترجیح می‌دهم در برابر انگیزه‌های گناه مقاومت کرده و پایدار بمانم.
					۲۱ سعی می‌کنم دیگران را به دیده تحقیر نگاه نکنم.
					۲۲ معمولاً هنگام خشم دست به رفتارهای گناه‌آلود می‌زنم (-).
					۲۳ در ترک گناهانی که مربوط به امور جنسی است، ناتوان هستم (-).

					۲۴	به وجود جهنم و عذاب‌های آن یقین دارم.
					۲۵	به حسابرسی بعد از مرگ اعتقاد دارم.
					۲۶	بیشتر از اینکه به لذت گناه فکر کنم به پشیمانی بعد از آن می‌اندیشم.
					۲۷	ترجیح می‌دهم دوری از گناه را تحمل کنم تا به عاقبت تلخ آن دچار نشوم.
					۲۸	شوق به بهشت و پاداش‌های اخروی باعث می‌شود دشواری‌هایی را که در ترک گناه هست، تحمل کرده و بی‌تابی نکنم.
					۲۹	هنگامی که به خاطر شرع موظفم تا از یک کار مورد علاقه دوری کنم، ابراز نارضایتی می‌کنم (-).
					۳۰	عاقبت خوشایندی که ترک گناه دارد، باعث می‌شود به طور مستمر در برابر انگیزه‌های حرام ایستادگی کنم و بی‌تاب نشوم.
					۳۱	ترجیح می‌دهم در برابر انگیزه‌های گناه ایستادگی کنم تا دچار عاقبت دردناک انجام آن نشوم.
					۳۲	سختی خوشتن‌داری از گناه را می‌توانم تحمل کنم؛ چون طاققت آتش جهنم را ندارم.
					۳۳	هنگام خشم ناسزاگویی نمی‌کنم.
					۳۴	در موقعیت‌های گناه همواره به این مسئله توجه دارم که مقهور خداوند هستم و احساس تسلیم و کوچکی در برابر او می‌کنم.
					۳۵	در گوش کردن به صداها تحریک‌کننده، در چارچوب شرع عمل می‌کنم.
					۳۶	آنچنان میل به حرام دارم که نمی‌توانم در برابر آن مقاومت کنم و بی‌تاب نشوم (-).
					۳۷	گاهی اوقات باحالت ناراحتی می‌گویم؛ خدا یا ترک گناه برایم سخت است ای کاش ممنوع نبود (-).
					۳۸	در برابر خطای دیگران ترجیح می‌دهم به جای انتقام، رفتار بردبارانه‌ای داشته باشم.
					۳۹	در نگاه کردن به صحنه‌های تحریک‌کننده، در چارچوب شرع عمل می‌کنم.
					۴۰	هنگامی که به خاطر شرع موظفم تا از کار مورد علاقه ام دوری کنم، آثار اندوه در چهره‌ام آشکار می‌شود (-).
					۴۱	من خود را بالاتر از دیگران قلمداد نمی‌کنم.
					۴۲	من اطرافیان خود را محترم و دارای مهارت‌های ویژه خود می‌دانم.
					۴۳	به گونه‌ای زندگی می‌کنم که اگر مرگم به طور ناگهانی فرا رسد، نگران اعمالم نباشم.
					۴۴	برایم فرقی نمی‌کند که آن چه می‌خورم حرام باشد یا نباشد (-).

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵، ص ۸۵ - ۹۷

نقش میانجی صفت حرص در رابطه بین صفات تکبر و حسادت

The Mediatory Role of Greed in the Relationship between Pride and Envy

حسین رضائیان / کارشناس ارشد روان شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
سیدعباس ساطوریان / دانشجوی دکتری روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
عباس علی هراتیان / دانشجوی دکتری روان شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
سیدمهدی حسینی مطلق / دانشجوی دکتری شیعه شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب

Hussein Reza'iyān / MA of Psychology, IKI.

h.rezaeiyan60@gmail.com

Sayid Abbas Satriyān / PhD Student of Psychology, IKI.

Abbas Ali Haratian / PhD Student of Psychology, RIHU.

Sayid Mahdi Hussein Motlagh / PhD Student of Shia Studies, URD.

ABSTRACT

The present research aims at compiling the model of relationship between pride, greed and envy. The research is of correlation type and was conducted on a sample population composed of 384 students in Khomein University, selected through multi-stage random sampling. The Islamic scales of greed/contentment and pride/ humility and the revised version of envy scale were used for gathering data, and the data were analyzed through Sobel test and path analysis. The indexes show the desirable fitness of the suggested model and

چکیده

هدف این پژوهش، تدوین مدل روابط میان تکبر، حرص و حسادت است. این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است و حجم نمونه آن ۳۸۴ نفر از دانشجویان دانشگاه خمین می باشد که به روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله ای انتخاب شدند. از مقیاس های اسلامی حرص - قناعت، تکبر - تواضع و نسخه تجدیدنظر شده حسادت برای جمع آوری داده ها استفاده شد که با استفاده از روش تحلیل مسیر و آزمون سوبل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. شاخص ها نشان از برازش

support the mediatory role of greed in the relationship between pride and envy. The findings show that arrogance is the source of many negative feelings and characteristics including greed. It is necessary, thus, to pay more attention to the foundations, relations and mechanism of such moral characteristics.

KEYWORDS: Mediatory Role, Pride, Greed, Envy, Moral Characteristic.

مطلوب مدل ارائه شده و تأیید نقش میانجی حرص در رابطه بین کبر و حسادت دارد. نتایج نشان داد که صفت تکبر، ریشه بسیاری از احساس‌ها و صفات منفی از جمله حسادت خواهد بود که جا دارد به زیربناها، روابط و مکانیزم عمل این قبیل صفات اخلاقی بیشتر توجه شود.

کلیدواژه‌ها: نقش میانجی، تکبر، حرص، حسادت، صفت اخلاقی.

مقدمه

در سال‌ها اخیر، روان‌شناسی اخلاق^۱ و رویکرد روان‌شناسی مثبت^۲، عهده‌دار تحقیق در زمینه اخلاق شده‌اند و دستاوردهایی نیز حاصل شده است. اما این تلاش‌ها اغلب معطوف به برخی ویژگی‌های مثبت اخلاقی (فضائل) بوده و ویژگی‌های منفی اخلاقی (رذائل)، هنوز جایگاه مناسب خود را در روان‌شناسی نیافته‌اند (هراتیان، آگاه‌هریس، محمدی و شمسی‌نژاد، ۱۳۹۳). حال آنکه مباحث اخلاقی، از مهم‌ترین خاستگاه‌های پژوهش‌های روان‌شناختی در اسلام است. در این میان، ویژگی‌هایی که موجب اختلال در کارکرد فردی و اجتماعی می‌شوند و گاه حتی سلامت جسمی و روانی فرد را به خطر می‌اندازند (رذائل اخلاقی) و ویژگی‌هایی که موجب ارتقا سطح سلامت روانی و جسمی شده و سازگاری اجتماعی فرد را تقویت خواهد نمود (فضایل اخلاقی)، اهمیت ویژه‌ای دارند. از جمله آنها می‌توان از «تکبر»^۳، «حرص»^۴ و «حسادت»^۵ نام برد.

در آیات و روایات، منابع اخلاقی و تاریخی به موضوع تکبر، حرص و حسادت بسیار توجه شده است. تکبر، نخستین صفت از صفات رذیله، که در داستان انبیاء و آغاز خلقت انسان به چشم می‌خورد. برخی از علمای اخلاق معتقدند: ریشه همه رذائل اخلاقی و همه بدبختی‌ها و صفات زشت انسانی، تکبر و استکبار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲). اساس تکبر این است که انسان از اینکه خود را برتر از دیگری ببیند، احساس آرامش کند. بنابراین، تکبر از سه عنصر تشکیل می‌شود: نخست، برای خود مقامی قائل شود؛ دیگر اینکه، برای دیگری نیز مقامی قائل شود و در مرحله سوم، مقام خود را برتر از او ببیند و احساس خوشحالی و آرامش کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲).

1. moral psychology.

2. positive psychology.

3. pride.

4. greed.

5. envy.

از جمله ردائیل زیربنایی که در داستان انبیاء و آغاز خلقت انسان به عنوان سومین رذیله اصلی به چشم می‌خورد، حسادت است (قمی، ۱۴۱۶ق، ذیل الکبر) و در قول معصومین علیهم‌السلام حسادت، یکی از ریشه‌های کفر،^۱ سرچشمه ردائیل^۲ و انگیزه‌ای برای غرق شدن در گناهان^۳ برشمرده شده است. حسادت مفهومی است که تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرد و اغلب مردم آن را تجربه کرده‌اند (شاک،^۴ ۱۹۶۹ و اسمیت،^۵ پرت،^۶ دینر،^۷ هیل^۸ و کیم،^۹ ۱۹۹۹). معانی متفاوتی برای این کلمه ذکر شده است از جمله، بد خواستن، رشک، رشک بردن، حسد ورزیدن، بدخواهی، رشگی (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، ۱۳۸۸؛ عمید، ۱۳۹۱). فیومی می‌گوید: حسادت به معنای ناخشنودی هنگام دیدن نعمت دیگران است و آرزوی زوال آن (فیومی، ۱۹۸۷، ذیل الحسد). در آیات و روایات، منابع اخلاقی و تاریخی نیز به موضوع حسادت بسیار توجه شده است. طبق برخی از آیات و روایات، فرد حسود به لحاظ هیجانی دچار آسیب‌هایی در گذشته بوده است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶؛ ابن‌ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰) و باورهای اشتباهی در ارتباط با خداوند، خود، دیگران و ماهیت دنیا دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲؛ اعراف: ۱۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵؛ اعراف: ۶۳).

حرص، بعد از تکبر دومین رذیله‌ای است که در متون دینی به عنوان رذیله زیربنایی به آن اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸؛ قمی، ۱۴۱۶ق). نراقی (۱۳۸۷)، در تبیین اصطلاح حرص می‌گوید: «حالت و صفتی است نفسانی که آدمی را بر گرد آوردن آنچه بدان نیاز ندارد برمی‌انگیزد بی‌آنکه به حد و مقدار معینی اکتفا کند و آن نیرومندترین شاخه‌های دوستی دنیا و مشهورترین انواع آن است». در کتاب‌های اخلاقی از جمله نراقی (۱۳۸۷)، و غزالی (۱۳۶۸)، حرص در برابر قناعت قرار گرفته شده است.

پژوهش‌های بسیاری از جمله پارگامنت،^{۱۰} کنل،^{۱۱} هاتاوی،^{۱۲} گریونگود،^{۱۳} نیومن^{۱۴} و جونز^{۱۵} (۱۹۸۸)؛ پراپست،^{۱۶} اوستروم،^{۱۷} واتکینز،^{۱۸} دین^{۱۹} و ماشبورن^{۲۰} (۱۹۹۲)؛ پیکوک^{۲۱} و پالوما^{۲۲} (۱۹۹۹)، مالتبی،^{۲۳} لويس^{۲۴} و دی^{۲۵} (۱۹۹۹)، هیل^{۲۶} و پارگامنت (۲۰۰۳)، ویلیامز^{۲۷} (۲۰۱۰)، سرگلزایی، بهدانی و قربانی

۱. عن صادق: «أصول الكفر ثلاثه: الحِرْصُ وَالْإِسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸۹).

۲. عن علی: «رأس الرذائل الحسد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۳).

۳. عن علی: «الحِرْصُ وَالْکِبْرُ وَالْحَسَدُ ذَوَاعٌ إِلَى التَّفَحُّمِ فِي الذُّنُوبِ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۱).

4. Schoeck, H.

5. Smith, R. H.

6. Parrot, W. G.

7. Diener, E.

8. Hoyle, R. H.

9. Kim, S. H.

10. Pargament, K. I.

11. Kennell, J.

12. Hathaway, W.

13. Grevengoed, N.

14. Newman, J.

15. Jones, W.

16. Propst, L. R.

17. Ostrom, R.

18. Watkins, P.

19. Dean, T.

20. Mashburn, D.

21. Peacock, J. R.

22. Poloma, M. M.

23. Maltby, J.

24. Lewis, C. A.

25. Day, L.

26. Hill, P. C.

27. Williams, A.

(۱۳۸۲)، بهرامی‌احسان و تاشک (۱۳۸۳)، بیانی، گودرزی، بیانی و کوچکی (۱۳۸۷)، تیرایی (۱۳۸۷)، گل‌پرور و خاکسار (۱۳۸۸)، نورعلیزاده میانجی و جان‌بزرگی (۱۳۸۹)، احمدی، شیخ و سرابندی (۱۳۹۱) و یگانه و حسین‌خانزاده (۱۳۹۲) آثار روان‌شناختی فراوانی را در خصوص سازه‌های دین‌شناختی و معنوی، صفات اخلاقی، مناسک و فعالیت‌های مذهبی نشان داده‌اند.

حسادت، در مباحث روان‌شناختی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس «راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی»^۱ (۱۳۸۱)، یکی از معیارهای تشخیصی اختلال شخصیت خودشیفتگی^۲ این است که فرد، اغلب به دیگران حسادت می‌ورزد یا اعتقاد دارد که دیگران به او حسادت می‌کنند (زلاتان کریزان^۳ و جوهر،^۴ ۲۰۱۲). از نگاه اسمیت، پرت، اوزر^۵ و مونیز^۶ (۱۹۹۴)، حسادت دو بخش اصلی دارد: خصومت و اندوه. خصومت با خواسته‌ای نادرست و خشم حاصل از باور ذهنی بی‌عدالتی همراه است، و اندوه با احساس حقارت حاصل از مقایسه ناکارآمد اجتماعی (میلفانت^۷ و گوویا^۸، ۲۰۰۹).

رائول^۹ (۱۹۷۱) بین Jealousy و Envy تمایز قائل شده است؛ بدین ترتیب که فرد در Jealousy به حفظ آنچه دارد، گرایش دارد و در Envy فرد به دنبال چیزی است که ندارد. به نظر تسر^{۱۰} (۱۹۹۱) و اسمیت و کیم (۲۰۰۷) حسادت در مرحله اول ناشی از مقایسه اجتماعی با فردی بالادست خواهد بود که به‌طور کلی مشابه او است، به استثنای ویژگی بارزی که مورد حسادت واقع شده است؛ در مرحله دوم، ناشی از ماهیت برتری‌جویی فرد حسود است که به دلیل وابستگی به محیط، دچار تحریک قوی احساس‌ها می‌شود. داشته‌های چنین افرادی تحت‌الشعاع داشته‌های دیگران قرار گرفته و دیده نمی‌شود، زیرا استانداردهای قضاوت آنها نسبت به «چه هستیم» اغلب حاصل ارزش‌های درون‌زاد^{۱۱} نیست بلکه برونی و حاصل مقایسه‌های خارجی است (کانت^{۱۲}، ۱۹۹۴).

امام سجاد^ع فرمودند: «گناهان، سرچشمه‌هایی دارند، اولین سرچشمه گناه و معصیت پروردگار، تکبر است که گناه ابلیس بود و به خاطر آن از انجام فرمان خدا امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد، سپس حرص بود که سرچشمه گناه [به معنای ترک اولی] از ناحیه آدم و حوا^ع شد»^{۱۳}. با توجه

1. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM).

2. narcissism.

3. Zlatan Krizan, Z.

4. Johar, O.

5. Ozer, D.

6. Moniz, A.

7. Milfont, T. L.

8. Gouveia, V. V.

9. Rawls, J.

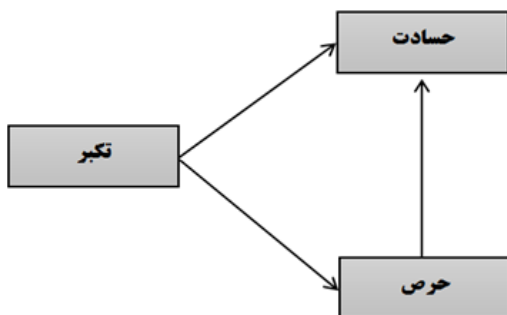
10. Tesser, A.

11. intrinsic.

12. Kant, I.

۱۳. «وَلِلْمَعَاصِي شُعْبٌ فَأُولَٰئِكَ مَا عَصَى اللَّهُ بِهِ الْكَبِيرُ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ثُمَّ الْجَرِصُ وَهِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَحَوَّاءَ عَ حِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُمَا فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ لَهُمَا إِلَيْهِ فَدْخَلَ ذَلِكَ عَلَىٰ ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَذَلِكَ أَنَّ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ ثُمَّ الْحَسَدُ وَهِيَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ قَتْلَهُ (قصی، ۱۴۱۶ق، ذیل الکبر، ص ۴۰۰ و ۴۰۱).

به فقدان پژوهش‌هایی که به تبیین ارتباط میان این صفات بپردازد و با توجه به تولید سنجۀ معتبر ردّائل زیربنایی تکبر، حرص و حسادت، این پژوهش در صدد است با مطالعه این سه متغیر و استفاده از روش تحلیل مسیر به این سؤال پاسخ دهد که آیا تکبر به طور مستقیم بر حسادت تأثیر می‌گذارد یا اینکه به طور غیرمستقیم و از طریق حرص بر حسادت اثر دارد؟ به عبارت دیگر، مسئلۀ اصلی در این پژوهش، این است که آیا مدل پیشنهادی (شکل ۱) مربوط به اثرمستقیم و غیرمستقیم تکبر بر حسادت از برآزش مناسبی برخوردار است یا خیر؟



شکل ۱. مدل مفهومی نقش میانجی حرص در رابطه بین تکبر و حسادت

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است که با هدف مدل‌یابی و به شیوه تحلیل مسیر انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش، تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بودند (۱۱۰۰ نفر). بر اساس روش کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) حجم مناسب نمونه برای چنین جامعه‌ای ۲۸۵ آزمودنی در نظر گرفته شده است؛ اما با توجه به نوع پژوهش (تحلیل مسیر) و به جهت اطمینان بیشتر، از بین جامعه مذکور تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای دستیابی به نمونه، ابتدا سه دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از بین رشته‌های گوناگون در این دانشکده‌ها ۵ رشته انتخاب و در نهایت، از بین کلاس‌های مربوط به این رشته‌ها ۵ کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید. اجرا به صورت گروهی در کلاس‌های درس انجام شد. برای گردآوری داده‌ها، پس از توضیح مختصر در مورد هدف پژوهش، هر سه ابزار پژوهش به طور همزمان در اختیار اعضای گروه نمونه قرار گرفت و تکمیل پرسش‌نامه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه طول کشید. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری LISREL، R و SPSS انجام شد.

ابزار پژوهش

الف. **مقیاس اسلامی تکبر - تواضع (ISPH)**^۱: مقیاس اسلامی تکبر - تواضع بر اساس قرآن کریم و روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ و برای سنجش رذیله اخلاقی تکبر و فضیلت اخلاقی تواضع، توسط هراتیان، آگاه هریس و موسوی (۱۳۹۲) ساخته شده است. چهار عامل مربوط به تکبر در این پرسش‌نامه ۲۳ گویه‌ای، از این قرار است: ۱. عدم پذیرش دیگران؛ ۲. ضعف هیجان و معرفت دینی؛ ۳. احساس حقارت؛ ۴. نیاز به تأیید اجتماعی. پاسخ‌نامه، دارای یک طیف ۴ گزینه‌ای («کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم») است. بررسی روایی مقیاس، با روش‌های روایی محتوا (نظر کارشناسان) میزان ۹۴/۳۸ درصدی موافقت کارشناسان و معناداری ضریب تطابق کدال، قوت روایی محتوای مقیاس را نشان می‌دهد. ضریب بازآزمایی ۰/۸۵۷ و ضریب دونیمه‌سازی ۰/۷۸۱ نشانگر اعتبار قوی این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس، برابر با ۰/۸۳۷ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای چهار عامل به ترتیب ۰/۶۷۰، ۰/۷۵۹، ۰/۶۳۲ و ۰/۶۳۲ است. شاخص‌های برازندگی نیز برازش مناسب مدل را نشان دادند (هراتیان و دیگران، ۱۳۹۲). آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر، ۰/۷۲۹ به دست آمد.

ب. **مقیاس اسلامی حرص - قناعت (ISGC)**^۲: مقیاس اسلامی حرص - قناعت، توسط هراتیان و دیگران (۱۳۹۳) ساخته شده است. چهار عامل مربوط به حرص در این پرسش‌نامه ۱۸ گویه‌ای، از این قرار است: ۱. دل‌مشغولی مادی؛ ۲. مهار گسیختگی مادی؛ ۳. ضعف معرفت و هیجان دینی؛ ۴. احساس محرومیت و نیاز مادی. پاسخ‌نامه، دارای یک طیف ۴ گزینه‌ای («کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم») است. بررسی روایی مقیاس، با روش‌های روایی محتوا (نظر کارشناسان) میزان ۹۱/۱۴ درصدی موافقت کارشناسان را نشان می‌دهد. ضریب دونیمه‌سازی ۰/۸۲۳ نشانگر اعتبار قوی این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۸۶۳ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای چهار عامل به ترتیب ۰/۷۹۳، ۰/۵۸۳، ۰/۶۳۶ و ۰/۶۹۸ است. شاخص‌های برازندگی در تحلیل عاملی تأییدی نیز برازش مناسب مدل این مقیاس را مورد تأیید قرار داد. آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر ۰/۸۱ به دست آمد.

ج. **مقیاس اسلامی حسادت (ISE-R)**^۳: فرم تجدیدنظر شده مقیاس اسلامی حسادت توسط ولی‌زاده، هراتیان و احمدی (۱۳۹۴) ساخته شده است. چهار عامل مربوط به حسادت در این

1. Islamic Scale of Pride and Humility.

2. Islamic Scale of Greed and Contentment.

3. Islamic Scale of Envy.

پرسش‌نامه ۳۰ گویه‌ای، از این قرار است: ۱. آزرده‌گی از موفقیت دیگران؛ ۲. احساس محرومیت و حقارت؛ ۳. تمایل به سلب نعمت از دیگران؛ ۴. اندوه مقایسه. پاسخ‌نامه، دارای یک طیف ۴ گزینه‌ای («کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم») است. در بررسی روایی مقیاس، ضریب دونیمه‌سازی ۰/۸۹ نشانگر اعتبار قوی این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس، برابر با ۰/۹۳ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای چهار عامل به ترتیب، ۰/۸۷، ۰/۷۶، ۰/۶۹ و ۰/۷۹ است. شاخص‌های برازندگی در تحلیل عاملی تأییدی نیز برازش مناسب مدل این مقیاس را مورد تأیید قرار داد. آلفای کرونباخ این ابزار در این پژوهش، ۰/۸۹۵ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

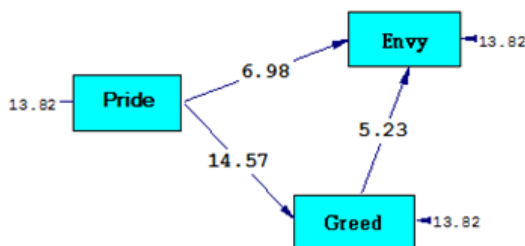
همان‌گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود؛ تحلیل همبستگی نشان داد که هم تکبر و هم حرص، رابطه مثبت معناداری با حسادت دارند، با این تفاوت که تکبر از همبستگی بالاتری برخوردار است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی میان سه متغیر حسادت، حرص و تکبر $n=384$

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳
۱. حسادت	۷۳/۳۵	۱۹/۴۷	۱		
۲. حرص	۳۷/۵۲	۷/۴۷	**۰/۴۹	۱	
۳. تکبر	۵۱/۵۰	۷/۲۸	**۰/۵۲	**۰/۵۹	۱

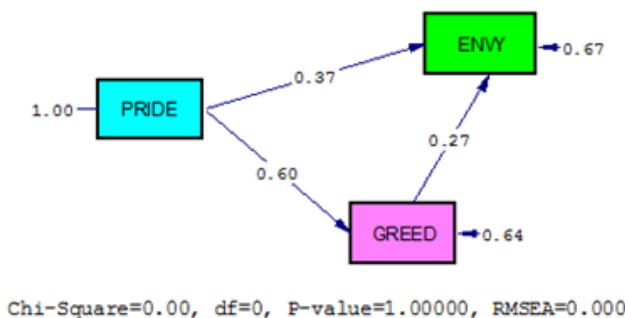
** $p < 0.01$

مدل آزمون شده و ضرایب مسیر آن بر اساس مسیر مستقیم و غیرمستقیم متغیر برون‌زا، از طریق متغیر میانجی درون‌زا حسادت در شکل ۲ آمده است.



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل ۲. نمودار مسیر برای بررسی نقش میانجی حرص در رابطه بین تکبر و حسادت (مقادیر معناداری)



شکل ۳. نمودار مسیر برای بررسی نقش میانجی حرص در رابطه بین کبر و حسادت (ضرایب استاندارد شده)

همان‌گونه که در شکل ۲ ملاحظه می‌شود، ضرایب مسیر تکبر به حسادت به صورت مستقیم و همچنین ضریب مسیر تکبر به صورت غیرمستقیم و از طریق حرص به حسادت، از لحاظ آماری معنادار است و در هر دو مسیر مقدار t بیشتر از ۲ می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی تکبر و حسادت (۰/۳۷)، تکبر و حرص (۰/۶۰) و حرص و حسادت نیز (۰/۲۷) محاسبه شده است.

از آنجایی که در این مدل سه متغیر مشاهده شده و سه مسیر وجود دارد بنابراین، مدل یک مدل دقیقاً همانند است. در این مدل، درجه آزادی برابر با صفر بوده و شاخص‌های برازش مدل مانند $\frac{x^2}{df}$ ، AGFI، GFI و IFI قابل محاسبه نیست.

برای بررسی نسبتی از رابطه بین دو متغیر تکبر و حسادت که با نقش میانجی حرص تبیین می‌شود از آزمون سوبل استفاده شده است که نتیجه آن در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. نتیجه آزمون سوبل برای بررسی نقش میانجی حرص در رابطه بین تکبر و حسادت

آماره سوبل	سطح معناداری	درصدی از اثر کل که توسط متغیر میانجی تبیین می‌شود	نسبت اثر غیرمستقیم به اثر مستقیم	آزمون گودمن
۴/۹۱۲	۰/۰۰۰۱	٪۳۰/۹۱۷	۰/۴۴۷	۴/۹۰۲

سطح معناداری آزمون سوبل نشان می‌دهد متغیر حرص به صورت معناداری توانسته است بین دو متغیر تکبر و حسادت نقش میانجی داشته باشد. همچنین، ۳۰/۹ درصد از کل اثر تکبر بر حسادت، توسط متغیر حرص به عنوان یک متغیر میانجی تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف بررسی نقش میانجی صفت اخلاقی حرص در رابطه بین تکبر و حسادت انجام گرفت. همان‌گونه که نتایج نشان داد متغیر حرص به صورت معناداری توانسته است بین دو متغیر تکبر و حسادت نقش میانجی داشته باشد، ضمن اینکه مسیر مستقیم تکبر به حسادت نیز از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، فرضیه پژوهش در خصوص نقش میانجی صفت حرص در رابطه بین تکبر و حسادت مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش با برخی نصوص اسلامی، مانند تمیمی‌آمدی (۱۳۶۶)، ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق) و مجلسی (۱۴۰۴ق، ج ۷۰) و به‌طور کلی با نتایج پژوهش ساطوریان (۱۳۹۵) که به نقش صفات اخلاقی کبر، حرص و حسادت در پیش‌بینی روان‌آزردگی پرداخته، همسو می‌باشد.

در تبیین نقش میانجی، صفت حرص در رابطه بین تکبر و حسادت می‌توان گفت: همان‌گونه که بسیاری از علمای اخلاق اعتقاد دارند، ریشه همه ردایل اخلاقی و بدبختی‌ها و صفات ناپسند انسانی، تکبر و استکبار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲). آموزه‌های اسلامی، زمینه اصلی تکبر را آسیب‌های شخصیتی می‌دانند که فرد در گذشته گرفتار آن شده است، یعنی حقارت، نقص و شرمی که فرد در درون خود احساس می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲) و به لحاظ ارزشی، خود را ارزش‌مند و دوست‌داشتنی نمی‌یابد. فقدان پایگاه مطمئن درونی جهت ایجاد خودپنداره مثبت و هویت منسجم، فرد متکبر را نیازمند بیرون از خود، محیط و روابط اجتماعی می‌کند. چنین فردی به طور دائم، نیازمند تأیید دیگران است و در برابر انتقاد و حتی نصیحت، واکنش منفی نشان می‌دهد. شاید عدم پذیرش دیدگاه و شخصیت دیگران، مقابله‌ای ناهشیار جهت سرکوب یا مخفی کردن همین نیاز به دیگران است. به طور خلاصه می‌توان گفت: فرد متکبر باورهای غلطی مبنی بر توانمندی و جایگاه اجتماعی خود دارد و همین موضوع زمینه سازگاری افراد متکبر با دیگران را به وجود می‌آورد. بنابراین، به دلیل حقارتی که متکبر در درون خود احساس می‌کند و برتری که در دیگران نسبت به خود می‌یابد، مدام خشم و خصومت را نسبت به دیگران تجربه می‌کند و معمولاً آن را در قالب حسادت و تحقیر دیگران بروز می‌دهد.

فرد حریص، باورهای غلطی دارد مبنی بر ترس از فقر و ناداری، بدبینی و ناامیدی نسبت به خداوند، آرزوهای دور و دراز، نارضایتی از وضع موجود، که چنین باورهایی آرامش را از فرد حریص سلب می‌کند. شاید بتوان گفت فرد حریص دارای یک خلأ درونی است که به احساس حقارت،^۱ احساس فقر^۲

۱. امام علی: «الحرص ذلّ و مهانة» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۶۲).

۲. امام علی: «الحرص فقیر و لو ملک الدنيا بخذا فیرها» (لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۲).

(ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۹)، احساس کهنتری و فقدان امنیت درونی او برمی‌گردد لذا با بیشتر داشتن، می‌خواهد این احساس کمبود را از بین ببرد و جبران کند، حال آنکه احساس امنیت یک احساس درونی است و با عوامل بیرونی برطرف و جبران نخواهد شد. علاوه بر این، فرد حریص از یک طرف به خاطر نارضایتی از وضع موجود، زیاده‌خواهی، بخل ورزیدن و قطع ارتباط با نزدیکان، و از سوی دیگر، به خاطر بدبینی نسبت به خدا و در نتیجه ناامیدی و عدم توکل به خداوند (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۷۸؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۶)، آرامش را در زندگی دنیوی تجربه نخواهد کرد.

فرد حسود نیز همان‌گونه که میلفانت^۱ و گوویا^۲ (۲۰۰۹) بیان کردند خصومت و اندوه را تجربه می‌کند؛ خصومت ناشی از خواسته‌های نادرست، خشم حاصل از باور ذهنی بی‌عدالتی، اندوهی که با احساس حقارت حاصل از مقایسه ناکارآمد اجتماعی همراه است. فرد حسود در زمینه‌هایی مانند پذیرش حق (شوری: ۱۴)، پذیرفتن تقدیر الهی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱۳۱۷)، و برتری دیگران مشکل دارد، لذا به خاطر اندوهی که به سبب احساس حقارت درونی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۸۵۹) ناشی از مقایسه، تجربه می‌کند، دچار خشم و بغض درونی خواهد شد و ضمن اینکه به داشته‌های دیگران حرص می‌ورزد، آرزوی سلب نعمت از دیگران نیز می‌کند. در نتیجه، فرد حسود آرامش خود را از دست خواهد داد و دچار بی‌قراری، افسردگی، خصومت و حرص می‌شود.

به‌طور کلی می‌توان گفت باورهای غیرمنطقی، احساس ضعف و حقارت درونی، زمینه‌ساز عدم تعادل روانی در افراد متکبر، حریص و حسود خواهد شد. بنابراین، متکبر و حریص بودن، همراه با باورهای غیرمنطقی، کاهش کنترل تکانه و کاهش میزان سازش با دیگران، اضطراب، خشم، خصومت، حسادت است و همان‌گونه که نتایج پژوهش حاضر نشان داد تکبر به طور مستقیم با حسادت و به طور غیرمستقیم از طریق حرص با حسادت رابطه دارد.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳)، عیون اخبار الرضا، قم: چاپ مهدی لاجوردی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، محقق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- اسمیت، ادوارد؛ هکسما، سوزان؛ باربارا، فردریکسون و جفری، لافتسن (۲۰۰۳)، زمینه روان شناسی هیلگارد، ترجمه نصرت الله پورافکاری (۱۳۸۴)، تهران: آینده سازان.
- انجمن روان پزشکی آمریکا (۱۹۹۴)، متن تجدیدنظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، ترجمه محمدرضا نیکخو و هامایاک آوادیسیانس (۱۳۸۱)، تهران: سخن.
- تحریری، محمداقبر (۱۳۹۰)، عروج عقل شرح حدیث عقل و جهل، تهران: علمی و فرهنگی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حکیم، فهیمه و موسوی، سیدعلی محمد (۱۳۹۱)، «مقایسه ویژگی های شخصیتی دانشجویان سوء مصرف کننده مواد مخدر با دانشجویان غیرمصرف کننده»، روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۱۷۹-۱۸۷.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۸)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایرةالمعاف اسلامی.
- حقیقی، عالیله و سماواتیان، حسین (۱۳۹۰)، «رابطه ویژگی های شخصیتی همکاران با زیردستان با نحوه ارزیابی آنان از عملکرد سرپرستان و مدیران»، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، سال دوازدهم، شماره ۴، ص ۸۱-۹۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۴۰)، آفرینش و خوشبختی دو جهان، تبریز: کتاب فروشی ابن سینا.
- زره پوش، اصغر؛ کجباف، محمداقبر؛ حشمتی، فریلا؛ صادقی، امیرحسین و امید، حامد (۱۳۹۳)، «بررسی جهت گیری مذهبی / اسلامی و ویژگی های شخصیتی دانشجویان بر اساس پنج عامل شخصیت نئو»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره نوزدهم، ش ۲، ص ۶۸-۷۶.
- شریف الرضی، محمدحسین (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، ترجمه محمد میردشتی، تهران: کاشف.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۹۰ق)، کشف الریبه، بی جا: دارالمرضوی للنشر.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۴ق)، المعجم الکبیر، بیروت: چاپ حمدی عبدالمجید سلفی.
- عمید، حسن (۱۳۹۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ق)، روضه الواعظین و بصیره المتعظیلین، قم: رضی.
- فتحی آشتیانی، علی و داستانی، محبوبه (۱۳۸۹)، آزمون های روان شناختی، ارزشیابی شخصیت و سلامت روان، چاپ چهارم، تهران: بعثت.
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۱ق)، تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی (۱۳۶۵)، تهران: معارف.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۹۸۷)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، لبنان: مکتبه لبنان.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۶ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، تهران: اسوه.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۵)، روان شناسی اجتماعی، تهران: ارسباران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، چاپ چهارم تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گروسی فرشی، میر تقی (۱۳۷۷)، هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی نئو و بررسی تحلیل ویژگی ها و ساختار عاملی آن در

- بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- غزالی، محمدبن محمد (۱۳۶۸)، احیاء علوم الدین، تهران: حسین خدیوچم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: الوفاء.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب ع.
- نوری طبرسی، میرزااحسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البت.
- ولی‌زاده، ابوالقاسم و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۹)، «آزمون اولیه سنجش حسادت با تکیه بر منابع اسلامی»، روان‌شناسی و دین، سال سوم، شماره ۲، ص ۴۵-۶۰.
- ولی‌زاده، ابوالقاسم؛ هراتیان، عباس‌علی و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اسلامی حسادت؛ فرم تجدیدنظرشده (ISE-R).
- هراتیان، عباس‌علی؛ آگاه‌هریس، مژگان و موسوی، الهام (۱۳۹۲)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی تکبر-تواضع»، روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۲۴، ص ۵-۲۲.
- هراتیان، عباس‌علی؛ آگاه‌هریس، مژگان، محمدی، زهرا و شمسی‌نژاد، فاطمه‌السادات (۱۳۹۳)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی حرص-قناعت»، روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۲۸، ص ۲۲-۲۵.
- نراقی، مهدی (۱۳۸۷)، جامع السعادات، نجف: محمد کلاتر.
- نراقی، احمد (۱۳۷۷)، معراج السعاده، تهران: دهقان.
- پایگاه دایرةالمعاف استفورد (Plato.stanford.edu)
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2005). Honesty-humility, the Big Five, and the five- factor model. *Journal of Personality*, 73 (5), 1321-1354.
- Clarke, S. and Robertson, I.T. (2005). A meta-analytic review of the big five personality factors and accident involvement in occupational and non-occupational settings. *Journal of Occupational and Organisational Psychology*, 78, 355-376.
- Danesh A.(2005). Effectiveness of identification/confliction in internal/external personality traits on marital satisfaction. *Journal of Danesh vaRaftar*;12:57-67.[In Persian]
- Donnelan MB, CongerRD& Bryant CM. (2004) The big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*;38:481-504.
- Donnelan MB, Conger RD & Bryant CM.(2005). Erratum to the big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*;39:206-207.
- Francis LJ, Lewis JM, Brown LB, Philipchalk R & Lester D.(1995) Personality and religion among undergraduate students in the United Kingdom, United States, Australia and Canada. *Journal of Psychology and Christianity*;14:250-262.
- Gosling, S. D., Rentfrow, P. J., & Rentfrow, W. B. (2003). A very brief measure of the Big-Five personality domains. *Journal of Research in Personality*, 37, 504-528.
- Hansen, C.P. (1988). Personality characteristics of the accident involved employee. *Journal of Business and Psychology*, 2, 346-365.
- Haslam, N. (2007). An introduction to personality. New York: SAGE Publications.
- Lewis CA, & Maltby J. (1995). Religiosity and personality among U.S. adults. *Personality and Individual Differences*;18:293-295.
- Maltby J. (1999). Religious orientation and Eysenck's personality dimensions: The use of the amended religious orientation scale to examine the relationship between religiosity, psychoticism, neuroticism and extraversion. *Personality and Individual Differences*; 26:79-84.
- Mark, E.B., & Davina, J.F. (2010). Neuroticism, stress, and coping in the context of an anagram-solving task. *Journal of Personality and Individual Difference*.49 (5), 380-385.
- McCrae, R.R., & Costa, P.T., Jr. (1990). *Personality in Adulthood*. New York: The Guilford Press.
- McCrae RR, Costa Jr P.T. (1999). A five-factor theory of personality. In: *Handbook of personality: Theory and research*. LA Pervin and OP John. New York: Guilford Press.p.139-53.

- Saroglou V. (2002). Religion and the five factors of personality: A meta-analytic review. *Personality and Individual Differences*;32:15–25.
- Smith DL. (1996). Private prayer, public worship and personality among 11–15- year-old adolescents. *Personality and Individual Differences*;21:1063–1065.
- Smith, R.H., Parrott, W.G., Diener, E.F., Hoyle, R.H., and Kim, S.H. (1999). Dispositional envy. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25(8), 1007–1020.
- Schoeck, H. (1969). *Envy: A theory of social behavior*. New York: Harcourt, Brace and World, Inc.
- Smith, R.H., and Kim, S.H. (2007). Comprehending envy. *Psychological Bulletin*, 133, 46–64.
- Taylor, A and MacDonald, D. A. (1999). Religion and the five factor model of personality: An exploratory investigation using a Canadian university sample. *Personality and Individual Differences*;27:1243–1259.
- Terracciano, A., Löckenhoff, C. E., Bienvén, O. J., & Costa, T. P. (2008). Five-factor model personality profiles of drug users. Retrieved January_ 27, 2012, from_www (biomedcentral.com).
- Tesser, A. (1991). Emotion in social comparison and reflection processes. In J.M. Suls and T.A. Wills (Eds.), *Social comparison: Contemporary theory and research* (pp. 115–145). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Zlatan Krizan, Z. and Johar, O. (2012). Envy Divides the Two Faces of Narcissism. *Journal of Personality*. doi: 10.1111/j.1467-6494.2012.00767.x

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵، ص ۹۹ - ۱۱۲

مقایسه تأثیر آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی و معنویت درمانی بر تعارضات زناشویی

A Comparison between the Effect of Education on the Basis of Attachment Narrative Therapy and Spirituality Therapy on Marital Conflicts

کلیه صدیقه احمدی / استادیار مشاوره و راهنمایی، دانشگاه خوارزمی

شیماسادات برقی / دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

زهره عباسی / دکتری روان شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان

Seddiqa Ahmadi / Assistant Professor of consultation and guidance, KHU.

ahmadi139090@yahoo.com

Shima Sadat Borqae / PhD student of General Psychology, SRBIAU.

Zohre Abbasi / PhD of General Psychology, UI.

ABSTRACT

The present research aims at a comparison between the effect of education based on attachment narrative therapy and spirituality therapy on marital conflicts. The statistical population consisted of all female employees with marital conflicts in district 7 and 8 of Tehran. 36 such women were selected as the sample population. The research device was the revised version of Marital Conflict Questionnaire (MCQ-R). The research design was of pretest/ posttest type with control group. After random selection of control and experiment groups,

چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه تأثیر آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی با معنویت درمانی بر تعارضات زناشویی است. جامعه آماری، کلیه زنان کارمند دارای تعارض زناشویی منطقه ۷ و ۸ تهران می باشند که ۳۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسش نامه تعارضات زناشویی تجدیدنظر شده (MCQ-R) می باشد. طرح پژوهش از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل است. پس از انتخاب تصادفی گروه های آزمایشی و کنترل، مداخلات آزمایشی برای دو گروه، به مدت ۱۲ جلسه دو ساعته و

experimental manipulations were performed on two groups for 12 two-hour sessions twice a week. At the end of the educational period, the three groups were given the posttest and follow-up. To analyze the data, the ANCOVA and post hoc tests were used. The findings showed that education based on attachment narrative therapy and spirituality therapy have meaningful effects on reducing marital conflicts. Moreover, education on the basis of spirituality therapy is more effective in reducing marital conflicts in comparison to education based on attachment narrative therapy. The results of pursuing the scores of the two groups after three months suggest the durability of the effect of manipulations.

KEYWORDS: Attachment Narrative Therapy, Spirituality Therapy, Marital Conflicts.

هفته‌ای یکبار اجرا شد. پس از اتمام برنامه آموزشی، از هر سه گروه پس‌آزمون و سپس پیگیری به عمل آمد. برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل کوواریانس و آزمون تعقیبی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی و معنویت‌درمانی اثربخشی معناداری بر کاهش تعارضات زناشویی داشته است. بدین معنا که آموزش مبتنی بر معنویت‌درمانی، اثربخشی بیشتری نسبت به آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی بر کاهش تعارضات زناشویی داشته است. نتایج پیگیری نمرات دو گروه پس از سه ماه، حاکی از ماندگاری اثر مداخلات بود.

کلیدواژه‌ها: درمان روایت دلبستگی، معنویت‌درمانی، تعارضات زناشویی.

مقدمه

تعارض زناشویی، یک تعارض بین‌فردی و نوعی تعامل است که در آن زوجین تمایلات، دیدگاه‌ها و عقاید متضادی را بیان می‌کنند و بعضی محققان آن را رخدادی عادی در زندگی زناشویی می‌دانند (کلین،^۱ پلیزنت،^۲ وایتون^۳ و مارکمن،^۴ ۲۰۰۶، نقل از کوران،^۵ اوگولسکی،^۶ حاسان^۷ و باج،^۸ ۲۰۱۱). تحقیقات نشان داده‌اند که اختلافات و تعارضات مکرر، لزوماً مضر نیست، اگر زوجین بتوانند تعارض را به شیوه مثبت، مدیریت کرده و آن را حل کنند (بادنمان،^۹ ۲۰۰۱؛ گاتمن،^{۱۰} ۱۹۹۴؛ کاردک،^{۱۱} ۱۹۹۶؛ برابری،^{۱۲} ۱۹۹۸ به نقل از سیفرت^{۱۳} و اسکارز^{۱۴} ۲۰۱۰). شیوه‌ای که زوجها با یکدیگر تعامل می‌کنند و تعارضات بین‌فردی را مدیریت می‌کنند یا رفتارها و جملاتی که زوجین هنگام اختلافات به کار می‌برند در موفقیت یا شکست در ازدواج، اهمیت اساسی دارد (فینچام^{۱۵} و بیچ،^{۱۶} ۱۹۹۹). زوج‌های

1. Kline, G. H.

2. Pleasant, N. D.

3. Whitton, S. W.

4. Markman, H. J.

5. Curran, M.

6. Ogolsky, B.

7. Hassan, N.

8. Bosch, L.

9. Bodenman, G.

10. Gottman, J. M.

11. Kardek, L. A.

12. Brabury, T. N.

13. Siffert, A.

14. Schwarz, B.

15. Fincham, F.

16. Beach, S.

پريشان نسبت به زوج‌های غيرپريشان، تعارضات مخرب‌تر و پیامدهای منفی بیشتری را گزارش می‌کنند (کریستنسن^۱ و اسکنک^۲، ۱۹۹۱) و درگیر شدن در رفتارهای مخرب برای حل تعارض، میزان طلاق را افزایش می‌دهد (ارباچ^۳، حاسان و هاروکس^۴، ۲۰۰۲، نقل از کوران و همکاران، ۲۰۱۱). در حال حاضر، از رویکردهای مختلفی برای کاهش تعارضات زناشویی استفاده می‌شود.

از جمله رویکردهای خانواده‌درمانی که روی روابط زوجین کار می‌کند درمان‌های مبتنی بر نظریه سیستمی، نظریه دلبستگی و روایت‌درمانی است که هر یک از این رویکردها دارای برنامه مدونی برای کار با زوجین هستند. درمان روایت دلبستگی، به عنوان یک مدل جدید خانواده‌درمانی مطرح شده است که این دیدگاه را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان مفاهیم نظریه دلبستگی، سیستمی و روایتی را با هم ترکیب کرد به‌طوری‌که، از ظرفیت‌های سه حیطه بتوان استفاده کرد (دالاس^۵، ۲۰۰۶). در واقع، این رویکرد نگاهی متفاوت به درمان‌های سیستمی و روایتی دارد (دالاس و دنفورد^۶، ۲۰۰۸). این رویکرد توسعه یافته است تا تجارب مخرب دوران کودکی را التیام بخشد. آسیب‌های حل‌نشده دوران کودکی، با عملکرد هیجانی، شناختی و رفتاری معیوب و مخرب همبستگی دارد. روایت‌های ملایم، تسکین‌دهنده، و آرام‌بخش یک تجربه مجدد متفاوتی را ایجاد می‌کند که می‌تواند الگوهای فعال درونی را تغییر دهد. در نتیجه، فرد بهبود یافته و می‌تواند روابط توأم با عشق و امنیت را بپذیرد (می^۷، ۲۰۰۵). چارچوب درمان روایت دلبستگی به میزان زیادی با درمان‌های روایتی مشترک است؛ زیرا این رویکرد به کار روی روایت‌های افراد به منظور افزایش رشد و رهایی از مشکلات بین‌فردی تأکید می‌کند. به علاوه این رویکرد بر محتوای هیجانی داستان‌های افراد و نیز تجارب بیان نشده مثل حوادث آسیب‌زا تأکید می‌کند. این رویکرد به این نکته توجه می‌کند که افراد در هنگام بروز مشکل، چگونه هیجان‌اتشان را مدیریت کرده و خود و دیگران را تسکین می‌دهند و از کدام نوع از راهکارهای محافظت از خود استفاده می‌کنند (دالاس^۵، ۲۰۰۶).

یکی از حیطه‌های مورد توجه در این رویکرد کار با زوجین می‌باشد. سؤال اساسی این است که هر یک از زوجین تا چه اندازه بر اساس الگوهای دلبستگی آموخته شده قبلی با دیگری رفتار می‌کند و این الگوها تا چه حد از طریق مشاهده روابطشان شکل داده شده و تغییر داده می‌شود. همچنین چه مقدار توسط تجربیات قبلی‌شان یا انتقال، شکل گرفته است (دالاس و ویتز^۸، ۲۰۰۹). مراحل درمان در این رویکرد شامل چهار مرحله است: ۱. ایجاد فضای امن؛ ۲. بررسی روایت‌ها و دلبستگی‌ها در

1. Christensen, A.

2. Schenk, C. L.

3. Orbuch, T. L.

4. Horrocks, J.

5. Dallos, R.

6. Denford, S.

7. May, J. C.

8. Vetter, S.

چارچوب سیستمی؛^۳ توجه به راه‌های جایگزین؛^۴ حفظ تغییرات (دالاس و دنفورد،^۱ ۲۰۰۹). یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. هین،^۲ بویس^۳ و وان اوست^۴ (۲۰۰۵) دریافتند که بین سبک دلبستگی ایمن با افسردگی ارتباط منفی و با سازگاری زناشویی ارتباط مثبتی وجود دارد. از طرف دیگر، سبک‌های دلبستگی نایمن ارتباط منفی معناداری با سازگاری زناشویی و ارتباط مثبتی با افسردگی داشتند. گریل^۵ (۲۰۰۸)، به این نتیجه دست یافت که حمایت اجتماعی و سبک دلبستگی ایمن سلامت روانی و سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (به نقل از شاکر و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین در پژوهشی که توسط هدمنت^۶ (۱۹۹۹) انجام شد، مشخص شد که استفاده از رویکرد روایتی در زوج‌های متأثر از اختلالات اضطرابی قادر است این اختلالات را در زوجین کاهش دهد (به نقل از اسماعیلی‌نسب، ۱۳۸۳).

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر مطرح شده است، نقش مذهب و معنویت در خانواده‌درمانی می‌باشد. سال‌های زیادی، موضوعات مربوط به معنویت و مذهب، به طور وسیعی در مجلات خانواده‌درمانی و ازدواج نادیده گرفته شده بود (اشنایدر،^۷ مک‌کینون،^۸ هلمیک،^۹ ۱۹۹۴، نقل از کارلسون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۲). تحلیل محتوای مجلات خانواده‌درمانی و ازدواج نشان داد که فقط ۴۳ مقاله در مورد مسائل معنوی و مذهبی در طی سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۸۶ در مجلات خانواده‌درمانی و ازدواج چاپ شده است (اشنایدر، مک‌کینون، هلمیک، ۱۹۹۴). به نظر می‌رسد سکوت در پژوهش‌ها این پیام را می‌رساند که مسائل مربوط به معنویت و مذهب در کار درمان مورد توجه قرار نگرفته است. طی چند سال اخیر، این سکوت شکسته شده و توجه به اهمیت پرداختن به جنبه‌های معنوی و مذهبی زندگی مراجعان، افزایش یافته است (اندرسون^{۱۱} و ورتن،^{۱۲} ۱۹۹۷؛ باتلر^{۱۳} و هارپر^{۱۴}؛ کارلسون و اریکسون،^{۱۵} ۲۰۰۰؛ هاگی،^{۱۶} ۲۰۰۰؛ جونیدز،^{۱۷} ۱۹۹۶؛ مولز،^{۱۸} ۲۰۰۰؛ نقل از کارلسون و همکاران، ۲۰۰۲).

نظام خانواده می‌تواند منافع زیادی را از مذهب و معنویت، کسب کند. ابوت،^{۱۹} بری^{۲۰} و مرادیت^{۲۱} (۱۹۹۰) پنج اثری را که مذهب و معنویت بر خانواده دارد را بیان می‌کنند: ۱. افزایش حمایت اجتماعی؛ ۲. قبول کردن مسئولیت نسبت به فعالیت‌های خانوادگی؛ ۳. حمایت از تعالیم خانواده؛ ۴. فراهم کردن

1. Denford, S.

2. Heene, E. L.

3. Buysse, A.

4. Vanoost, P.

5. Gereal, J.

6. Headmant, T.

7. Snieder, V.

8. Mckinnon, D.

9. Helmeke, K.

10. Carlson, T.

11. Anderson, D. A.

12. Worthen, D.

13. Butler, M. H.

14. Harper, J. M.

15. Erickson, M.

16. Hodge, D.

17. Jounides, W. H.

18. Moules, N.

19. Abbot, D. A.

20. Berry, M.

21. Meradith, W. H.

خدمات رفاهی و اجتماعی خانواده؛ ۵. تشویق اعضا به جست‌وجوی حمایت از یک قدرت والا تر. منابع و ارزش‌های نشأت گرفته از مذهب و معنویت، برای درک خانواده یا افراد در درمان بسیار مهم هستند (هوغسترات^۱ و ترامل،^۲ ۲۰۰۳).

باردت^۳ و همکاران (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که تحقیقات توجه خاصی را به نقش مذهب در تشکیل زندگی زناشویی معطوف داشته‌اند از قبیل: افزایش رضایت زناشویی (بوث،^۴ جانسون،^۵ برانامن^۶ و سیکا،^۷ ۱۹۹۵؛ هیتون^۸ و پرات،^۹ ۱۹۹۰؛ اسکانزونی و آرت، ۱۹۸۷)؛ کاهش تعارضات (کارتیز^{۱۰} و الیسون،^{۱۱} ۲۰۰۲)؛ افزایش تعهد و وابستگی (ویلسون^{۱۲} و ماسیک،^{۱۳} ۱۹۹۶)؛ کاهش احتمال طلاق (کال و هیتون، ۱۹۹۷؛ لاهرر^{۱۴} و چیسویک،^{۱۵} ۱۹۹۳) و کاهش خشونت خانوادگی (الیسون، بارتکاسکی^{۱۶} و اندرسون، ۱۹۹۹). همچنین ماهونی^{۱۷} و همکاران (۱۹۹۹) در مطالعات خود روی زوجین، میزان اعمال و تجارب مشترک معنوی و مذهبی آنها را بررسی کردند و تصورات آنها در مورد خدا و اینکه تا چه اندازه در زندگی آنها نقش دارد را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که این عوامل و مؤلفه‌ها، با سازگاری زناشویی بالاتر، تعارض زناشویی کمتر، توافق کلامی بیشتر و استفاده کمتر از خشونت کلامی و بن‌بست کمتر در اختلافات مطرح شده، مرتبط بود (لارسون^{۱۸} و اولسون،^{۱۹} ۲۰۱۱).

معنویت‌درمانی: تا پیش از چند دهه اخیر، متمایز کردن دینداری از معنویت پذیرش کمی داشت، اما امروزه به نظر می‌سد بحث در مورد این تفاوت، بخشی از گفت‌وگوهای روزمره را به خود اختصاص داده است. با وجود این، در مورد معنا و کاربرد این واژه‌ها و نیز وجوه مشترک این دو، همچنان ابهامات فراوانی وجود دارد (روف،^{۲۰} ۱۹۹۹). در مورد معنویت نیز تقسیم‌بندی‌های متعددی صورت گرفته است. معنویت بدون ایمان به خدا، بدون ایمان به مبدأ و معاد، بدون ایمان به معنویت انسان و اینکه در او پرتوی غیرمادی حاکم و مؤثر است، اساساً امکان‌پذیر نیست. حتی آن معنویت که امروزه مورد قبول اغلب مکاتب است و از آن به رومانتیسم تعبیر می‌کنند، بدون پیدا شدن آن عمق و ژرفایی که ادیان به ویژه اسلام پیشنهاد می‌کنند، محال است (مطهری، ۱۳۵۹). با توجه به اینکه در مکتب انبیاء، هدف پرستش خداوند، اصلاح انسان و اجرای قسط در جامعه بوده است همواره سه رابطه ملاحظه شده است: ۱. رابطه انسان با خویشن؛ ۲. رابطه انسان با پروردگار؛ ۳. رابطه انسان با هموعان خویش (آل اسحاق، ۱۳۶۴).

1. Hogestraat, T.

2. Trammel, J.

3. Burdeete, A. M.

4. Booth, K. C.

5. Jahnson, D. R.

6. Branaman, A.

7. Sica, A.

8. Heaton, T. B.

9. Pratt, E. L.

10. Curtis, K. T.

11. Ellison, C. G.

12. Wilson, J.

13. Musick, M.

14. Lahrer, G.

15. Chiswick, C. U.

16. Bartkouski, J. P.

17. Mahony, A.

18. Larson, J.

19. Olson, D. H.

20. Roof, W. C.

در طرح معنویت‌درمانی این سه رابطه (طبق نظر آل اسحق، ۱۳۶۴) همراه با مؤلفه‌های معنوی آن مطابق با آموزه‌های اسلام در نظر گرفته شده است و تلاش شده تا هم به تجلیات درونی معنویت و هم تجلیات بیرونی آن توجه شود. بدیهی است مؤلفه‌های دینی و معنوی بسیاری وجود دارد. این مؤلفه‌ها با توجه به تعداد جلسات و ماهیت آن و مطالعه منابع مختلف، استخراج شده، و در سه بعد ارتباطی گنجانده است.

طرح معنویت‌درمانی در سه بُعد ارائه شده است:

۱. رابطه انسان با پروردگار خویش: عبادات و مناسک دینی، توکل، توبه و خودشناسی؛
۲. رابطه انسان با خوشتن: شناخت هدف و معنای زندگی، اندیشه معنوی و مراقبه (مشارطه، مراقبه و محاسبه) و صبر؛
۳. رابطه انسان با هموعان خویش - با تأکید بر رابطه با همسر: حسن خلق (خوش‌رویی، خوش‌گویی و خوش‌خویی)، بخشایش و رعایت حقوق دیگران.

در این پژوهش فرض بر این است که تغییر در هر سه بعد ارتباطی بر روابط با همسر تأثیر می‌گذارد و از آنجایی که این پژوهش، در ارتباط با تعارضات زناشویی بود، در جلسات آموزشی، در بعد سوم یعنی رابطه انسان با هموعان خویش، بیشتر به ارتباط با همسر پرداخته شد. مرور پیشینه پژوهشی در داخل کشور نشان می‌دهد که در زمینه اثربخشی درمان روایت دلبستگی و معنویت‌درمانی تعارضات زناشویی پژوهشی صورت نگرفته است. از این‌رو، هدف این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی و معنویت‌درمانی بر کاهش تعارضات زناشویی زنان می‌باشد.

این پژوهش بر آن است تا این فرضیه‌ها را بیازماید که؛ ۱. آموزش مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی بر کاهش تعارضات زناشویی زنان مؤثر است؛ ۲. آموزش مبتنی بر طرح معنویت‌درمانی بر کاهش تعارضات زناشویی زنان مؤثر است؛ ۳. میزان اثربخشی آموزش مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی و معنویت‌درمانی بر تعارضات زناشویی زنان، تفاوت معنادار دارد.

روش پژوهش

روش این پژوهش، نیمه‌آزمایشی، از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان کارمند دارای تعارض زناشویی منطقه ۷ و ۸ تهران در سال ۱۳۹۲ بودند که به دلیل مشکلات زناشویی، داوطلب شرکت در این طرح شدند. ابتدا با اعلام از طریق آگهی در خانه‌های

سلامت شهرداری منطقه دوازده از داوطلبین ثبت نام به عمل آمد. سپس، از اعضا آزمون به عمل آمد. از تعداد ۸۱ پرسش نامه، ۳۹ خانم که در پرسش نامه تعارضات زناشویی، بالاترین نمره را کسب کردند به عنوان نمونه انتخاب شدند و به طور تصادفی در سه گروه قرار گرفتند. شرایط ورود به آزمون این بود که: سن آنها کمتر از ۴۵ سال باشد، حداقل تحصیلات دیپلم و بیشتر از ده سال از ازدواج آنها نگذشته باشد. نمونه آماری پژوهش، ۳۶ زن می باشد که در پرسش نامه تعارضات زناشویی بالاترین نمره را کسب کردند. افراد داوطلب به صورت تصادفی در سه گروه ۱۳ نفره تقسیم شدند و متغیرها به صورت تصادفی بر دو گروه آزمایشی اعمال و یک گروه نیز به عنوان گروه کنترل مورد بررسی قرار گرفت. در جریان پژوهش، گروه مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی با دو نفر افت و گروه مبتنی بر طرح معنویت درمانی با یک نفر افت مواجه شد.

ابزار پژوهش

پرسش نامه تعارضات زناشویی تجدید نظر شده:^۱ پرسش نامه تجدیدنظر شده، یک ابزار ۵۴ سؤالی است که برای سنجش تعارضات زناشویی توسط ثنائی، براتی و بوستانی پور (۱۳۸۵) ساخته شده است. این پرسش نامه، هشت بُعد از تعارضات زناشویی را می سنجد که عبارت است از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش های هیجانی، افزایش جلب رضایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر، کاهش ارتباط مؤثر. این پرسش نامه ۵۴ سؤالی در مقیاس لیکرت بین یک تا پنج نمره گذاری می شود و ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۶ گزارش شده است و روایی این پرسش نامه از روایی محتوایی خوبی برخوردار است (سودانی، ۱۳۸۷).

برنامه مداخله ای: الف. گروه مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی: آموزش این گروه، شامل دوازده جلسه ۱۲۰ دقیقه ای بود که هر هفته یک جلسه تشکیل شد و رئیس جلسات به شرح زیر است: ارائه بروشورهای اطلاعاتی در مورد فرایند کار، پرسشگری درمانی به منظور مشخص سازی تفسیر افراد از رویدادها و بیان دیدگاه هایشان؛ مشخص کردن داستان های سرشار از مشکل؛ کمک به افراد برای برون سازی مشکل؛ بررسی روایت های دلبستگی از طریق نسل نگار خانواده؛ کاوش در الگوهای ارتباطی خانواده و الگوهای آرام بخشی؛ بحث در مورد سبک های دلبستگی غالب خانواده (الگوهای اجتنابی/ دل مشغول، الگوهای اجتنابی/ نافی)؛ شناسایی لحظات عاطفی کلیدی (آسیب دلبستگی)؛

بررسی شیوه‌های حفاظت از خود و پردازش عواطف؛ چارچوب‌دهی روایت‌ها در مورد عواطف و دل‌بستگی‌ها؛ تصحیح و تکرار داستان‌ها؛ ایجاد و توسعه روایت‌های دیگر و توجه به روایت‌های دیگر که ارتباط امن ایجاد می‌کند؛ تشویق به یکپارچگی؛ جمع‌بندی جلسات.

ب. آموزش مبتنی بر طرح معنویت‌درمانی: آموزش این گروه، در دوازده جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای، هر هفته یک جلسه برگزار شد. رئوس جلسات به شرح زیر است:

تعیین چارچوب جلسات؛ بحث و گفت‌وگو در مورد لزوم شناخت خود؛ بررسی هدف و معنای زندگی از دید اعضا و از دید دین و لزوم روشن‌سازی هدف و معنای زندگی؛ عبادت و مناسک دینی و نقش آن در سلامت روان؛ توبه و آثار آن بر کاهش احساس گناه و افزایش امید و خوش‌بینی؛ صبر و توکل، انواع آن و نقش آن در ایجاد امید و امنیت روانی و کمک به حل خلاقانه مسائل؛ آشنایی با اندیشه معنوی (مراقبه، محاسبه و مشارطه)، و ارائه تکنیک‌های مرتبط با آن؛ آشنایی اعضا با حسن خلق و ابعاد آن (خوش‌خویی، خوش‌گویی، خوش‌رویی)؛ بیان شیوه‌ها و تکنیک‌های دستیابی به حسن خلق بخصوص در ارتباط با همسر و تمرین عملی در جلسات؛ عفو و گذشت، بیان انواع آن و نقش آن در آرامش و سلامت روان، بیان تکنیک‌های مربوط به عفو و گذشت و ارائه تکلیف؛ آشنایی اعضا با حقوق دیگران (مخصوصاً حقوق همسر)، بیان ابعاد آن و نقش آن بر کاهش تنش‌ها در روابط بین‌فردی و تعارضات زناشویی؛ جمع‌بندی جلسات.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: برای بررسی تفاوت سه گروه - با کنترل پیش‌آزمون، با رعایت مفروضات تحلیل کوواریانس این تحلیل آماری (همگنی ضرایب رگرسیون در سه گروه، همگنی واریانس خطا در دو گروه، خطی بودن متغیر وابسته و متغیر پیش‌آزمون، نرمال بودن متغیر وابسته، پایا بودن متغیر وابسته و مستقل بودن داده‌ها از یکدیگر)، از تحلیل واریانس - کوواریانس استفاده شد. سپس از آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه‌های دو به دو استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد نمره کل و نمرات مربوط به مقیاس‌های پرسش‌نامه تعارض زناشویی را نشان می‌دهد. ماهیت متغیر وابسته، به این شکل است که کاهش نمره فرد در نمره کل و مقیاس‌ها، نمایانگر کاهش تعارضات زناشویی فرد در نمره کل و مقیاس‌ها می‌باشد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره مقیاس تعارضات زناشویی سه گروه به تفکیک پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
	میانگین	انحراف	میانگین	انحراف	میانگین	انحراف معیار

معیار		معیار		معیار	
درمان روایت دلبستگی رویکرد ۱۰	۱۹۷/۰۰۰	۱۰/۴۷	۱۹۲/۸۱	۱۱/۰۲	۱۹۳/۹۷
معنویت درمانی ۱۱	۲۰۴/۹۲	۱۵/۷۹	۱۹۱/۰۰	۱۳/۳۱	۱۸۹/۷۰
کنترل ۱۲	۲۰۱/۰۰۰	۱۲/۱۰	۲۰۲/۵۴	۱۲/۲۶	-

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس- کوواریانس (آنکوا) بین سه گروه در پس آزمون با برداشتن اثر پیش آزمون

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری F
اثر پیش آزمون	۳۲۶۰/۴۵	۱	۳۲۶۰/۴۵	۶۱/۲۱	۰/۰۰۰۱
اثر متغیر مستقل (گروه)	۱۳۹۴/۱۲	۲	۶۹۷/۰۶	۱۲/۱۵	۰/۰۰۰۱
خطا (عامل درون گروهی)	۱۷۰۴/۴۲	۳۳	۵۳/۲۶		
کل	۵۹۲۹/۲۲	۳۵			

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده، چون مقدار F محاسبه شده از مقدار F جدول بزرگتر است، لذا با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می شود که بین سه گروه از نظر نمره کل تعارض زناشویی پس از ارائه متغیر مستقل تفاوت معناداری وجود دارد.

برای بررسی اینکه این کاهش، در کدام گروه ها صورت گرفته است و همچنین برای بررسی تفاوت های دو به دو بین گروه ها، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است. خلاصه نتایج این مقایسه در جدول ۳ آمده است.

گروه ها	تفاوت میانگین ها	خطای استاندارد اندازه گیری	سطح معناداری
رویکرد درمان روایت دلبستگی	معنویت درمانی	۶/۸۰	۳/۱۱
	کنترل	-۷/۶۷	۳/۰۰۱
معنویت درمانی	درمان روایت دلبستگی	-۶/۸۰	۳/۱۱
	کنترل	-۱۴/۴۸	۲/۹۵

با توجه به نتایج جدول ۳، بین نمره تعارضات زناشویی گروه آزمایشی رویکرد درمان روایت دلبستگی و معنویت درمانی و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نمره گروه معنویت درمانی نسبت به گروه مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی در پس آزمون کاهش معناداری یافته است (علامت منفی تفاوت ها گویای این مطلب است).

بنابراین، بر اساس یافته های جدول ۳ می توان گفت:

۱. میزان تعارضات زناشویی زنانی که در گروه مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی شرکت کرده اند، کمتر از گروه کنترل بوده است و فرضیه یک پژوهش تأیید می گردد.

۲. میزان تعارضات زناشویی زنانی که در گروه آموزش مبتنی بر طرح معنویت‌درمانی شرکت کرده‌اند، کمتر از گروه کنترل بوده است و فرضیه دو پژوهش تأیید می‌گردد.

۳. بین کاهش میزان تعارضات زناشویی زنانی که در گروه آموزشی مبتنی بر طرح معنویت‌درمانی شرکت کرده‌اند و زنانی که در گروه مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی شرکت کرده‌اند تفاوت معناداری مشاهده شد و بنابراین فرضیه سه تأیید می‌گردد.

بررسی معناداری تفاوت نمره مقیاس کاهش تعارضات زناشویی پیگیری شده بعد از سه ماه، در جدول ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس - کواریانس (آتکوا)، نمره تعارضات زناشویی با برداشتن اثر پیش‌آزمون					
شاخص آماری منابع واریانس	مجموع مجنورات	درجه آزادی	میانگین مجنورات	F	سطح معناداری F
اثر پیش‌آزمون	۹۲/۶۵	۱	۹۲/۶۵	۴۱/۲۰	۰/۰۰۰۱
گروه‌ها	۵/۹۵	۲	۲/۹۸	۱/۳۲	۰/۲۸
واریانس خطا	۷۱/۹۷	۳۲	۲/۲۵		
کل	۱۸۳/۲۲	۳۵			

با توجه به جدول ۴، چون مقدار F محاسبه شده از مقدار F جدول بزرگتر است، لذا با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود بین میانگین پس‌آزمون و پیگیری مقیاس کاهش تعارضات زناشویی تفاوت معناداری وجود ندارد. به این معنا که تأثیر مداخلات پس از سه ماه ماندگار بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش حاکی از اثربخش بودن آموزش مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی و معنویت‌درمانی بر کاهش تعارضات زناشویی می‌باشد. نتایج همچنین نشان دادند که آموزش مبتنی بر معنویت‌درمانی اثربخشی بیشتری نسبت به آموزش مبتنی بر رویکرد درمان روایت دلبستگی دارد، البته این تفاوت معنادار نیست.

پژوهش‌هایی که از اثربخشی درمان روایت دلبستگی بر کاهش تعارضات زناشویی حمایت کنند بسیار اندک است. بنابراین، در اینجا پژوهش‌هایی که تا حدی با مؤلفه‌های این رویکرد همخوان است بیان می‌شود. با این توضیح، شاخمر و همکاران (۲۰۰۳)، در تحقیقات خود نشان دادند که سبک دلبستگی فرد تا حد زیادی پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی در مردان و زنان است (نقل از رضازاده،

۱۳۸۲). به علاوه، در مطالعه‌ای که توسط لندر^۱ (۲۰۰۸) با عنوان «اثر بخشی درمان روایت دلبستگی به صورت خانوادگی» روی یک پسر بچه یازده ساله دارای مشکلات رفتاری و رشدی انجام شد، نتایج نشان داد که این روش منجر به بهبود عملکرد وی شد.

به نظر می‌رسد یکی از دلایل اثربخشی این شیوه، بررسی آسیب‌ها و دلبستگی‌های اعضا در رابطه با والدین و همسر خود است و اینکه در این شیوه تلاش بر این بود که اعضا از احساس ناامنی احتمالی به سمت احساس امنیت بیشتر حرکت کنند. در این رابطه، نوفل^۲ و شیور^۳ (۲۰۰۵)، نشان دادند که رضایت در افرادی بیشتر دیده می‌شود که خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری بالاتری دارند و از سبک دلبستگی ایمن‌تری برخوردارند، درحالی‌که ضعف تصمیم‌گیری و عدم پایبندی به تعهدات در افراد ناایمن دیده می‌شود و طبیعتاً احساس نارضایتی در روابط آنها بیشتر به چشم می‌خورد (به نقل از کیانزاده، ۱۳۸۸).

جانسون (۲۰۰۴)، نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسید، که بین احساس امنیت و این موارد رابطه مثبت و قوی وجود دارد: تنظیم هیجانات؛ جست‌وجوی حمایت بیشتر؛ پردازش اطلاعات؛ گشودگی بیشتر نسبت به عقاید جدید؛ ارتباط بیشتر (همدلی، ابراز وجود و توانایی بیان احساسات و عواطف)؛ احساس قدرتمندی بیشتر نسبت به خود (دید مثبت‌تر نسبت به خود).

در مطالعه‌ای که توسط پرون^۴، وب^۵، رایت^۶، جکسون^۷ و کیزاک^۸ (۲۰۰۶) تحت عنوان «بررسی رابطه معنویت با کار و نقش‌های خانوادگی و رضایت از زندگی» بر روی ۹۹ نفر انجام شد نتایج نشان داد که بهزیستی و رضایت زناشویی به طور معناداری با رضایت از زندگی رابطه دارد و شرکت‌کنندگان گزارش دادند که معنویت بر کار، ازدواج، فرزندپروری و رضایت از زندگی‌شان مؤثر است.

در پژوهشی ماهونی و همکارانش (۱۹۹۱)، یک گروه نمونه معرف از نظر دینداری را انتخاب کردند. این گروه متشکل از ۹۶ سفیدپوست متأهل بود. براین اساس، افرادی که به ازدواج خود تقدس بخشیده بودند، مزایای مختلفی از قبیل: رضایت خاطر بیشتر از زندگی زناشویی، بهره‌برداری بیشتر از ازدواج، تعارض‌های زناشویی کمتر، و راهبردهای مؤثرتر حل مسائل زناشویی را تجربه کرده‌اند (پارگامنت و ماتون^۹، ۲۰۰۲). هانت^{۱۰} (۱۹۹۹)، سازگاری زناشویی ۶۴ زوج را مورد بررسی قرار داد و نشان داد که مذهب به طور مثبت با سازگاری زناشویی، شادکامی و رضایت زناشویی بالاتر ارتباط دارد، همچنین

1. Lander, I.

2. Nofle, E. E.

3. Shaver, P. R.

4. Perone, K.

5. Webb, L.

6. Wright, S.

7. Jackson, Z.

8. Ksiazak, T.

9. Maton, K. I.

10. Hant, J. M.

نتیجه گرفت که مذهب یک عامل مهم جلوگیری از طلاق است (نقل از کیزاک، ۲۰۰۶).

به‌طور کلی، در زمینه دلایل احتمالی تأثیر معنویت‌درمانی بر کاهش تعارضات زناشویی می‌توان گفت که در این برنامه، تلاش شده است تا سه بعد ارتباطی (ارتباط با خدا، خود و دیگران) بیان شود. در این برنامه، اعضا آموزش دیدند که از طریق خودآگاهی و آشنایی با معنا و هدف زندگی خود، ارزیابی اهداف و برنامه‌های خود از طریق اندیشه معنوی، رابطه سالم‌تری را با خود برقرار کنند. از سوی دیگر، اعضا آموزش دیدند تا از طریق درگیر شدن با مفاهیمی از جمله توکل، دعا و عبادات، صبر به امنیت روانی بیشتری دست یابند. مطالعات نیز نشان می‌دهد، مشارکت زوجین در تجارب مذهبی، می‌تواند ثبات زناشویی را افزایش دهند (کال و هیتون، ۱۹۹۷) و به ایجاد پیوند عاطفی کمک می‌کند که رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد (راینسون،^۱ ۱۹۹۴، نقل از کیزاک، ۲۰۰۶).

همچنین در بررسی رابطه با دیگران که در این پژوهش بیشتر بر رابطه با همسر تأکید شد، اعضا تکنیک‌های مرتبط با خوش‌خویی، خوش‌گویی و خوش‌رویی را فرا گرفته و در جلسات تمرین کردند. نتایج این بخش با پژوهش باتلر، استوت و گاردنر (۲۰۰۲)، همسو است. آنها یک بررسی بر روی ۲۳۰ زوج که مدت هفت سال از ازدواجشان گذشته بود و دارای عقاید مذهبی بودند انجام دادند و موضوعات مذهبی، عبادت و روابط آنها با خدا را بررسی کردند. آنها فرض کردند که در میان آثار مربوط به عبادت، چندین عامل مرتبط با زوج‌درمانی وجود دارد. کاهش منفی‌بینی، اهانت و خشونت، کاهش تعارض، کاهش واکنش‌پذیری هیجانی، افزایش ارتباط مؤثر و افزایش مسئولیت‌پذیری برای مصالحه و حل مسئله، محققان گزارش کردند که فرضیه آنها تأیید شد.

محدودیت‌های پژوهش: عدم حضور همسر در جلسات آموزشی می‌باشد. از آنجایی که آگاهی هر دو فرد می‌تواند بر کاهش تعارضات زناشویی، تأثیر بسزایی داشته باشد، پیشنهاد می‌شود این کار بر روی زوجین نیز انجام گیرد. بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌گردد که مشاوران و درمانگران خانواده در هنگام کار با زوجین و خانواده به نقش عوامل معنوی و مذهبی توجه کرده و نیز روایت‌ها و دلبستگی‌های افراد را مورد بررسی قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی اثربخشی این متغیرها بر روی زوجین و نیز اعضای خانواده مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- اسماعیلی نسب، مریم (۱۳۸۳)، بررسی روایت‌های زندگی افراد افسرده، مضطرب و سالم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- آل اسحق خوئینی، علی (۱۳۶۴)، مسیحیت، تهران: نشر مؤلف.
- جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۸۲)، «انسان، دین و معنویت نوین»، مجله حدیث زندگی، ش ۱۲، ص ۳۰.
- رستگار، عباس‌علی (۱۳۸۵)، ارائه و تبیین مدل انگیزشی مبتنی بر معنویت: مطالعه موردی دانشگاه تهران، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تهران.
- رضازاده، سیدمحمدرضا (۱۳۸۲)، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان، پایان‌نامه دکتری مشاوره، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سودانی، منصور و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۷)، «مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی الیس به صورت انفرادی و توأم در کاهش تعارضات زناشویی»، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره ۳۷، ص ۱-۲۰.
- شاکر، علی؛ فتحی آشتیانی، علی و مهدویان، علیرضا (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در زوجین»، مجله علوم رفتاری، دوره پنجم، ص ۱۷۹-۱۸۴.
- کیانزاده، فروغ (۱۳۸۸)، ساخت و هنجاریابی آزمون سبک‌های دلبستگی دانشجویان متأهل دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- مظاهری سیف، علی (۱۳۸۷)، «معنویت‌های نوظهور»، ماهنامه خلق، شماره ۷، ص ۴۸.
- Burdette, A.M., Ellison, C.G., Sherkat, D.E., Gore, K.A. (2007). Are There Religious Variations in Marital Infidelity? *Journal of Family Issues*, 12: 1553-1581.
- Butler, M.H., Stout, J.A., & Gardner, B.C. (2002). Prayer as a Conflict Ritual: Clinical Implications of Religious Couples Report of Relationship Softening, Healing Perspective, and Change Responsibility. *The American Journal of Family Therapy*, 30: 19- 37.
- Carlson, T., Kirkpatrick, D., Hekher, L., Kilmer, M. (2002). Religion, Spirituality, and Marriage and Family Therapy: A Study of Family Therapists' Beliefs about the Appropriateness of Addressing Religious and Spiritual Issues in Therapy, *The American Journal of Family Therapy*, 30: 157-17.
- Curran, M., Ogolsky, B., Hazen, N., Bosch, L. (2011). Understanding Marital Conflict 7 Years Later From Prenatal Representations of Marriage, *Family Process*, 50: 221-23.
- Dollos, R. (2006). Attachment Narrative Therapy: integrating ideas from narrative and attachment theory in systemic therapy with eating disorders, *Journal of family therapy*, 13: 305-322.
- Dollos, R & Denford, S. (2008). A qualitative exploration and attachment themes in families with an eating disorder. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 13: 305-322.
- Dallos, R. & Vetere, S. (2009). "Systemic Therapy and Attachment Narratives": New York: Routledge.
- Heene, E.L., Buysse, A., Vanoost, P. (2005). In direct path ways between depressive symptoms and marital distress the role of conflict communication, attributions, and attachment style, *Family Process*, 44(4): 413-440.
- Hogestraat, T & Trammel, J. (2003). Spiritual and Religious Discussions in Family Therapy: Activities to Promote Dialogue, *The American Journal of Family Therapy*, 31: 413-426.
- May, J.C. (2005). Family Attachment Narrative Therapy: Healing the Experience of Early Childhood Maltreatment. *Journal of Marital and Family Therapy*. Oxford: 31 (3), 221-237.
- Johnson, S. (2004). *The Practice of Emotionally Focused Marital Therapy: Creating Connections*, New York: Brunner/Mazel.
- Ksiazak, T. M. (2006). Relationship of spirituality to work and family roles and life satisfaction

- among gifted adults. *Journal of Mental Health*, Code: 1USa.
- Lander, I. (2008). Using Family Attachment Narrative Therapy to Heal the Wounds of Twinship: A Case Study of an 11-Year-Old Boy, *Child Adolesc Soc Work*, 25:367–383.
- Larson, P.J. & Olson, D., H. (2011), spiritual Beliefs and Marriage: A National Survey Based on ENRICH, The Association of Marriage and Family Ministries.
- Pargament, K.J. & maton, K.I. (2002). Religion and Prevention in mental health, Haworth Press Inc.
- Roof, W.C (1999). *Spiritual Marketplace: Baby Boomers and the Remaking of American Religion*, Princeton University Press. 8(2) 262–277.
- Siffert, A. & Schwarz., B. (2010), Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being, *Journal of Social and Personal Relationships*, 28(2):262-277.
- Perone, K., Webb, L., Wright, S., Jackson, Z., & Ksiazak, T. (2006). Relationship of spirituality to work and family roles and life satisfaction among gifted adults. *Journal of Mental Health Counseling*, 28 (3), 253-268.

ملخص المقالات

المكونات العملية والنبوية للهوية الدينية وفق المصادر الإسلامية

نجيب الله النورى / شهادة الدكتوراة فى علم النفس من مؤسسة الإمام الخمينى للتعليم والتربية
على العسكري / الأستاذ المساعد فى علم النفس فى جامعة الخوارزمى
رحيم نارويى النصرى / الأستاذ المساعد فى علم النفس فى مؤسسة الإمام الخمينى للتعليم والتربية
محمد صادق الشجاعى / الأستاذ المساعد فى علم النفس فى جامعة المصطفى العالمية

الملخص

ترمى هذه الدراسة إلى التعرف على بنية المكونات و المكونات المرحلية للهوية الدينية بالاستناد إلى المصادر الإسلامية. من أجل كشف هذه المكونات تم استخدام طريقة تحليل المحتوى و علم المعانى ضمن برنامج مؤلف من مرحلتين. تم تأكيد صحة محتوى المكونات من قبل خبراء فى العلوم الحوزوية والمتخصصين كذلك فى علم النفس أو العلوم التربوية. أظهرت النتائج أن هناك خمسة مكونات مرحلية للهوية الدينية وهى: حب الاستكشاف والنزعة التكاملية والالتزام والوعى والرقابة الذاتية. كذلك فإن المعتقدات والقيم و الأهداف والتوجهات والخصال والقدرات ومواطن الضعف تشكل المكونات النبوية للهوية الدينية.

كلمات مفتاحية: بنية المكونات، الهوية الدينية، المكونات المرحلية، المكونات النبوية، المصادر الإسلامية.

الدراسة التجريبية لمراحل تطور الإيمان بالله في الأطفال والناشئة

محمود نوذرى / الأستاذ المساعد فى مركز دراسات الحوزة والجامعة
مجتبى حيدرى / شهادة الدكتوراة فى علم النفس فى مؤسسة الإمام الخمينى للتعليم والتربية
على العسكرى / الأستاذ المساعد فى علم النفس فى جامعة الخوارزمى
السيد محمد رضا موسى نسب / الأستاذ المساعد فى علم النفس التربوى فى مؤسسة الإمام الخمينى للتعليم

الملخص

يرمى هذا البحث إلى القيام بدراسة تجريبية لمراحل تطور الإيمان بالله لدى الأطفال والناشئة وذلك وفقا للمنهج المقطعى واعتمادا على البحث النظرى للسيد نوذرى (٢٠١٠).

إن سمات الإيمان بالله والتي تم أخذها بعين الاعتبار فى هذا البحث هى: معرفة الله، معرفة النظام الدلالى، العاطفة الإيمانية، والالتزام الإيمانى. تم الحصول على البيانات وفقا للمنهج السريرى وذلك من خلال إجراء مقابلات فردية شبه منظمة مع ١٩٨ تلميذا وتلميذة من مدينة قم تتراوح أعمارهم بين ٧-١٧ سنة وتم اختيارهم بشكل عشوائى طبقى وتصنيفهم من قبل خمسة خبراء، والمنهج الذى تم اعتماده فى دراسة البيانات هو منهج تحليل التباين. تشير النتائج إلى إنه كلما تقدم العمر يتزايد الإيمان بالله ويتطور، وانطلاقا من النتائج المتحصلة يمكن تقسيم مراحل تطور الإيمان بالله لدى الأطفال والناشئة إلى المراحل التالية:

الإيمان الحسى غير المتمايز، الإيمان النظرى الذى تم تعليمه (المكتسب)، الإيمان التجريدى غير المكتمل، الإيمان التجريدى المكتمل.

كلمات مفتاحية: المرحلة، التطور، الإيمان بالله، الأطفال والناشئة.

مدى فاعلية تعليم التفاؤل في علاج الاكتئاب عند النساء الموشكات على الطلاق وكذلك في نسبة شعورهن بالرضى عن حياتهن

مير مجيد السعيدى / طالب الدكتوراة في فلسفة التعليم والتربية الإسلاميين في جامعة آزاد فرع العلوم والبحوث بطهران
 محمود الغلزاري / الأستاذ المشارك في علم النفس جامعة العلامة الطباطبائي
 أحمد البرجعلي / الأستاذ المشارك في علم النفس جامعة العلامة الطباطبائي
 أتوسا صادق بور / طالبة الدكتوراة في اختصاص علم النفس في جامعة آزاد فرع العلوم والبحوث بطهران

المخلص

الهدف من هذه الدراسة هو تحديد مدى فاعلية تعليم التفاؤل في علاج اكتئاب النساء الموشكات على الطلاق وكذلك في نسبة ارتياحهن من الحياة في مدينة قم. المنهج الذى تمّ اختياره من أجل الدراسة هو منهج شبه تجريبى من نوع الاختبار القبلى-البعدى مع المجموعة الضابطة حيث تمّ اختيار ٣٠ امرأة وتم تقسيمهن إلى مجموعتين متساويتين إحداهما تجريبية وأخرى ضابطة ثم تمّ استبدال أعضاءهما بعضهم مع بعض بشكل عشوائى. كان المتغير المستقل الذى تمّ استخدامه على مدى ١٤ جلسة اختباراً أجرى على المجموعة التجريبية وهو التفاؤل في حين لم يتم القيام بأى تدخل في المجموعة الشاهدة. أما أدوات البحث فهي مقياس بک للاكتئاب (BDI-II) ومقياس دينر للرضى عن الحياة (SWLS). ولتحليل البيانات تمّ استخدام تحليل التباين المشترك. النتائج التى تمخضت عن الدراسة هي أن التفاؤل يؤثّر في تخفيض الاكتئاب لدى المرأة كما أنه يرفع من مستوى رضاها عن الحياة وقد كانت هذه النتائج متوافقة مع نتائج الدراسات السابقة وقد أفادت الباحثين، والخبراء التربويين، والأطباء النفسيين بما فيها من معطيات جديدة.

كلمات مفتاحية: النساء الموشكات على الطلاق، الاكتئاب، الرضا عن الحياة، تعليم التفاؤل.

بناء الاختبار الأولى لقياس الصبر على المعصية

حسين الأميري / طالب الدكتوراة في اختصاص المعارف الإسلامية فرع الأخلاق الإسلامية
محمد رضا الأحمدي / الأستاذ المساعد في علم النفس مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والتربية
رحيم الميردريكوندي / الأستاذ المساعد في علم النفس مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والتربية

الملخص

تهدف هذه الدراسة إلى بناء اختبار أولى لقياس الصبر على المعصية. هذا الاختبار يحتوي على أربع وأربعين بنداً، وقد بُنى على الأسس والقواعد المستوحاة من الآيات القرآنية والروايات الشريفة. من أجل التحقق من صحة الاختبار والتحديد الأولى لمدى مصداقيته تم استخدام طريقة دلفي للاستقصاء ومن ثم إجراء الاختبار بشكل تجريبي على ١٠٦ أشخاص، وتمت الاستعانة أيضاً بطرق أخرى كـ "ألفا كرونباخ" و "معامل التجزئة النصفية لسبيرمان وغاتمن". بعد إجراء الاختبار ومن أجل الكشف عن مدى صحة نتائج الاختبار تم استخدام طريقة الاتساق الداخلي (مع حساب معامل سبيرمان للارتباط) وفي نهاية المطاف تم تأكيد صحة الاختبار من قبل ثمانية من الخبراء المتخصصين. بعد الإجراء التجريبي للاختبار تم احتساب مصداقيته على النحو التالي: ألفا كرونباخ: ٠/٩٣، التجزئة النصفية للارتباط: ٠/٨٦، معامل التجزئة النصفية لسبيرمان: ٠/٩٣، التجزئة النصفية لغاتمن: ٠/٩٣.

ومع احتساب ارتباط المقاييس الفرعية ببعضها وبالدرجة الكلية للمقياس، وارتباط عناصر المقاييس الفرعية بالدرجة الكلية، وارتباط كل عنصر بالدرجة الكلية؛ ظهرت النتائج المتوخاة لقياس صحة الاختبار في الاستبيان.

كلمات مفتاحية: الصبر، المعصية، الصحة والمصداقية، الاختبار الأولى، الإسلام.

دور الوسيط لصفة الحرص بين كل من صفتى التكبر والحسد

حسين رضائيان / شهادة الماجستير فى علم النفس من مؤسسة الإمام الخمينى للتعليم والتربية
السيد عباس ساطوريان / طالب الدكتوراة فى علم النفس فى مؤسسة الإمام الخمينى للتعليم والتربية
عباس على هراتيان / طالب الدكتوراة فى علم النفس فى مركز دراسات الحوزة والجامعة
السيد مهدي الحسينى مطلق / طالب الدكتوراة فى الشيعة فى جامعة الاديان والمذاهب

الملخص

تهدف هذه الدراسة إلى تقديم نموذج الترابط بين التكبر والحرص والحسد. تعتبر هذه الدراسة وصفا لنوع الرابطة بين هذه الصفات، حيث تم اختيار عينة من ٣٨٤ طالبا من جامعة "خمين" الإيرانية وذلك بطريقة العينة العشوائية ذات المراحل المتعددة. تم جمع البيانات المتعلقة بالحرص والقناعة، التكبر والتواضع، والمفهوم المعدل للحسد وفق المفاهيم الإسلامية ومن ثم تحليلها باستخدام تحليل المسار واختبار سوبل. وتشير المؤشرات إلى وجود توافق فى النموذج المقدم وتأکید كون صفة الجشع وسيطا بين صفتى التكبر والحسد. أظهرت النتائج أن صفة التكبر هى الباعث على ظهور الكثير من الأحاسيس والخصال السيئة كالحسد، وبناء عليه يجدر التمعن أكثر بجذور هذه الصفات الخلقية وعلاقتها ببعضها وآلية عملها.

كلمات مفتاحية: دور الوسيط، التكبر، الحرص، الحسد، الصفات الخلقية.

المقارنة بين تأثير التعليم المبني على علاج التعلق والعلاج الروحي على الخلافات الزوجية

صديقة الأحمدي / الأستاذة المساعدة في المشاورة و التوجيه من جامعة الخوارزمي
شيماء سادات البرقي / طالبة الدكتوراة في علم النفس العام من جامعة آزاد فرع العلوم والبحوث بطهران
زهرة العباسي / شهادة الدكتوراة في علم النفس العام من جامعة إصفهان

الملخص

هدف هذه الدراسة هو المقارنة بين تأثير التعليم المبني على علاج التعلق والعلاج الروحي على الخلافات الزوجية. المجتمع الاحصائي يشمل جميع النساء العاملات في كل من المنطقة ٧ و ٨ من طهران واللواتي يعانين من الخلافات الزوجية، حيث تم اختيار ٣٦ منهن كعينة للبحث. أداة التحقيق هي عبارة عن الاستبيان المعدل للخلافات الزوجية و المعروف اختصاراً بـ MCQ-R، و يعتمد التحقيق على إجراء الاختبار القبلي - البعدي على المجموعة الضابطة بعد الاختيار العشوائي لكل من المجموعة التجريبية والمجموعة الضابطة تم التدخل التجريبي على المجموعتين لـ ١٢ جلسة بمعدل جلسة في الأسبوع مدتها ساعتان بعد نهاية البرنامج التعليمي تم إجراء الاختبار البعدي على المجموعات الثلاثة ومن ثم المتابعة. تم تحليل البيانات بواسطة التحليل المتباين والاختبار اللاحق، وقد أظهرت النتائج أن التعليم المبني على علاج التعلق والعلاج الروحي له تأثير لاف في تقليل الخلافات الزوجية. بصورة أدق فإن التعليم المبني على العلاج الروحي كان أكثر فاعلية في تقليل الخلافات الزوجية من التعليم المبني على علاج التعلق. نتائج متابعة نتائج كل من المجموعتين بعد ثلاثة أشهر تشير إلى ديمومة نتائج التدخل وبقاء أثره.

كلمات مفتاحية: علاج التعلق، العلاج الروحي، الخلافات الزوجية.

Table of Contents

Process and Structural Components of religious Identity Based on Islamic Sources / Najibullah Nuri / Ali Askari / Rahim Narooie Nusrati / Muhammad Sadiq Shojaie	7
Empirical Investigation of Stages of Evolution in Belief in God in Children and Juveniles / Mahmud Nowdhari / Mujtaba Heydari / Ali Askari / Sayyid Muhammad Reza Musawi-Nasab	27
The Effectiveness of Teaching Optimism in the Level of Depression and Life Satisfaction in Women on the Verge of Divorce / Mir Majid Sa'idi / Mahmud Golzari / Ahmad Borj-Ali / Atusa Sadiq-Pur	55
Designing an Initial Test on Patience with Sins / Hussein Amiri / Muhammad Reza Ahmadi / Rahim Mirdrikwandi	71
The Mediatory Role of Greed in the Relationship between Pride and Envy / Hussein Reza'iyani / Sayid Abbas Saturiyan / Abbas Ali Haratian / Sayid Mahdi Husseini Motlagh	85
A Comparison between the Effect of Education on the Basis of Attachment Narrative Therapy and Spirituality Therapy on Marital Conflicts / Seddiqa Ahmadi / Shima Sadat Borqaie / Zohre Abbasi	99



Akhlaq & Tarbiat
High Education Institute

In the Name of Allah



Islam &
Psychological Research

Islam & Psychological Research

Vol.2, No.4

A Quarterly Journal of Psychology

Spring 2016

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing Director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Deputy Editor: Abbas Ali Haratiyan

Executive Secretary: Hadi Ershad Husseini

Editorial Board:

▣ **Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** *Tehran University*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zare'an:** *Academic Institute for Ethics And Education*

▣ **Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*

▣ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Baqiyatallah University*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*

▣ **Dr. Mahmood Golzari:** *Allameh Tabataba'i University*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei:** *IKI*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +9825332918444

Fax: +982533292239

www.ipr.ueae.ir

ipr@ueae.ir